



سازمان امور عشایر ایران

# فصلنامه عشایری

## دختر انقلاب

فصلنامه پژوهشی - اطلاع رسانی  
دوره جدید - تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۵۷

- بررسی افزایش بهره‌زایی گوسفندان عشایر در استان لرستان /  
دفتر مطالعات جامع عشایر ایران و دکتر حمید کهرام
- ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه / دفتر  
مطالعات جامع عشایر ایران و دکتر پژمان رضایی
- بررسی افزایش بهره‌زایی گوسفندان عشایر در استان لرستان / دفتر  
مطالعات جامع عشایر ایران و دکتر حمید کهرام
- نقش فرهنگ و مدیریت جهادی در تحقق جهاد اقتصادی به منظور  
توسعه فرهنگی - اجتماعی جامعه عشایر / دکتر محمدتقی امانپور
- نقش و جایگاه مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات  
زیربنایی در مناطق عشایری / مهندس میر ولی صفرزاده
- بررسی عوامل مؤثر در تکامل مناسب بین فرهنگ و مدیریت  
جهادی با جامعه عشایری / مهندس مهدی میزبان
- بررسی ارزیابی عملکرد مدیران تربیت بدنی بر ورزش های بومی و محلی  
جوانان عشایر استان سیستان و بلوچستان / مهندس مریم ثمره طالبی
- معرفی صنایع دستی عشایر استان تهران / مهندس سیروس نصیری و  
افسانه احسانی
- معرفی کتاب / دکتر احمد رحیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه عشایری «ذخایر انقلاب»

دوره جدید - تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۵۷

---

---

صاحب امتیاز: سازمان امور عشایر ایران

مدیرمسئول: مهندس جهانشاه صدیق

سرمدیر: مهندس محمدرضا میر امینی

مدیر داخلی: مهندس علی اسفندیاری

هیأت تحریریه ( به ترتیب حروف الفبا): دکتر عیسی ابراهیم زاده، دکتر جهانگیر پرهت، دکتر احمد رحیمی، دکتر پژمان رضایی، دکتر مرتضی ذوالانوار، مهندس جهانشاه صدیق، مهندس میرولی صفر زاده، دکتر جواد صفی نژاد، دکتر سید اسکندر صیدایی، دکتر خلیل کلاتری، دکتر حمید کهرام، دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ، مهندس حسن مصطفی نژاد، مهندس محمدرضا میر امینی، مهندس مهدی میزبان، دکتر علی محمد یوسفی باصری.

چکیده انگلیسی: دکتر مرتضی ذوالانوار

مجری نشر: انتشارات آیندگان

طرح روی جلد: مهندس هاجر میزبان

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۸۰-۴۸-۳

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۹۱

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

نشانی دبیرخانه: تهران - میدان فلسطین - خیابان برادران مظفر - پلاک ۱۰۲ - دفتر مطالعات سازمان امور

عشایر ایران - تلفن: ۸۸۸۹۷۹۵۳ و ۶

پست الکترونیکی: [ezakhaver@gmail.com](mailto:ezakhaver@gmail.com)

کلیه حقوق برای سازمان امور عشایر ایران محفوظ است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سر مقاله / عذر تقصیر / مهندس جهان‌شاه صدیق
	ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه / دفتر مطالعات جامع عشایر ایران و
۹	دکتر پژمان رضایی
	بررسی افزایش بهره‌زایی گوسفندان عشایر در استان لرستان / دفتر مطالعات جامع عشایر
۴۱	ایران و دکتر حمید کهرام
	نقش فرهنگ و مدیریت جهادی در تحقق جهاد اقتصادی به منظور توسعه فرهنگی -
۷۹	اجتماعی جامعه عشایر / دکتر محمد تقی امانپور
	نقش و جایگاه مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی در مناطق عشایری /
۱۰۱	مهندس میر ولی صفرزاده
	بررسی عوامل مؤثر در تکامل مناسب بین فرهنگ و مدیریت جهادی با جامعه عشایری /
۱۳۳	مهندس مهدی میزبان
	بررسی ارزیابی عملکرد مدیران تربیت بدنی بر ورزش های بومی و محلی جوانان عشایر
۱۵۵	استان سیستان و بلوچستان / مهندس مریم ثمره طالبی
۱۷۷	معرفی صنایع دستی عشایر استان تهران / مهندس سیروس نصیری و افسانه احسانی
۱۸۵	معرفی کتاب / دکتر احمد رحیمی
۱۹۱	راهنمای تهیه و تدوین مقالات
1	چکیده مقالات به زبان انگلیسی



## سر مقاله

### عذر تقصیر

مهندس جهانشاه صدیق<sup>۱</sup>

اطلاع رسانی و پژوهش پیرامون موضوعات مرتبطی که قرار است به سمع و نظر مخاطب برسد به خودی خود آن اندازه مهم هست که نیازی به شرح و تفسیر و پرداختن به جوانب آن برای بیان اهمیت آن وجود نداشته باشد. از همین منظر اطلاع رسانی در خصوص تغییراتی که در زندگی عشایر در حال وقوع است به لحاظ ابعاد این تغییرات از نظر کمی و کیفی و تأثیرات عمیقی که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، محلی و منطقه‌ای ایجاد می‌کند، بیش از پیش مهم است و هرگونه تأخیر و مسامحه در بیان وضعیتی که در پیش است و عدم اطلاع رسانی به کسانی که علاقه‌مند به این هستند که در جریان اوضاع و احوال تغییرات و تحولات جامعه عشایری قرار گیرند و به موقع نقش آفرینی کنند، مستوجب نکوهش و انتقاد است؛ آنچنان که متأسفانه علیرغم همه تلاشهایی که برای استمرار انتشار فصلنامه ذخایر انقلاب به کار گرفته شد، مع الوصف باز هم به دلیل مشکلات مالی و عدم تخصیص اعتبار لازم، بیش از دو سال دچار وقفه شدیم و از انتشار فصلنامه محروم ماندیم و این شد که در این مدت نتوانستیم تحولات قابل توجهی که در جامعه عشایری در حال شکل‌گیری است را از این طریق هم به اطلاع مخاطبین خود برسانیم و تبعاً از نظرات و دیدگاه‌های آنان هم در ارتباط با اصلاح یا تقویت روش‌هایی که در دست اجرا داریم هم محروم مانده‌ایم، اگرچه ارتباط ما با علاقه‌مندان جامعه عشایری صرفاً از طریق فصلنامه نیست و تلاش هم این است که سایر فرصت‌هایی را که بین ما و علاقه‌مندان به جامعه عشایری وجود دارد از دست ندهیم.

آنچه که لازم است مخاطبین جامعه عشایری اعم از دولتمردان، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، اساتید و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و مردم‌شناسی، همکاران در وزارت جهاد کشاورزی، مقامات وزارت کشور و سایر فرهیختگان و علاقه‌مندان به جامعه عشایری در

---

1- مدیرمسئول و رئیس سازمان امور عشایر ایران

خصوص تحولات اخیر جامعه عشایری مطلع باشند این است که به دلایل گوناگون، جامعه عشایری دچار تحولات بنیادی شده است؛ از جمله تصرفات صورت گرفته در عرصه‌های عشایری، کاهش سرانه دام، فقر مراتع، خشکسالی‌های پی در پی، تغییر الگوی مصرف در خانوارهای عشایری، تغییرات فرهنگی، افزایش قیمت تولید و کاهش درآمد. ضرورت افزایش شاخص‌های توسعه در عرصه‌های عشایری، اسباب این شده است که اتکای عشایر را صرفاً به شغل دامداری کمرنگ کند و دیگر نمی‌توان ادعا کرد که عشایر می‌توانند همانند ۵۰ سال پیش شکل کوچ خود را داشته باشند و فقط از طریق دامداری، هزینه زندگی خود را تأمین نمایند.

ضرورت ایجاد توسعه در جامعه عشایری، سازمان عشایر را که یک نهاد دولتی است، وادار به تدبیر و تدوین برنامه ساماندهی به زندگی عشایر نموده است؛ آنچنان که این سازمان در طول چهار برنامه گذشته، حدود ۴۰۰ کانون توسعه و اسکان را با همکاری خود عشایر به مرحله اجرا درآورده است (این که اقدامات صورت گرفته چقدر موفق بوده است و آیا کار انجام شده کاملاً موفق است یا نه و لیست نقاط قوت و ضعف برنامه ساماندهی عشایر در کانونهای توسعه و اسکان کدام است، شرح مفصلی را می‌طلبید که در وقت خود باید توضیح داده شود. البته این بررسی با تلاش و پیگیری سازمان امور عشایر صورت گرفته است و مدارک آن در سازمان موجود می‌باشد.) و این در حالی است که علاوه بر کانونهای گفته شده، عشایر به اعتبار محدودیت‌هایی که در کوچ برایشان به وجود آمده است، در بیش از یک هزار نقطه اسکان یافته‌اند که باید به لحاظ کمبودهایی که در این نقاط وجود دارد، اقداماتی در جهت توسعه و اصلاح این کانونهای خودجوش هم صورت بگیرد. (تعداد زیادی از این کانون‌های خودجوش که از حداقل امکانات برای تولید و ادامه زندگی برخوردار هستند مورد حمایت سازمان می‌باشد و پروژه‌هایی نیز در جهت قابل زیست کردن این کانون‌ها از طرف سازمان امور عشایر و بعضی از دستگاه‌های اجرایی کشور در حال اجرا است.) بیان این نکته نیز ضروری است که سازمان امور عشایر از فعالیتهای علمی و تحقیقاتی و مطالعاتی درباره اینکه برای توسعه زندگی عشایر چه باید کرد، هم به دور نیست. شاهد این ادعا هم تدوین برنامه راهبردی استانهای عشایری و تهیه اسناد این راهبردها در هر استان است که در قالب یک کتاب مربوط به هر استان تهیه شده است و البته سایر مستندات تحقیقاتی و مطالعاتی موجود را که در سالهای اخیر صورت گرفته است هم باید به آن افزود.

نکته‌ای که نباید ناگفته بماند اینکه سازمان امور عشایر ایران هرگز به اسکان دائم عشایر اصرار نداشته و ندارد، لیکن در مواردی که گریزی از اسکان نیست، اسکان مشروط به حفظ جایگاه تولیدی عشایرو با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و در عین حال توجه به شغل اصلی یعنی دامداری، مورد حمایت سازمان بوده و هست. با این وجود، کوچ هم همچنان جریان دارد، منتهی نه در حد و اندازه و شکل سابق خود، اما همچنان هست.

تحول مهمی که در دهه اخیر در زندگی عشایر شکل گرفته و به خوبی مشهود است، گرایش عشایر به مشاغلی غیر از دامداری است که به عنوان یک استراتژی جدید از طرف سازمان امور عشایر ایران ابلاغ شده است و زیرساخت‌های آن در مناطق عشایری دنبال می‌شود و در اختیار عشایر قرار می‌گیرد.

اتفاقی که افتاده این است که در حال حاضر در مناطق مختلفی از عرصه‌های عشایری در کنار دامداری، زراعت، باغداری، زنبورداری، پرورش ماهی، دامپروری، احداث گلخانه و مراکز دامپروری، توسعه صنایع دستی، توجه به جمع‌آوری و بسته‌بندی و عرضه گیاهان دارویی و مشاغل مشابه تبدیل به بخشی از فعالیت‌های عشایر شده است و اتفاقاً درآمد بسیار مناسبی هم از تنوعی که در اشتغال آنان به وجود آمده است به دست می‌آورند و خوشبختانه این نوع از فعالیت‌ها، انگیزه حضور و پایداری جوانان عشایری را هم تا حد قابل توجهی در مناطق عشایری فراهم آورده است.

هدف از توجه و پرداختن به مشاغلی غیر از دامداری، حذف دامداری از زندگی عشایر نیست چرا که اگر محور فعالیت‌های عشایر همچنان دامداری نباشد، از هم پاشیدن زندگی عشایری قطعی است. اما آنچه که گفته شد تنها دامداری هم نمی‌تواند اسباب پایداری زندگی عشایری باشد و لذا توجه به بهره‌برداری از کلیه فرصت‌هایی که در عرصه‌های عشایری وجود دارد و به مواردی از آن به عنوان مشاغل جدید اشاره شد می‌تواند بیش از گذشته، ادامه این نوع از زندگی را تضمین نماید.

قطعاً هر دامدار عشایری هم نمی‌تواند در کنار دامداری همه مشاغل گفته شده را نیز داشته باشد. بدیهی است بنا به شرایط هر منطقه و امکاناتی که وجود دارد، هر دامدار عشایری در کنار دامداری می‌تواند یکی دو مورد از موارد گفته شده را هم تجربه کند و از آن مسیر کسب درآمد نماید و در تولید کشور موثر باشد.



آنچه گفته شد، مراحل آزمون و خطا را هم طی کرده است و در حال حاضر هر اتفاقی که در طول برنامه‌های گذشته در جامعه عشایری افتاده است، به نوعی جای خود را باز کرده و تثبیت شده است و در مواردی، درستی اتفاقاتی که افتاده است، هیچ شک و شبهه‌ای را به جای نگذاشته است و تغییر و تحولات در جامعه عشایری هم محدود به کلیاتی که در این نوشتار آمد، نمی‌باشد بلکه بسیار وسیع‌تر است و نیاز به بررسی و مطالعه و پژوهش و اظهار نظر دارد و در نهایت هم مواردی از آن باید تقویت و مورد حمایت دولت قرار گیرد و مواردی هم هست که باید اصلاح شود و یا حداقل تقویت نشود و مورد حمایت قرار نگیرد که همه این موارد مستلزم تعامل همه جانبه همه مراکز و مجامعی است که در کنار سازمان امور عشایر ایران دستی بر آتش دارند و باید نقش‌آفرینی کنند.

این سازمان ضمن عذر تقصیر، همچون گذشته، دست آنان را که به هر طریق با رهنمود و نظر مساعدت و معاضدت خود قصد شکوفایی جامعه عشایری را داشته باشند همچنان می‌فشارد و در خدمت آنان خواهد بود. امید آنکه به کمک هم بتوانیم قدم‌های دیگری را هم در جهت شکوفایی جامعه تولید کننده، کم‌معونه و بی‌ادعای کشورمان (عشایر عزیز و زحمت‌کش) برداریم.

انشاءالله

## ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه

### دفتر مطالعات جامع عشایر و دکتر پژمان رضایی<sup>۱</sup>

#### چکیده:

سیاست اسکان عشایر در راستای ساماندهی به زندگی عشایر در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی برنامه ریزان و سیاست گذاران جامعه عشایری بوده است. در راستای این سیاست حجم قابل توجهی از برنامه‌ها و اعتبارات در مناطق مختلف عشایری کشور هزینه و ماحصل آن شکل‌گیری کانون‌های مختلف اسکان عشایر می‌باشد.

با توجه به اهمیت ارزیابی عملکرد دولت در این زمینه، ۶۰ کانون هدایتی و خودجوش کشور در ۲۲ استان کشور انتخاب و بیش از ۱۰۰۰ پرسشنامه در این کانون‌ها تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نوع این تحقیق کاربردی، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده و اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت.

با توجه به چارچوب نظری تحقیق مبنی بر رویکرد جامع به جامعه عشایری، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، نهادی و مدیریتی و ... مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد در زمینه‌های اجتماعی و کالبدی فیزیکی اسکان باعث ارتقاء بیش از ۹۰ درصد شاخص‌ها شده است و سرانه‌های مختلف خدماتی رشد قابل توجهی داشته است. در زمینه اقتصادی، اسکان باعث تغییر معیشت خانوارها از دامداری به زراعت و باغداری شده است و واگذاری اراضی زراعی و باغی توسط دولت نقش قابل توجهی در این زمینه داشته است. در زمینه طبیعی و محیطی هر چند دسترسی به سوخت‌های فسیلی باعث جلوگیری از شکستن درختان و بوته‌کشی شده است، اما چرای بیش از حد مراتع اطراف کانون‌ها، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و ... از تأثیرات منفی اسکان ارزیابی شده است.

---

۱ - دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه تهران

البته در این زمینه خشکسالی‌ها تاثیر قابل توجهی داشته است و با توجه به سنتی بودن شیوه‌های آبیاری، محدودیت بالای منابع آب و عدم استفاده بهینه از این منابع از معضلات اساسی کانون‌ها می‌باشد. در ارتباط با وضعیت مدیریتی نیز با فروپاشی نظام مدیریتی گذشته شیوه‌های نوین مدیریت متکی بر مشارکت مردم در قالب شوراهای اسلامی از نتایج قابل توجه در این زمینه می‌باشد.

برای اتخاذ سیاست‌های اجرایی مناسب در برخورد با این جامعه، کلیه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید ابعاد فوق استخراج و توسط تیم کارشناسی مورد ارزیابی و رتبه بندی قرار گرفت. مجموع امتیازات نشان می‌دهد در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، نهادی مدیریتی و... راهبرد مورد توجه، راهبرد تهاجمی می‌باشد و با توجه به نقاط قوت داخلی کانون‌های توسعه می‌بایست از فرصت‌های پیش رو حداکثر استفاده را به عمل آورد و برای پایداری کانون‌های اسکان عشایر اقدامات لازم را به عمل آورد.

**واژگان کلیدی:** ساماندهی عشایر، اسکان عشایر، کانون‌های هدایتی، کانون‌های

خودجوش، توسعه پایدار.

### مقدمه

با توجه به شرایط خاص زندگی عشایری و متحرک بودن جامعه، بحث اسکان عشایر از زمان پهلوی اول (به دلایل سیاسی) و دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (به دلایل خدمات رسانی و ارتقاء سطح زندگی این جامعه) مطرح گردیده است و به ویژه از سال ۱۳۷۱ این مبحث در قالب کانونهای اسکان هدایتی و خودجوش تبلور پیدا کرده است و از آن زمان تاکنون، کانونهای متعددی در نقاط مختلف کشور شناسایی شده است که برای بسیاری از این کانونها مطالعات اجمالی، نیمه تفصیلی و تفصیلی صورت گرفته و عملیات اجرایی اسکان آنها انجام شده و یا در حال انجام می‌باشد. و بسیاری از این کانونها نیز در حد شناسایی و یا در حد مطالعات اجمالی قرار دارند.

برنامه ریزی در کانونهای اسکان هدایتی به گونه ای است که دولت مستقیماً از شناسایی محل مورد نظر برای کانون تا شناسایی خانوارهای متمایل به اسکان، تجهیز کانونها، ایجاد شرایط اشتغال در کانونها و ... حضور مستقیم و گسترده‌ای دارد. اما در کانونهای خودجوش که توسط خود عشایر مکانیابی شده اند، دولت نقش کمتری دارد و تنها در برخی زمینه‌ها خدمات رسانی می‌کند.

اینکه سیاست اسکان عشایر بهترین گزینه برای ارتقاء سطح زندگی این جامعه است یا نه بحث بسیار دارد، اما اتخاذ این سیاست توسط برنامه ریزان و سیاست گذاران به ویژه از برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تا کنون، باعث گردیده تا میلیاردها ریال اعتبار در این زمینه هزینه گردد و کانونهای متعددی ایجاد و تجهیز گردند.

بر این اساس از جمله اقدامات ارزنده سازمان امور عشایر کشور ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، طبیعی و ... اسکان در ۶۰ کانون نمونه بوده است. برای دستیابی به این آثار و نتایج حدود ۱۰۰۰ پرسشنامه خانوار، ۶۰ پرسشنامه کانون و ۶۰ پرسشنامه کارشناسی تهیه و تکمیل گردید که نتایج اجمالی آن در این مقاله ارائه شده است.

### مبانی نظری

بررسی نظریه‌های مرتبط با اسکان عشایر و اینکه در هر دوره چه تفکری بوده که منجر به شکل‌گیری بحث اسکان شده است یکی از مهمترین گامها در راه شناسایی روند اسکان عشایر و شکل‌گیری کانون‌های عشایری می‌باشد.

در این زمینه دیدگاه‌های نظری مختلفی بر ساماندهی و اسکان عشایر تاثیر گذار بوده است که مهمترین آنها عبارتند از نوسازی، دیدگاه‌های مرتبط با شهرنشینی و مهاجرت، دیدگاه‌های مرتبط با تغییرات اجتماعی، عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و ... که مهمترین مشخصه‌های این دیدگاهها و انطباق زمانی آنها با وضعیت جامعه عشایری به شرح جدول ادامه است.

جدول ۱- دیدگاه‌های مرتبط و تاثیر گذار بر اسکان عشایر در ایران

دیدگاه اسکان	متأثر از الگوی توسعه	دلایل اسکان	انطباق زمانی
دیدگاه نوسازی و مدرنیته	نوسازی	- جامعه عشایری مانع شکل‌گیری جامعه مدرن است. - اسکان عشایر برای دستیابی به توسعه و بهره‌مندی از خدمات. - شهرنشینی عامل توسعه یافتگی	دوره پهلوی اول تا برنامه‌های توسعه اول و دوم بعد از انقلاب اسلامی
شهرنشینی		دهه ۱۳۴۰ به بعد	
یکجانشینی	تقریباً تمامی نظریه‌ها	جوامع متحرک از جمله عشایر، امکان کمتری در دسترسی به خدمات مختلف اجتماعی دارند و تداوم این روند منجر به عقب ماندگی و فاصله گرفتن سطح زندگی با جوامع یکجانشین خواهد شد.	از زمان پهلوی اول تا کنون

از دوره پهلوی تا برنامه دوم	برای توسعه و دستیابی به رشد اقتصادی	کلاسیک (تقلیل‌گرا)	تغییرات اجتماعی
برنامه سوم بعد از انقلاب تا کنون	ارتقاء سطح توسعه در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی	معاصر (تلفیق‌گرا)	
دوران پهلوی تا کنون	جاذبه‌های شهری دلیل مهاجرت و اسکان عشایر شد.	نوسازی	مهاجرت
	عقب ماندن جوامع عشایری از جرگه توسعه باعث مهاجرت و یکجانشین شدن است	وابستگی/رکودی	
	هم جاذبه‌های شهری و هم عقب‌ماندگی دلایل مهاجرت و اسکان عشایر است.	سیستمی	
- دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	اسکان عشایر برای بهره‌مندی از امکانات و خدمات	تأمین نیازهای اساسی	عدالت اجتماعی
- برنامه‌های سوم و چهارم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	اسکان عشایر برای ارتقا سطح زندگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی	توسعه پایدار	توسعه پایدار

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد از برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب دیدگاه توسعه پایدار، دیدگاه مورد توجه در تنظیم برنامه‌های توسعه عشایر و به ویژه ساماندهی شده است.

با توجه به همه جانبه بودن راهبرد توسعه پایدار در برخورد با جامعه عشایری، نظر سنجی از خانوارهای اسکان یافته نیز در ابعاد مختلف توسعه پایدار صورت گرفته است که برخی از مهمترین یافته‌های آن به شرح زیر است:

## بررسی و سنجش اثرات و پیامدهای اسکان عشایر

### اثرات اجتماعی:

همانگونه که اشاره شد مجموع کانون‌های توسعه نمونه ۶۰ کانون می‌باشد که ۴۵ کانون آن هدایتی و ۱۵ کانون خودجوش می‌باشد. کل جمعیت کانون‌های مورد مطالعه بالغ بر ۳۵۸۷۳ نفر و مجموع خانوارها ۷۱۱۳ خانوار است. از مجموع این افراد ۲۸۰۷۸ نفر در کانون‌های هدایتی (۵۴۶۳ خانوار) و ۷۷۹۵ نفر در کانون‌های خودجوش (۱۶۵۰ خانوار) اسکان یافته‌اند. از نظر طبقات جمعیتی، بیش از ۹۰ درصد کانون‌های توسعه کمتر از ۲۰۰ خانوار بوده‌اند. متوسط جمعیت کانون‌های توسعه نیز بالغ بر ۱۲۰ خانوار می‌باشد.

### جدول ۲- طبقات جمعیتی کانون‌های مورد مطالعه

شرح	۲۴۹ تا ۵۰ نفر (کمتر از ۵۰ خانوار)	۲۵۰ تا ۴۹۹ نفر (۵۰ تا ۹۹ خانوار)	۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر (۱۰۰ تا ۱۹۹ خانوار)	۱۰۰۰ تا ۱۹۹۹ نفر (۲۰۰ تا ۳۹۹ خانوار)	۲۰۰۰ نفر و بیشتر (۴۰۰ خانوار و بیشتر)
تعداد کانون	۱۷	۱۵	۲۲	۵	۱
درصد	۲۸,۳۳	۲۵	۳۶,۶۷	۸,۳۳	۱,۶۷

### بعد خانوار:

تا قبل از اسکان، بزرگ بودن ابعاد خانوار و گسترده بودن آن امری طبیعی بوده است. اما اتفاقی که بعد از اسکان افتاده است باعث هسته‌ای شدن خانوارها با گذشت زمان از یک سو و کوچک شدن ابعاد خانوار از سوی دیگر شده است. هسته‌ای شدن خانوارها به دنبال ازدواج فرزندان و جدا شدن از خانواده و ساکن شدن در مسکنی غیر از مسکن والدین و کوچک شدن ابعاد خانوار به دنبال آموزش‌های بیشتر و کنترل بیشتر جمعیت اتفاق افتاده است. بر اساس برداشت‌های صورت گرفته

بعد خانوار عشایر اسکان یافته ۵ نفر می‌باشد. در این زمینه باید خاطر نشان کرد کوچک شدن ابعاد خانوار نه تنها در بین عشایر کشور، بلکه در جامعه روستایی و شهری کشور نیز اتفاق افتاده است آنچنان که در سرشماری سال ۱۳۷۵ بعد خانوار نقاط روستایی کشور ۵,۲۲ نفر بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۴,۳۶ نفر رسیده است. بعد خانوار نقاط شهری نیز از ۴,۶۳ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳,۸۹ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. با توجه به این مبحث، با گذشت زمان و آموزش‌های بیشتر از یک سو و رسوخ گسترده تر زندگی ماشینی ابعاد خانوار نیز کوچکتر شده است.

بررسی وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش نیز از نظر بعد خانوار نشان دهنده بالاتر بودن بعد خانوار در کانون‌های هدایتی است. (۱,۵ در کانون‌های هدایتی و ۴,۷ در کانون‌های خودجوش)

### نسبت سنی و جنسی

بر اساس مطالعات صورت گرفته در ارتباط با کانون‌های توسعه مورد مطالعه، نسبت جنسی برابر با ۱۰۳,۸ بوده است که این نسبت در مقایسه با جوامع کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ کمتر شده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۷ عشایر کوچنده کشور نسبت جنسی برابر با ۱۰۵,۵ بوده است.

مقایسه وضعیت کانون‌های توسعه با جامعه روستایی و شهری کشور نشان دهنده بالاتر بودن نسبت جنسی در کانون‌های توسعه نسبت به این مراکز است و در واقع نسبت جنسی در کانون‌های توسعه حالت بینابین عشایر کوچنده و جامعه شهری و روستایی می‌باشد.

بررسی وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده بالاتر بودن نسبت جنسی در کانون‌های هدایتی است. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده نسبت جنسی در کانون‌های هدایتی بالغ بر ۱۰۵,۹ و در کانون‌های خودجوش بالغ بر ۱۰۲,۸ می‌باشد و این امر نشان دهنده ماندگاری بیشتر مردان در کانون‌های توسعه هدایتی می‌باشد.



از نظر ترکیب سنی ۲۸ درصد جمعیت کانون‌های توسعه ۱۴ ساله و کمتر، ۶۴ درصد بین ۱۵ تا ۶۴ سال و ۸ درصد ۶۵ ساله و بیشتر بوده است. این نسبت‌ها در کانون‌های هدایتی به ترتیب ۲۹ درصد ۱۴ سال و کمتر، ۶۴ درصد ۱۵ تا ۶۴ سال و ۷ درصد ۶۵ ساله و بیشتر و در کانون‌های خودجوش ۲۷ درصد ۱۴ ساله و کمتر، ۶۶٫۸ درصد ۱۵ تا ۶۴ سال و ۶٫۲ درصد ۶۵ ساله و بیشتر بوده است. مقایسه کانون‌های توسعه با عشایر کوچنده کشور نشان دهنده کاهش افراد زیر ۱۴ سال و برابر شدن این سهم با جامعه روستایی کشور می‌باشد و این امر نشان دهنده کنترل زاد و ولد در جامعه اسکان یافته نسبت به جامعه عشایر کوچنده است. وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش هم نشان دهنده بالاتر بودن سهم افراد ۱۴ سال و کمتر در کانون‌های هدایتی است.

**جدول ۳- مقایسه نسبت سنی کانون‌های توسعه با عشایر کوچنده کشور،**

#### جوامع شهری و روستایی

شرح	زیر ۱۴ سال	۱۴ تا ۶۴ ساله	۶۵ ساله و بیشتر
جامعه شهری	۲۳٫۸	۷۱٫۵	۴٫۸
جامعه روستایی	۲۸	۶۷٫۲۵	۴٫۷۵
عشایر کوچنده	۳۱	۶۴	۵
کانون‌های توسعه	۲۸	۶۴	۸

#### سواد:

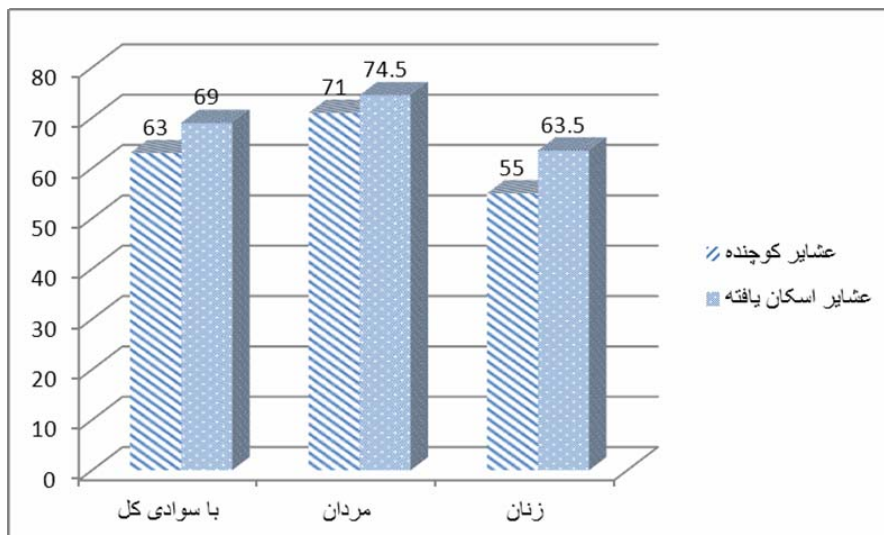
از جمله شاخص‌های مورد توجه در زندگی عشایر، میزان باسوادی است. ماهیت زندگی کوچ نشینی باعث پایین آمدن میزان دسترسی به خدمات آموزشی و در نتیجه پایین آمدن میزان باسوادی در بین عشایر در مقایسه با جوامع یکجانشین می‌شود.

حال نکته قابل تامل اینجاست که اسکان عشایر تا چه میزان توانسته شکاف بین میزان با سوادى بین عشایر و جوامع یکجانشین را کم کند و عملکرد اسکان در این زمینه چیست.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از مجموع خانوارهای اسکان یافته در کانون‌های توسعه ۶۹ درصد با سواد بوده اند که این نسبت برای مردان ۷۴٫۵ درصد و برای زنان ۶۳٫۵ درصد بوده است.

مقایسه شاخص با سوادى عشایر اسکان یافته با عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ نشان دهنده رشد میزان با سوادى بعد از اسکان عشایر است. نرخ با سوادى در بین عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۶۳ درصد بوده که این نسبت برای مردان ۷۱ درصد و برای زنان ۵۵ درصد بوده است و این ارقام نشان دهنده افزایش قابل توجه با سوادى عشایر اسکان یافته می‌باشد و در این زمینه میزان با سوادى زنان در مقایسه با جوامع کوچنده قابل توجه است و مجموع این ارقام عملکرد مناسب اسکان عشایر و دولت را به خوبی نشان می‌دهد.

نمودار ۱- مقایسه میزان با سوادى عشایر اسکان یافته با عشایر کوچنده کشور



در این زمینه باید خاطر نشان کرد هر چند میزان با سواد عشایر اسکان یافته نسبت به کوچندگان بهتر شده است اما همچنان با جامعه یکجانشین کشور اختلاف دارد و نیازمند برنامه ریزی برای از بین بردن شکاف موجود.

مقایسه وضعیت کانون‌های توسعه هدایتی و خودجوش نشان دهنده شرایط بهتر میزان با سواد در کانون‌های خودجوش است. بر اساس برداشت‌های انجام شده میزان با سواد کل در کانون‌های خودجوش ۷۱ درصد بوده است که این نسبت برای مردان ۶۶ درصد و برای مردان ۷۵ درصد بوده است. در کانون‌های هدایتی نیز میزان با سواد کل برابر با ۶۷ درصد بوده که میزان با سواد زنان ۶۴ درصد و میزان با سواد مردان ۷۰ درصد است.

علاوه بر موارد فوق، وضعیت بهداشت و درمان، مشارکت‌ها، جایگاه زنان و ... در وضعیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است که جدول ادامه جهت مثبت و یامنفی شاخص‌ها را در دوره‌های قبل و بعد از اسکان و در کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان می‌دهد. همانگونه که جدول ادامه نشان می‌دهد یافته‌ها حاکی از تاثیرات مناسب و مثبت اسکان در زندگی اجتماعی خانوارها می‌باشد. افزایش میزان با سواد، کاهش مرگ و میر کودکان، کاهش مشقات کار زنان، پر رنگ شدن نقش‌های اجتماعی از جمله تاثیرات مستقیم و قابل توجه اسکان می‌باشد که بخش اعظم خانوارها به آن اذعان داشته‌اند.

جدول ۴- روند تاثیرات اجتماعی اسکان عشایر به تفکیک قبل و بعد از اسکان و کانون‌های

#### هدایتی و خودجوش

اثرات اجتماعی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
میزان با سواد زنان	-	+	-	+
میزان با سواد مردان	-	+	-	+

-	+	+	-	شرکت در کلاس‌های آموزشی (خیاطی، گلدوزی، صنایع دستی و...)
+	-	+	-	میزان برخورداری کانون‌های توسعه از خدمات آموزشی ابتدایی و راهنمایی
-	+	+	-	میزان رضایت از کیفیت خدمات آموزشی
-	+	+	-	تمایل زنان به فراگیری سواد و آموزش
-	+	+	-	دسترسی به خدمات بهداشتی
-	+	+	-	رضایت از خدمات بهداشتی
-	+	+	-	رضایت از خدمات درمانی
-	+	+	-	مرگ و میر کودکان
+	-	+	-	مرگ زنان هنگام زایمان
-	+	+	-	وضعیت بهداشتی خانواده
+	-	+	-	اختصاص وقت برای مسافرت
+	-	+	-	اختصاص وقت برای تفریح و سرگرمی
-	+	-	+	میزان مشارکت مالی در حل مسائل
-	+	-	+	قبول ضمانت مالی یکدیگر
+	-	+	-	میزان مشارکت فکری در حل مسائل
-	+	-	+	میزان مشارکت مردم در مراسم مختلف

+	-	+	-	استقلال مالی زنان
-	+	+	-	قدرت زنان در خانه
-	+	+	-	مشقت و سختی زندگی زنان
+	-	+	-	مشارکت سیاسی زنان
-	+	+	-	احساس خوشبختی در زنان
-	+	+	-	اشتغال کودکان
-	+	+	-	سهام زنان در تصمیم گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده
+	-	+	-	گرایش و تمایل زنان به کارهای درآمدزا
+	-	+	-	مشارکت زنان در امور عمرانی

### تأثیرات اقتصادی

#### شاغلین بخش‌های مختلف اقتصادی

بر اساس یافته‌های تحقیق، قبل از اسکان ۸۷ درصد اشتغال خانوارهای عشایری در زیر بخش دامداری، ۷ درصد زراعت و باغداری، ۴ درصد صنایع دستی و در نهایت ۲ درصد هم خدمات بوده است.

بررسی وضعیت بعد از اسکان نشان می‌دهد سهم زراعت و باغداری افزایش یافته و سهم قابل توجهی در اشتغال خانوارهای اسکان یافته قرار گرفته است و سهم آن به ۴۱،۱ درصد رسیده است و بر عکس سهم دامداری به ۴۳ درصد کاهش یافته است. سهم اشتغال عشایر از صنایع دستی هم به ۲ درصد کاهش یافته است. ۱۳،۹ درصد اشتغال ساکنان نیز از طریق مشاغل خدماتی تامین می‌شود.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان می‌دهد در کانون‌های هدایتی سهم اشتغال در زیر بخش زراعت و باغداری ۴۰,۸ درصد، در زیربخش دامداری ۴۰,۳ درصد در بخش صنایع دستی ۲,۵ درصد و در بخش خدمات ۱۲,۴ درصد است اما در کانون‌های خودجوش سهم دامداری ۵۶,۶ درصد، سهم زراعت و باغداری ۲۵,۶ درصد، سهم صنایع دستی ۱,۵ درصد و سهم بخش خدمات ۱۵,۳ درصد می‌باشد.

با توجه به اهمیت دامداری، زراعت، باغداری و ... در منابع درآمد و اشتغال خانوارهای عشایر در ادامه مهمترین ویژگی‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

### دامداری

بررسی‌ها نشان دهنده تغییر شیوه زندگی اقتصادی عشایر از دامداری در دوره قبل از اسکان به زراعت در بعد از اسکان است و این نتیجه ای است که آمارها به خوبی آن را نشان می‌دهد.

بررسی سرانه دام سبک نشان می‌دهد قبل از اسکان هر خانوار به طور متوسط ۸۷ راس گوسفند و بره و ۶۳ راس بز و بزغاله داشته است و بعد از اسکان این روند از کاهش شدیدی برخوردار بوده به گونه ای که تعداد دام گوسفند و بره خانوارها به ۴۵ و تعداد بز و بزغاله به ۲۶,۵ راس رسیده است و این موضوع به معنی فاصله گرفتن از محور اقتصادی گذشته عشایر که مبتنی بر نگهداری دام سبک بوده است.

نکته قابل توجه دیگر در این زمینه افزایش سرانه دام گاو و گوساله خانوارها می‌باشد. بر اساس آمارهای استخراج شده سرانه دام خانوارها قبل از اسکان برابر ۰,۱ راس بوده است که بعد از اسکان این سرانه به ۰,۹ راس رسیده است.

شایان ذکر است بر اساس سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، سرانه گوسفند و بره هر خانوار کوچنده ۶۳,۹ راس و سرانه بز و بزغاله ۳۹,۳ راس بوده است. و مقایسه این ارقام با عشایر اسکان یافته نیز نشان دهنده کاهش سرانه‌های دام بعد از اسکان است.

در زمینه احشام باربر روند کاهنده ای بعد از اسکان شاهد هستیم. در این زمینه گسترش وسایل حمل و نقل موتوری از یک سو و یکجانشینی عشایر و عدم کوچ آنها تاثیرگذار بوده است.

بررسی سرانه‌های دام در کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده بالاتر بودن سرانه گوسفند و بره و دام سنگین در کانون‌های خودجوش و در واقع محوریت بیشتر دامداری در این کانون‌ها است. در واقع واگذاری اراضی زراعی و باغی بیشتر در کانون‌های هدایتی تاثیر مستقیمی در این زمینه داشته است.

### زراعت

بررسی وضعیت سرانه‌های اراضی زراعی عشایر کوچنده کشور در آخرین سرشماری سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد هر خانوار به طور متوسط ۲ هکتار اراضی داشته است که بیش از ۷۰ درصد این اراضی دیم بوده است.

بررسی وضعیت اراضی خانوارهای پاسخگو نیز نشان می‌دهد هر خانوار قبل از اسکان حدود ۱,۱ هکتار اراضی زراعی داشته است که ۰,۷۶ هکتار آن دیم ۰,۳۴ هکتار آبی بوده است. بعد از اسکان نیز سرانه اراضی آبی به ۳,۱ هکتار، سرانه اراضی دیم به ۱,۲ هکتار و سرانه اراضی آیش به ۰,۵۳ هکتار رسیده است. با توجه به این ارقام اسکان باعث افزایش سرانه اراضی و به ویژه اراضی زراعی آبی شده است که همین امر محور درآمد عشایر را تحت تاثیر قرار داده و زیر بخش زراعت نقش پر رنگی در زندگی عشایر اسکان یافته پیدا کرده است.

مقایسه وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده شرایط مناسب تر کانون‌های هدایتی از نظر سرانه اراضی می‌باشد.

بر اساس برداشت‌های میدانی سرانه کل اراضی کانون‌های هدایتی بالغ بر ۵,۴ هکتار است که سرانه اراضی آبی ۳,۵ هکتار و سرانه اراضی دیم ۱,۲ هکتار و سرانه اراضی آیش ۰,۷ هکتار است و این در حالی است که در کانون‌های خودجوش سرانه کل اراضی ۳

هکتار که سرانه اراضی آبی ۱,۹ هکتار، سرانه اراضی دیم ۱ هکتار و سرانه اراضی آیش ۰,۲ هکتار است.

در این زمینه واگذاری اراضی زراعی از طرف دولت به خانوارهای اسکان یافته تاثیر قابل توجهی داشته است و با توجه به این شرایط، اقتصاد خانوارهای کانون‌های هدایتی بیش از کانون‌های خودجوش به زراعت وابسته است و بر عکس با توجه در سرانه‌های دام کانون‌های توسعه، اقتصاد کانون‌های خودجوش وابستگی بیشتری به دامداری دارد. مقایسه سرانه اراضی زراعی خانوارهای اسکان یافته با جامعه روستایی کشور نیز نشان می‌دهد هر چند سرانه اراضی زراعی در جامعه روستایی کشور بالاتر است اما سرانه اراضی آبی در کانون‌های اسکان مناسب تر از جامعه روستایی کشور بوده است.

### باغداری

بررسی آمارهای سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد سرانه باغی هر خانوار عشایری بالغ بر ۰,۱۴ هکتار در قلمرو ییلاق و ۰,۱۵ هکتار در قلمرو قشلاق است و نظر سنجی انجام شده از خانوارهای نمونه هم نشان می‌دهد هر خانوار به طور متوسط ۰,۱۲ هکتار زمین قبل از اسکان داشته است و سرانه‌های باغی بعد از اسکان حاکی از افزایش سرانه اراضی بعد از اسکان است. این ارقام هر چند نسبت به دوران کوچ و عشایر کوچنده فعلی عشایر رشد یافته است، اما همچنان نقش پر رنگی در زندگی عشایر ندارد و همچنان به عنوان شغل جنبی در کنار زراعت و دامداری مطرح می‌باشد. و این در حالی است که بسیاری از کانون‌های توسعه کشور به ویژه کانون‌هایی که در مناطق ییلاقی و کوهستانی استقرار دارند ظرفیت مناسبی برای توسعه باغداری دارند و برنامه ریزی برای گسترش باغات تا حد قابل توجهی زمینه‌های افزایش درآمد خانوارها را فراهم می‌آورد.

مقایسه وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان دهنده بهتر بودن سرانه اراضی باغی در کانون‌های هدایتی است. بر اساس برداشت‌های انجام شده سرانه اراضی باغی کانون‌های هدایتی بالغ بر ۰,۵۲ هکتار و سرانه اراضی باغی کانون‌های



خودجوش بالغ بر ۰,۰۷ هکتار است. در این زمینه باید خاطر نشان کرد واگذاری اراضی باغی به خانوارها در کانون‌های هدایتی بیشترین تاثیر را داشته است.

### صنایع دستی

آمارها نشان می‌دهد در ۷۱,۷ درصد کانون‌ها صنایع دستی تولید می‌شود، اما این رقم بدان معنی نیست که تمام خانوارها به این امر مشغول باشند. نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد در بیش از ۷۰ درصد کانون‌ها صنایع دستی تولید می‌شود اما سهم خانوارهای تولید کننده این صنایع در کانون‌ها کمتر از ۲۰ درصد است و این در حالی است که پاسخگویان اذعان نموده اند قبل از اسکان بیش از ۷۰ درصد خانوارها مبادرت به تولید صنایع دستی می‌نموده اند.

این ارقام نشان می‌دهد هر چند سهم خانوارهای تولید کننده صنایع دستی به شدت کاهش یافته است، اما همچنان بخش قابل توجهی از کانون‌ها زمینه تولید صنایع دستی را دارند و خانوارها کماکان علاقمند به تولید این صنایع می‌باشند. با توجه به این ظرفیت، برنامه ریزی برای ارائه تسهیلات، آموزش‌های مناسب و به ویژه بازاریابی و فروش این محصولات با رویکرد صادرات می‌تواند افزایش درآمد و ایجاد اشتغال مولد به ویژه برای زنان را به خوبی فراهم آورد.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده مناسب تر بودن وضعیت کانون‌های هدایتی در این زمینه است. بر اساس استعلام‌های به عمل آمده و برداشت‌های میدانی از مجموع کانون‌های هدایتی در ۷۳ درصد آنها به طور محدود این صنایع تولید می‌شود و این در حالی است که در کانون‌های خودجوش این رقم به ۷۱ درصد می‌رسد.

### وضعیت خدمات

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قبل از اسکان محور اقتصاد خانوارها بر پایه دامداری بوده است و مشاغلی همچون زراعت، باغداری و صنایع دستی به صورت جنبی مطرح بوده است. در کنار این موارد بخش خدمات نیز به صورت کاملاً کم رنگ مطرح بوده

است. بعد از اسکان تغییرات بنیادینی در ساختار زندگی عشایر شکل گرفته است و در نتیجه وضعیت بخش‌های اقتصادی نیز دستخوش تغییر شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از مجموع افراد شاغل خانوارها حدود ۲ درصد قبل از اسکان به مشاغل خدماتی مشغول بوده‌اند و این رقم برای بعد از اسکان به حدود ۱۳ درصد رسیده است. احداث شهرک‌های کانون‌ها و شکل‌گیری مغازه‌های خرده‌فروشی، گسترش حمل و نقل و مشاغل رانندگی، مشاغل کارگری، در این زمینه بیشترین تاثیر را داشته است. همچنین شکل‌گیری خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و ... مشاغل کارمندی را در کانون‌های توسعه رواج بیشتری نسبت به قبل از اسکان داده است و همه این موارد باعث گسترش بخش خدمات بعد از اسکان شده است.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان دهنده شرایط نزدیک هر دو نوع کانون است هر چند به صورت محدود سهم خدمات در کانون‌های خودجوش بیشتر است و به نظر می‌رسد مهمترین دلایل این امر واگذاری اراضی زراعی و باغی به بیشتر خانوارها در کانون‌های هدایتی از یک سو و سرانه پایین تر اراضی زراعی در کانون‌های خودجوش است که مشاغل دیگر را در این کانون‌ها دامن زده است. همچنین در این زمینه باید خاطر نشان کرد با توجه به اینکه برخی از کانون‌های خودجوش آبادی‌های بزرگی هستند که به خدمات مختلف تجهیز شده‌اند، وضعیت خدمات آنها مناسب تر ارزیابی شده است.

علاوه بر موارد فوق در زمینه اقتصادی شاخص‌های متعدد دیگری همچون بهره‌وری، مکانیزاسیون، عرضه محصولات به بازار و ... مورد توجه قرار گرفته است که جدول ادامه جهت مثبت و یامنفی شاخص‌ها قبل و بعد از اسکان و در کانون‌های هدایتی و خودجوش را نشان می‌دهد.

## جدول ۵- شاخص‌های مختلف اقتصادی مورد بررسی به تفکیک قبل و بعد از اسکان

## و کانون‌های هدایتی و خودجوش

اثرات اقتصادی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
شیوه مبادله محصولات باغی	-	+	+	-
استفاده از آبیاری تحت فشار در باغات	-	+	+	-
مصرف سموم و دفع آفات	-	+	+	-
تولید صنایع دستی	+	-	+	-
برگزاری دوره‌های آموزش و ترویج صنایع دستی	-	+	+	-
هدف از تولید صنایع دستی	-	+	+	-
سهم بخش خدمات	-	+	-	+
اشتغال و بیکاری	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های خوراک	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های پوشاک	+	-	-	+
رضایت از هزینه‌های مسافرت	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های تحصیل	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های درمان	+	-	*	*
رضایت از هزینه‌های دخانی	+	-	-	+
رضایت از هزینه‌های بهداشت	+	-	+	-

-	+	-	+	رضایت از هزینه‌های تفریح
+	-	-	+	رضایت از هزینه‌های رفت و آمد
-	+	-	+	رضایت از هزینه‌های آب
+	-	-	+	رضایت از هزینه‌های برق
-	+	-	+	رضایت از هزینه‌های سوخت
-	+	+	-	آبیاری تحت فشار زراعی
-	+	+	-	آبیاری قطره ای
+	-	-	+	رضایتمندی از درآمد دامداری
-	+	+	-	رضایتمندی از درآمد زراعی
-	+	-	+	رضایتمندی از درآمد صنایع دستی
-	+	+	-	رضایتمندی از درآمد باغداری
+	-	+	-	رضایتمندی از سایر منابع درآمد

### وضعیت خدمات زیربنایی و تاسیسات و تجهیزات

برای روشن شدن وضعیت کالبدی و فیزیکی اسکان شاخص‌های مختلفی از جمله دسترسی به راه، برخورداری از برق، آب لوله کشی، وضعیت ارتباطات و حمل و نقل، برخورداری از کاربری‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، وضعیت مسکن و... مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان می‌دهد اسکان اثرات قابل توجه و مناسبی در زمینه برخورداری کانون‌ها از خدمات زیر بنایی به ویژه راه، برق، آب شرب، خدمات حمل و نقل و مسکن داشته است.

در ارتباط با وضعیت مسکن مواردی همچون کیفیت بنا، عمر بنا، استفاده از تسهیلات، تکمیل یا نیمه کاره بودن بنا، زیربنا و ... مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت رضایتمندی از کیفیت مسکن مورد توجه قرار گرفت که نتایج نشان دهنده اثرات مثبت اسکان در این زمینه بوده است. اما نکته قابل توجه در این زمینه تکمیل نبودن برخی از واحدهای مسکونی است که باعث پایین آمدن انگیزه‌های اسکان می‌شود. با توجه به این مبحث برنامه ریزی برای تکمیل واحدهای مسکونی به ویژه از طریق دادن تسهیلات مناسب می‌تواند منجر به ثبات بیشتر اسکان گردد.

از جمله ضعف‌های کالبدی و فیزیکی ضعف شدید خدمات ورزشی، فرهنگی و مراکز گذران اوقات فراغت در کانون‌های توسعه است. همچنین عدم دفع بهداشتی زباله و فاضلاب معضل بزرگ بیشتر کانون‌های توسعه می‌باشد. بر نامه ریزی در این زمینه می‌تواند منجر به افزایش کیفیت زندگی در کانون‌های توسعه گردد.

جدول ادامه جهت مثبت و یا منفی شاخص‌های کالبدی و زیر بنایی را به تفکیک قبل و بعد از اسکان و کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان می‌دهد.

جدول ۶- شاخص‌های مختلف کالبدی و زیر بنایی مورد بررسی به تفکیک قبل و بعد از

#### اسکان و کانون‌های هدایتی و خودجوش

اثرات کالبدی و فیزیکی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
وجود آشپزخانه در مسکن	*	*	+	-
وجود حمام در مسکن	*	*	+	-
وجود اتاق خواب در مسکن	*	*	+	-
وجود دستشویی بهداشتی در مسکن	*	*	+	-
وجود برق در مسکن	*	*	-	+

+	-	*	*	وجود آب لوله کشی در مسکن
+	-	*	*	وجود تلفن در مسکن
-	+	*	*	وجود گاز لوله کشی در مسکن
-	+	*	*	تسهیلات ساخت مسکونی
+	-	*	*	تکمیل بودن ساختمان مسکونی
+	-	*	*	مساحت زیربنای مسکن
-	+	*	*	میزان رضایت از نقشه مسکونی ارائه شده از طرف دولت
-	+	+	-	رضایت از کیفیت مسکن
+	-	+	-	رضایت از دسترسی به وسایل حمل و نقل
+	-	+	-	رضایت از خدمات و امکانات زیر بنایی (راه دسترسی)
+	-	+	-	رضایت از خدمات و امکانات زیربنایی (برق)
+	-	+	-	رضایت از خدمات و امکانات زیربنایی (آب شرب)
-	+	+	-	رضایت از خدمات و امکانات مذهبی
-	+	+	-	رضایت از خدمات و امکانات ورزشی، هنری و فرهنگی
-	+	*	*	رضایت از مکان کانون
-	+	+	-	رضایتمندی از امکانات پستی
-	+	+	-	رضایتمندی از امکانات مخابرات
-	+	*	*	رضایتمندی از کیفیت معابر
+	-	+	-	رضایتمندی از حمل و نقل عمومی

### تأثیرات محیطی:

برای شناخت تأثیرات محیطی عشایر قبل و بعد از اسکان شاخص‌های مختلفی از جمله از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، استفاده از سوخت فسیلی، بیماری‌های ناشی از آبهای آلوده، دفع زباله، فاضلاب و فضولات دامی، تغییر کاربری اراضی و ... مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان می‌دهد اسکان عشایر در برخی از موارد نتایج مناسبی داشته و در برخی موارد نیز نتایج بدتر شده است. از جمله پیامدهای مثبت طبیعی اسکان عشایر می‌توان به جلوگیری از بوته‌کنی و شکستن درختان برای سوخت اشاره کرد که عمدتاً به خاطر دسترسی مناسب به سوخته‌های فسیلی است و کاهش بیماری‌های ناشی از آبهای آلوده اشاره کرد. پیامدهای منفی اسکان نیز شامل چرای مفرط مراتع کانون، کاهش سطح آبهای زیر زمینی و ... می‌باشد.

البته در زمینه تأثیرات محیطی نباید مواردی که خارج از حوزه اختیار عشایر است را فراموش کرد. از جمله این موارد خشکسالی‌های اخیر است که باعث منفی شدن شاخص‌های مختلف محیطی از جمله تخریب پوشش گیاهی، تخریب بافت خاک، کاهش سطح آبهای زیر زمینی و ... بعد از اسکان گردد.

همچنین فروپاشی نظام ایلی و به هم خوردن تقویم تنظیم کوچ، گسترش وسایل حمل و نقل موتوری و ... نیز از جمله مواردی است که در صورت اسکان نیافتن عشایر هم تأثیرات منفی خود را به جا می‌گذاشتند.

با توجه به مجموع این شاخص‌ها، جداول ادامه وضعیت قبل و بعد از اسکان و وضعیت کانون‌های خودجوش و هدایتی را در ارتباط با وضعیت زیست محیطی و طبیعی به خوبی نشان می‌دهد.

## جدول ۷- شاخص‌های مختلف محیطی مورد بررسی به تفکیک قبل و بعد از اسکان و

## کانون‌های هدایتی و خودجوش

اثرات محیطی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
از بین رفتن گونه‌های گیاهی	+	-	+	-
از بین رفتن گونه‌های جانوری	+	-	-	+
استفاده از سوخت (نفت و گازوئیل)	-	+	+	-
شکستن درختان و خشک کردن برای سوخت	-	+	+	-
وجود و گسترش بیماری‌های خاص که ناشی از آب آشامیدنی	-	+	-	+
همکاری مردم برای دفع زباله ها	*	*	+	-
رها کردن فضولات حیوانی در کوچه‌ها و معابر کانون	*	*	+	-
رها شدن فاضلاب‌های سبک خانگی در معابر کانون	*	*	+	-
اسراف آب آشامیدنی	+	-	+	-
اسراف آب کشاورزی	+	-	-	+
کاهش سطح آب‌های زیرزمینی	+	-	-	+
چرای بیش از حد مراتع	+	-	+	-
مدیریت مناسب چرا	+	-	+	-
تغییرات ایجاد شده در مورفولوژی و کاربری اراضی	*	*	+	-
بررسی اثرات اجرای طرح اسکان در منطقه	*	*	+	-



### بررسی وضعیت اسکان و کوچ

از مهمترین موارد مرتبط با اسکان عشایر، شیوه زندگی قبل از اسکان، نحوه اسکان، انگیزه خانوارها از اسکان و... می باشد که در این زمینه نتایج زیر مورد توجه است.

از جمله اهداف سیاست اسکان عشایر، اسکان خانوارهایی بوده است که کاملاً کوچنده بوده اند. بررسی آمارها نشان می دهد ۶۱,۴ درصد خانوارها قبلاً کوچنده مطلق بوده اند، ۱۳,۴ از پاسخ گویان درهمین محل (آبادی) زندگی می کردند و تمام اعضای خانوار و دام همیشه اینجا ساکن بوده اند، حدود ۲۱,۳ درصد اذعان داشته اند فقط دام های خود را جابجا می کرده اند و در واقع رمه گردان بوده اند، ۳,۹ درصد نیز سایر گزینه ها را انتخاب کرده اند .

این ارقام نشان دهنده عملکرد مثبت سازمان امور عشایر کشور در اسکان عشایر کاملاً کوچنده بوده و در زمینه شناسایی خانوارهای واجد شرایط اسکان مناسب عمل کرده است.

بررسی وضعیت کانون های خودجوش و هدایتی نشان دهنده شرایط مناسب تر کانون های هدایتی در اسکان خانوارهای واجد شرایط اسکان است. بر اساس پاسخ ها، از مجموع خانوارهای کانون های هدایتی ۷۱,۶ درصد کوچنده مطلق و ۲۲,۱ درصد رمه گردان بوده اند و این در حالی است که در کانون های خودجوش این ارقام ۴۶,۹ درصد کوچنده مطلق و ۱۹,۸ درصد رمه گردان بوده است.

### اولویت بندی انگیزه های اسکان

بررسی مهمترین انگیزه های تاثیر گذار در پذیرش اسکان از سوی عشایر بیانگر آن است که مجموعه ای از عوامل دست به دست هم داده اند تا عشایر اسکان را بپذیرند. اما برخی از عوامل تاثیر گذارتر بوده اند بطوریکه محاسبه میانگین های مرتبط با عوامل ایجاد کننده انگیزه بیانگر آن است که رهایی از مشقات کوچ با ۳,۳ در رتبه ۱ قرار دارد و در رتبه های بعدی واگذاری اراضی زراعی آبی با میانگین ۳,۱، دسترسی به امکانات

رفاهی بهتر ۲,۸ و احداث کانون در عرصه مرتع عرفی عشایر ۲,۴ قرار دارد. و در پایینترین میزان اسکان بستگان و دیگران قرار دارد.

مقایسه وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان می‌دهد در کانون‌های هدایتی واگذاری اراضی زراعی و آبی، رهایی از مشقات کوچ، دسترسی به امکانات رفاهی بهتر و ایجاد کانون در محدوده اراضی عرفی عشایر مهمترین انگیزه‌های اسکان بوده اند، اما در کانون‌های خودجوش رهایی از مشقات کوچ و دسترسی به امکانات رفاهی مهمترین انگیزه‌های اسکان بوده است.

### شرایط فعلی زندگی عشایر اسکان یافته

بررسی این موضوع که عشایر اسکان یافته هنوز کوچ می‌کنند یا کاملاً اسکان یافته‌اند، نشان می‌دهد اسکان از شرایط نسبتاً پایداری برخوردار است و بیش از ۷۵ درصد خانوارهایی که اسکان یافته اند کوچ نمی‌کنند.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان دهنده شرایط مناسب تر کانون‌های خود جوش است و مهمترین دلیل این امر کوتاه بودن مدت زمانی که از اسکان خانوارهای کانون‌های هدایتی می‌گذرد و بعضاً عدم واگذاری قطعی اراضی زراعی است و برنامه ریزی در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

بر اساس برداشت‌های انجام شده در کانون‌های هدایتی ۶۹ درصد خانوارها به اسکان دائم رسیده‌اند و این در حالی است که در کانون‌های خودجوش این رقم به ۸۱ درصد می‌رسد.

البته باید در این زمینه خاطر نشان کرد با توجه به خشکسالی‌های اخیر بسیاری از خانوارها از وضعیت موجود اظهار نگرانی کرده اند و به نظر می‌رسد اگر در این زمینه برنامه ای وجود نداشته باشد پایداری اسکان با خطر مواجه شود و برخی خانوارها به سمت کوچ و یا مهاجرت به سایر مراکز روی آورند.

لازم به ذکر است از خانوارهایی که به طور کامل ساکن نشده و هنوز هم کوچ می‌کنند، دلایلی همچون تکمیل نشدن ساختمان مسکونی، ناکافی بودن آب و زمین

زرعی، استفاده از مراتع قطب مخالف اسکان و ... را به عنوان مهمترین دلایل کوچ خود عنوان کرده اند.

### وضعیت نهادی و مدیریتی

از مجموع کانون‌های توسعه ۵۵ درصد توسط شورای اسلامی، ۲۸ درصد دارای شورا و دهیار، ۱۳ درصد توسط ریش سفیدان و ۴ درصد توسط نمایندگان عشایر مدیریت می‌شود.

در کانون‌های هدایتی این سهم به ۴۶ درصد دارای شورا، ۲۲ درصد دارای شورا و دهیار و در کانون‌های خودجوش ۶۳ درصد دارای شورا، ۳۲ درصد دارای شورا و دهیار تغییر یافته است.

با توجه به مجموع موارد مرتبط با رضایتمندی از عملکرد مدیران محلی، رضایتمندی از عملکرد دولت و ... می‌توان چنین استنباط نمود که رضایتمندی خانوارها از مدیریت کانون‌های توسعه از شرایط مناسبی برخوردار است و به ویژه برنامه ریزی و پیگیری برای انتخاب شورا و دهیار برای تمامی کانون‌های توسعه تا حد قابل توجهی می‌تواند منجر به پیگیری امور کانون‌ها در این سکونت گاهها شود.

نکته قابل توجه در این زمینه بالارفتن میزان رضایت مردم از سازمان امور عشایر کشور است که میانگین رضایت قبل از اسکان ۲,۲ بوده است و بعد از اسکان به ۳,۳ رسیده است و این میزان رضایتمندی عملکرد مناسب سازمان امور عشایر را در کانون‌های عشایری کشور نشان می‌دهد.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه حاکی از بالاتر بودن سطح رضایتمندی در این کانون‌ها در مقایسه با کانون‌های خودجوش است (میانگین کانون‌های هدایتی ۳,۷ و میانگین کانون‌های خودجوش ۲,۹) و برنامه ریزی گسترده تر دولت در این کانون‌ها در زمینه‌های اقتصادی، کالبدی، زیربنایی و ... تاثیر مستقیمی بر افزایش میزان رضایت آنها داشته است.

### جمع بندی و ارائه پیشنهادات

با توجه به ابعاد توسعه پایدار، کانون‌های توسعه مورد مطالعه نیز در ابعاد محیطی، اقتصادی، اجتماعی و... مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در هر کدام از این ابعاد شاخص‌های مختلفی مشخص و وضعیت تک تک آنها به تفصیل مشخص و نتایج آن در فصول مختلف مشخص شد.

در مجموع می‌توان با توجه به مجموع مطالعات انجام شده اسکان تاثیرات قابل توجه و مناسبی در بسیاری از شاخص‌های توسعه داشته است.

در بعد طبیعی و محیطی آنچه بیش از همه اسکان عشایر را تحت تاثیر قرار داده است، خشکسالی و تاثیر مخرب آن بر پوشش گیاهی، حیات جانوری، کیفیت خاک، منابع آب و ... بوده است که اقتصاد کانون‌های مورد مطالعه را با تهدید جدی روبرو کرده است.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ کانون‌های توسعه با محیط پیرامون و با توجه به محوریت کشاورزی در اقتصاد خانوارها، برنامه ریزی در این زمینه اهمیت بسیار زیادی در پایداری و موفقیت اسکان خواهد داشت.

در بعد اقتصادی تغییر معیشت خانوارها از دامداری به سمت زراعت شاخص ترین تغییر بعد از اسکان است و نقش دامداری بعد از اسکان در حال کم رنگ شدن می‌باشد. هر چند هنوز بخش قابل توجهی از درآمد خانوارها از دامداری بدست می‌آید اما پیش بینی می‌شود با گذشت زمان زراعت نقش کاملاً جایگزین دامداری را داشته باشد.

در این فرآیند، و تغییر شیوه معیشت آموزش و ترویج فنون جدید اقتصادی نقش مهمی در بالا بردن درآمد خانوارها دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هر چند در بسیاری از کانون‌های توسعه این دوره‌ها برگزار شده است. اما برگزاری این دوره‌ها محدود و در دوره‌های زمانی کوتاه بوده و به ویژه میزان مشارکت خانوارها در این دوره‌ها چندان چشمگیر نبوده است. بنابراین برنامه ریزی در این زمینه و داشتن یک برنامه منظم می‌تواند تا حد قابل توجهی خانوارهای اسکان یافته را با شیوه‌های جدید زندگی آشنا کند.

در بعد اجتماعی، اسکان تاثیرات قابل توجه و مثبتی داشته است. افزایش میزان باسوادگی، کاهش مرگ و میر کودکان، کاهش ابعاد خانوار، دسترسی به خدمات اجتماعی، افزایش پوشش‌های بیمه و... نتایج قابل توجه اسکان است و عملکرد دولت در این زمینه کاملاً مناسب ارزیابی می‌شود.

پایین بودن نزاع‌ها و اختلافات اجتماعی در کانون‌ها، اختلاف پایین خانوارها بر سر واگذاری اراضی و تقسیم منابع آب حاکی از عملکرد کاملاً مناسب دولت در واگذاری امکانات به خانوارهای عشایر بعد از اسکان است.

در بعد کالبدی و فیزیکی رشد قابل توجهی در دسترسی به خدمات مختلف از جمله راه، آب شرب، برق، مسکن و ... مشاهده می‌شود و اسکان در این زمینه تاثیر مناسبی داشته است.

البته در این زمینه از جمله خلاءهای اساسی فقدان برنامه مناسب جهت دفع زباله، فاضلاب و پاکیزگی محیط کانون‌ها است و در اکثر قریب به اتفاق کانون‌ها برنامه ریزی درستی در این زمینه وجود نداشته است.

همچنین فقدان و یا ضعف گسترده خدمات ورزشی، فرهنگی و مراکز گذران اوقات فراغت در کانون‌های توسعه در اکثر کانون‌های توسعه وجود دارد و برنامه ریزی برای تجهیز کانون‌های توسعه به این خدمات، امید به زندگی برای خانوارها و به ویژه جوانان کانون‌ها را بالا خواهد برد.

در زمینه مدیریتی هر چند رضایتمندی مردم از دستگاههای دولتی و به ویژه سازمان امور عشایر بالا است، اما نداشتن شورا و دهیار در بسیاری از کانون‌های توسعه خلاء اساسی است و برنامه ریزی برای مدیریت کانون‌ها توسط این نهادهای جدید اهمیت قابل توجهی دارد.

بررسی خانوارهای اسکان یافته حاکی از عملکرد مناسب دولت در شناسایی و اسکان خانوارهای واجد شرایط اسکان است.

همچنین بررسی وضعیت خانوارها حاکی از ثبات نسبتاً بالای اسکان است. در این زمینه برنامه ریزی برای پایداری اقتصاد کانون‌ها و به ویژه تامین آب کشاورزی و استفاده بهینه از منابع آب از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

با توجه به این مباحث، برای اینکه بتوان به ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش مشکلات و استفاده بهینه از توانها و ظرفیت‌ها نمود، کلیه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و... استخراج و پس از امتیاز دهی در قالب مدل SWOT توسط تیم کارشناسی، مهمترین راهبردها و سیاست‌های اجرایی به تفکیک ابعاد مذکور استخراج شده است.

#### الف) بعد اجتماعی

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد اجتماعی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۶۹ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۴ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه اجتماعی راهبرد تهاجمی می‌باشد. با توجه به این راهبرد و مقایسه زوجی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد اجتماعی، مهمترین سیاست‌های اجرایی نیز به شرح جدول ادامه است.

جدول ۸- استخراج سیاست‌های اجرایی وضعیت اجتماعی

مولفه‌های داخلی و خارجی، تاثیر گذار بر توسعه کانون‌های اسکان عشایر	قویها	ضعیفها
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد یاریگری (WO)</p> <p>برنامه ریزی جهت کاهش اختلاف سواد مردمان و زبان در کانون‌های توسعه از طریق تجهیز کامل کانون‌های توسعه به مراکز آموزشی</p> <p>ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ارائه تحصیل فرزندان عشایر در سطوح بالا و ایجاد زمینه لازم برای جذب و نگهداشت آنها در کانون‌های توسعه</p> <p>کاهش آسیب‌های اجتماعی و تفویض ساختار اجتماعی از طریق آموزش‌های لازم با مشارکت عشایر</p> <p>تفویض دسترسی کانون‌های توسعه به خدمات فرهنگی و ...</p>	<p>راهبرد تنوع بخشی (ST)</p> <p>تفویض خدمات زیر بنایی، رفاهی، آموزش، بهداشت و درمان و... در کانون‌های توسعه جهت جلوگیری از مهاجرت از کانون ها</p> <p>حفظ فرهنگ اصیل جامعه عشایر با توجه به انسجام بالای اجتماعی و مشارکت پذیری مردم از طریق آموزش و تبلیغات مناسب</p>
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد تنوع بخشی (ST)</p> <p>تفویض خدمات زیر بنایی، رفاهی، آموزش، بهداشت و درمان و... در کانون‌های توسعه جهت جلوگیری از مهاجرت از کانون ها</p> <p>حفظ فرهنگ اصیل جامعه عشایر با توجه به انسجام بالای اجتماعی و مشارکت پذیری مردم از طریق آموزش و تبلیغات مناسب</p>	<p>راهبرد تدافعی (WT)</p> <p>برنامه ریزی جهت ایجاد محیط‌های ایمن اجتماعی در کانون‌های توسعه به عنوان مراکز جمعیتی شخصی و ایجاد انگیزه برای ماندگاری افراد در کانون ها</p> <p>تفویض ساختار و نظام مناسبات اجتماعی، عشایر جهت جلوگیری از رسوخ روابط و مناسبات اجتماعی نابازگرا، جوامع شهری و روستایی در کانون‌های توسعه</p> <p>توجه به ایجاد اجتماعی و اقتصادی اسکان جهت استقرار کامل خانوارهای کوچنده و جلوگیری از مهاجرت آنها</p> <p>ایجاد زمینه لازم برای مشارکت نیروی انسانی فعال جهت توسعه نهادهای غیر دولتی و بالا رفتن انگیزه ماندگاری این افراد در کانون‌های توسعه</p>
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد یاریگری (WO)</p> <p>برنامه ریزی جهت کاهش اختلاف سواد مردمان و زبان در کانون‌های توسعه از طریق تجهیز کامل کانون‌های توسعه به مراکز آموزشی</p> <p>ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ارائه تحصیل فرزندان عشایر در سطوح بالا و ایجاد زمینه لازم برای جذب و نگهداشت آنها در کانون‌های توسعه</p> <p>کاهش آسیب‌های اجتماعی و تفویض ساختار اجتماعی از طریق آموزش‌های لازم با مشارکت عشایر</p> <p>تفویض دسترسی کانون‌های توسعه به خدمات فرهنگی و ...</p>	<p>فرصت‌ها</p> <p>افزایش سطح دسترسی به امکانات زیربنایی و فرهنگی امکان افزایش دوره‌های آموزش و ترویج فراهم شدن زمینه تنگنقایی استعدادها و ارتقاء پایگاه جامعه عشایری امکان افزایش میزان بسوادی در سطوح بالا برای فرزندان عشایر</p>
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد یاریگری (WO)</p> <p>برنامه ریزی جهت کاهش اختلاف سواد مردمان و زبان در کانون‌های توسعه از طریق تجهیز کامل کانون‌های توسعه به مراکز آموزشی</p> <p>ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ارائه تحصیل فرزندان عشایر در سطوح بالا و ایجاد زمینه لازم برای جذب و نگهداشت آنها در کانون‌های توسعه</p> <p>کاهش آسیب‌های اجتماعی و تفویض ساختار اجتماعی از طریق آموزش‌های لازم با مشارکت عشایر</p> <p>تفویض دسترسی کانون‌های توسعه به خدمات فرهنگی و ...</p>	<p>ضعیفها</p> <p>اختلاف معیار باسوادی بین مردمان و زبان در کانون‌های توسعه</p> <p>پایین بودن افراد با سطح بالای بسوادی (بالا تر از دبیرم)</p> <p>افزایش مسائل و آسیبهای اجتماعی بعد از اسکان</p> <p>پایین نسبی سطح دسترسی خانوارها به برخی امکانات ارتباطی و رسانه ای</p> <p>کاهش نسبی اعتماد اجتماعی بعد از اسکان</p> <p>عدم وجود نهادهای غیر دولتی در کانون‌های توسعه</p> <p>عدم استقرار کامل ۲۵ درصد خانوارهای مشمول اسکان</p> <p>تضعیف ساختار و نظام مناسبات اجتماعی سنتی</p>

**ب) بعد اقتصادی**

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد اقتصادی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۷۴ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۵۴ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه اقتصادی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

**ج) بعد کالبدی و فیزیکی**

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد کالبدی و فیزیکی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۳۵ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۸۴ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه کالبدی و فیزیکی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

**د) بعد محیطی**

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد محیطی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۹۳ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۵۸ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه محیطی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

**ر) بعد مدیریتی و نهادی**

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد مدیریتی و نهادی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۹ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۹۳ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه مدیریتی و نهادی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

منابع مورد استفاده:

- ۱- سازمان امورعشایر کشور، (۱۳۸۳)، آیین نامه ساماندهی عشایر.
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۸۰)، برنامه سوم توسعه کشور.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۸۶)، برنامه چهارم توسعه کشور.
- ۴- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۶)، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
- ۵- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۸)، سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷.
- ۶- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، سالنامه آماری ۱۳۸۹.





## مطالعه افزایش بره‌زایی گوسفندان عشایر در استان لرستان

### دفتر مطالعات جامع عشایر با مدیریت دکتر حمید کهرام<sup>۱</sup>

#### چکیده

هدف از تحقیق حاضر، مطالعه تاثیر بلوس‌های نگاری- شکمبه‌ای آهسته رهش مواد معدنی، سیدرگذاری و تزریق eCG بر فراسنجه‌های تولیدمثلی میش لری در فصل تولیدمثل بود. ۷۷۹ راس میش لری در هفت گله عشایری به طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند. در هر گله، ۶ تیمار اجرا شد. تیمارها شامل: ۱- شاهد، ۲- مصرف یک بلوس مواد معدنی یک ماه پیش از جفت‌گیری، ۳- مصرف دو بلوس مواد معدنی یک ماه پیش از جفت‌گیری، ۴- سیدرگذاری به مدت ۱۴ روز و تزریق ۵۰۰ واحد بین‌المللی eCG هم‌زمان با برداشت سیدر (۲۴ ساعت پیش از جفت‌گیری)، ۵- ترکیب تیمار ۲ و ۴، ۶- ترکیب تیمار ۳ و ۴ بودند. تغذیه میش‌ها از مراتع طبیعی بود و به ازای هر ۴ تا ۶ میش، یک قوچ لری به مدت چند روز در گله رها شد. آزمایش به صورت فاکتوریل در قالب طرح بلوک کامل تصادفی نامتعادل با دو فاکتور اصلی، eCG در دو سطح (مصرف و عدم مصرف) و بلوس مواد معدنی در سه سطح (۰، ۱ و ۲ عدد) بود و گله‌ها به عنوان بلوک در نظر گرفته شدند. بالاترین میانگین نرخ زایش، نرخ تولیدمثلی، نرخ بره‌گیری، نرخ دوقلو زایی، شمار میش دوقلو زایش کرده و کم‌ترین میانگین نرخ قصری در تیمار ۶ (مصرف ۲ بلوس + eCG)، به دست آمد ( $p < 0/05$ ). بالاترین میانگین وزن تولد بره‌ها در تیمار ۴ (۰ بلوس + eCG) حاصل شد ( $p < 0/05$ ). تاثیر بلوس مواد معدنی بر نرخ زایش و نرخ قصری ( $\alpha = 0/007$ ) بر نرخ تولیدمثلی ( $\alpha = 0/0004$ )، بر نرخ

---

۱ - عضو هیئت علمی گروه علوم دامی دانشگاه تهران

بره‌گیری ( $\alpha = 0/0001$ ) بر نرخ دوقلو زایی ( $\alpha = 0/0025$ )، بر درصد میش‌های دوقلو زای ( $\alpha = 0/004$ ) معنی‌دار بود. تاثیر هورمون eCG بر نرخ تولیدمثلی ( $\alpha = 0/02$ )، بر نرخ بره‌گیری ( $\alpha = 0/005$ )، بر نرخ دوقلو زایی ( $\alpha = 0/03$ )، بر درصد میش‌های دوقلو زای ( $\alpha = 0/02$ )، بر میانگین وزن تولد بره‌ها ( $\alpha = 0/02$ ) معنی‌دار بود. اثر مدل بر نرخ تولیدمثلی ( $\alpha = 0/003$ )، بر نرخ بره‌گیری ( $\alpha = 0/0004$ )، بر نرخ دوقلو زایی ( $\alpha = 0/001$ ) =  $\alpha$ ) بر درصد میش‌های دوقلو زای ( $\alpha = 0/001$ ) معنی‌دار بود. اثر متقابل هورمون در مواد معدنی بر نرخ دوقلو زایی ( $\alpha = 0/006$ ) و بر شمار میش دوقلو زای ( $\alpha = 0/01$ ) معنی‌دار بود. اثر گله فقط بر درصد میش‌های دوقلو زای ( $\alpha = 0/05$ ) معنادار بود.

### ۱- دیباچه

افزایش تولیدات دامی مانند گوشت قرمز، شیر و پوست، نیاز مبرم کشور است. افزایش تولید فراورده‌های دامی و عرضه کافی به بازار موجب کاهش قیمت فروش شده، افشار کم‌درآمد جامعه نیز می‌توانند از تولیدات دامی به ویژه گوشت قرمز که یکی از مواد غذایی لازم برای رشد بهینه کودکان و نیز حفظ ساختار فیزیولوژی و هورمونی بدن بزرگسالان است، به مقدار لازم و کافی بهره‌مند شوند. از طرف دیگر افزایش تولیدات دامی باعث افزایش درآمد دامداران به خصوص عشایر و حفظ سنت دیرینه رهمه‌گردانی در ایران می‌شود. برای نیل به این مقصود، محققین علم دامپروری با فعالیت‌های علمی خویش کوشش‌های فراوانی برای افزایش تولید و کاهش هزینه‌های تولید انجام داده‌اند. تولید گوشت قرمز با توجه به عقاید دینی و مذهبی و ذایقه خوراکی مردم ایران، محدود به پرورش گاو، گوسفند و بز شده است. طول آبستنی گاو حدود ۹ ماه و طول آبستنی گوسفند در حدود ۵ ماه می‌باشد. در بهترین شرایط با در نظر گرفتن مدت روزهای باز، یک گاو می‌تواند در هر سال یک گوساله تولید کند و گوسفند که تخمک‌ریزی کننده در روزهای کوتاه است طی ۲ سال می‌تواند سه بره تولید کند (۲۰).

گوسفند تخم‌ریزی کننده فصلی است اما محققین با استفاده از تکنیک‌های هورمونی توانسته‌اند در خارج از فصل تولیدمثلی نیز گوسفند را وادار به تخم‌ریزی و آبستنی کنند. در کشور ما، ایران، گوسفندان بیشتر به شیوه سنتی و استفاده از مراتع طبیعی پرورش می‌یابند در نتیجه علاوه بر ساختار ژنتیکی و فیزیولوژی حیوان، تغذیه و محتوای مراتع مورد استفاده دام‌ها نقشی کلیدی در کیفیت خصوصیات تولیدمثلی دام بر عهده دارد. با توجه به اهمیت نشخوارکنندگان به ویژه گوسفند در تامین ذایقه خوراکی ایرانیان و اهمیت گوسفندداری در خودکفایی و چرخه اقتصادی کشور، و به خصوص عشایر که درآمد عمده آن‌ها از تولیدات گوسفند است لزوم بهبود سیستم پرورش، افزایش عملکرد دستگاه تولیدمثلی و بهبود راندمان باروری گوسفند بر همگان آشکار است.

برای افزایش صرفه اقتصادی در پرورش گوسفند لازم است درصد باروری و زایش در گله گوسفندان افزایش یابد. در صنعت گوسفندداری، درآمد بستگی بر دفعات زایمان و تعداد بره متولد شده در هر زایش دارد. به دلیل این که فعالیت دستگاه تولیدمثل تحت تاثیر هورمون‌ها می‌باشد، می‌توان با استفاده از هورمون‌های سنتتیک، فرایند تولیدمثل را در دام‌ها کنترل و ظرفیت تولیدمثل میش‌ها را با استفاده از روش‌هایی مانند همزمان‌سازی فحلی، افزایش نرخ تخم‌ریزی و تلقیح مصنوعی افزایش داد (۲۰). پیشینه ژنتیکی، محیط، تغذیه و مدیریت مزرعه چهار عامل تاثیرگذار در خصوصیات تولیدمثلی می‌باشد، اما مهمترین این موارد، تغذیه و به خصوص وجود مقادیر مناسب از مواد معدنی است، زیرا مشاهده شده حتی اگر دام‌ها از لحاظ دریافت انرژی و پروتئین در شرایط مناسبی قرار داشته باشند اما از نظر وجود مقادیر کافی عناصر معدنی دچار کمبود باشند، راندمان تولیدمثلی کاهش دارد.

بیست و دو عنصر معدنی برای سلامتی حیوانات و به ویژه خصوصیات تولیدمثلی ضروری است. از جمله این عناصر، کلسیم است که کمبود آن به ویژه در هنگام زایش (بیش‌تر در مورد گاو) ایجاد می‌شود و البته مهم‌تر از عنصر کلسیم، نسبت کلسیم به

فسفر است که تغییرات این نسبت، از طریق مختل کردن فعالیت غده هیپوفیز می‌تواند فعالیت تخمدانی را سد کند همچنین باعث به تاخیر انداختن اولین فحلی و تخمک‌ریزی، طولانی کردن بازگشت رحمی، جفت‌ماندگی و پایین افتادگی رحم می‌شود.

عناصر معدنی ضروری از جمله کبالت، آهن، کروم، سلنیوم، ید و مس برای سنتز بسیاری از پروتئین‌ها و آرایش سیستم آنزیمی ضروری هستند. آنزیم‌های فلزدار (فلز به عنوان کوفاکتور) در ساخت استخوان، متابولیسم چربی، تثبیت سطح گلوکز خون، انتقال آهن، سنتز DNA و متابولیسم رادیکال‌های آزاد شرکت می‌کنند.

مس، ید، منگنز، سلنیوم و روی به طور کاملاً معنادار بر تمایز رویان و زنده‌مانی جنین تاثیر دارند، البته مکمل از هر ماده معدنی هرچند با هدف خاص برای سلامت تولیدمثل حیوان مهم است اما مصرف مکملی از مجموعه مواد معدنی اثر بهتری بر رفتارهای جنسی و نرخ دوقلو زایی (تعداد بره متولد شده در هر زایش) ایجاد می‌کند. سه متغیر (نرخ تخمک‌ریزی، زنده‌مانی رویان و زنده‌مانی جنین) در ایجاد نرخ دوقلو زایی تاثیر دارند. کمبود سلنیوم و بتا کاروتن، نرخ تخمک‌ریزی بز و میش را کاهش می‌دهند. مس، ید، روی، منگنز، سلنیوم برای زنده‌مانی رویان لازم هستند و عناصر ذکر شده به همراه آهن برای زنده‌مانی جنین و افزایش نرخ آبستنی لازم هستند (۲۶).

جیره مصرفی گوسفندان و چراگاه‌های طبیعی دام‌ها برای تامین نیازهای بدنی به ویژه سیستم تولیدمثل دام‌ها باید دارای مقدار کافی و لازم از مواد معدنی مورد نیاز باشد. کشور ما از نظر جغرافیایی در منطقه گرم و خشک قرار گرفته و مراتع آن عمدتاً "به لحاظ مواد مغذی از جمله مواد معدنی دچار کمبود و عدم تعادل است که بسته به مناطق جغرافیایی مختلف، متفاوت است.

بیش از نیمی از مساحت کشور ایران را مراتع تشکیل می‌دهد. مرتع به عنوان بستر تحولات اقتصادی و اجتماعی ایلات و عشایر ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا منبع تولید گوشت، لبنیات، پوست و سایر فرآورده‌های دامی است. همچنین بخشی از

گیاهان صنعتی و دارویی از این منبع خدادادی به دست می‌آید. اما متأسفانه بسیاری از مراتع کشور به علت تخریب بیش از حد با بحرانی عمیق مواجه شده‌اند و ادامه‌ی این روند کشور ما را با مشکلات بسیاری مانند: سیل‌های مخرب، کم‌آبی، طوفان، شن‌های روان، آلودگی محیط زیست، خشک‌سالی، قطعی و کاهش رونق دامداری رو به رو خواهد کرد (۴۴).

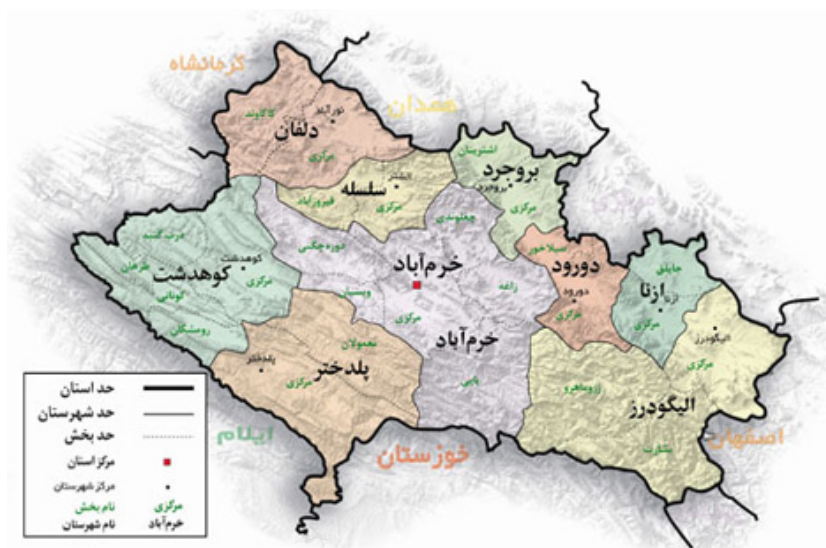
دانشمندان و متخصصان بر این عقیده‌اند که گوسفند و بز به وسیله‌ی ایرانیان قدیم اهلی شده‌اند و قدمت دامداری را بیش از سی‌هزار سال می‌دانند. به هر حال آنچه به صورت تاریخ مستدل و قابل اعتماد وجود دارد، این است که حداقل هفت‌هزار سال پیش اجداد ما در سرزمین سرسبز ایران مشغول دامداری بوده‌اند و حرفه دامداری از گذشته‌های بسیار دور یکی از حرفه‌های مهم ایرانیان بوده و رمه‌گردانی در سرتاسر ایران رواج داشته است (۴۱). ثابت شده که گوسفندان اهلی امروزه دنیا از گوسفندان وحشی موجود در آسیا و اروپا به وجود آمده‌اند (۱۴).

مساحت ایران بیش از ۱۶۴ میلیون هکتار است که از این میزان ۱۲/۴ میلیون هکتار، اراضی جنگلی، ۹۰ میلیون هکتار مرتع، ۴۳/۲ میلیون هکتار، بیابان و کویر و حدود ۱۸/۴ میلیون هکتار، اراضی زراعی و باغ‌ها هستند. شرکت FMC آمریکا در سال ۱۹۷۵، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای مراتع ایران را ۹۰ میلیون هکتار تخمین زد. مراتع ایران را می‌توان به: ۹/۳ میلیون هکتار مرتع خوب (۱۰/۳ درصد)، ۳۷/۳ میلیون هکتار مرتع متوسط تا فقیر (۴۳/۳ درصد) و ۴۳/۴ میلیون هکتار مرتع فقیر تا خیلی فقیر (۴۶/۴ درصد) تقسیم‌بندی کرد (۴۳).

تحقیق حاضر در استان لرستان انجام شد. استان لرستان با حدود ۳۱۳۸۴ کیلومتر مربع وسعت، در غرب ایران و بین استان‌های مرکزی، همدان، خوزستان، اصفهان، کرمانشاه و ایلام قرار دارد. بلندترین نقطه این استان، اشترانکوه است که در حدود ۴۰۵۰ متر ارتفاع دارد. پایین‌ترین نقطه استان، در جنوبی‌ترین بخش آن قرار دارد که

فقط حدود ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. مرکز استان، شهرستان خرم‌آباد است (۳۹).

شکل ۱: نقشه استان لرستان (۳۸)



پوشش گیاهی استان بر حسب ارتفاع از سطح دریا، عرض جغرافیایی، مقدار بارش، تراکم کوه‌ها متغیر است. به همین دلیل در بعضی دامنه‌ها، جنگل‌های پراکنده و در برخی دیگر جنگل‌های انبوه وجود دارد. مراتع استان از انواع بیلاقی (بالتر از ۲۰۰۰ متر ارتفاع)، قشلاقی و میان‌بند (کمتر از ۲۰۰۰ متر ارتفاع دارد) است. در لرستان چراگاه‌های گرم و کم ارتفاع باختری با شیب ملایم از جلگه‌های خنک‌تر و مرتفع‌تر و معمولاً کوچک‌تر خاوری به واسطه رشته‌ای از کوه‌ها جدا می‌شوند. این رشته کوه‌ها از طریق بلندی‌های مرکزی اسکان گذرگاهی را برای کوچ فصلی عشایر فراهم می‌کند (۳۸).

گوسفند لری، در مناطق لرستان، شمال خوزستان، چهارمحال و بختیاری پرورش یافته، دنبه بزرگ و چند منظوره (بیشتر به منظور تولید گوشت) است و در مقابل

شرایط سخت محیطی، قدرت مقاومت بالا دارد. سر در نژاد لری نسبتاً بزرگ و پیشانی برجسته بوده و برجستگی کمی روی بینی مشاهده می‌شود. چشم‌ها درشت و گوش‌ها، بلند و آویزان است. این نژاد جزو گروه بلند اندام‌ها قرار دارد. معمولاً هر دو جنس بدون شاخ بوده ولی به ندرت قوچ‌ها دارای شاخ‌های پیچیده‌ای هستند. رنگ بدن کم و بیش سفید است که لکه‌های خرمایی قهوه‌ای تیره در اطراف چشم و انتهای پوزه و اعضا دیده می‌شود. دنبه در این نژاد در اثر شکاف سرتاسری به دو قسمت تقسیم شده و حجم و رشد آن زیاد است دنبه در جنس نر بزرگ‌تر از ماده است. پشم آن‌ها به علت آن که یک‌دست سفید نمی‌باشد، از مرغوبیت زیادی برخوردار نیست (۴۲).

قوچ نژاد لری



میش نژاد لری



جدول ۱- مشخصات گوسفند لری (۴۲)

میش	قوچ	اندازه‌ها
۵۸ تا ۷۲	۷۰ تا ۷۵	قد (سانتی‌متر)
۱۰۸ تا ۱۱۲	۱۰۰ تا ۱۱۴	طول تنه (سانتی‌متر)
۶۵ تا ۶۷	۶۷ تا ۷۱	وزن بلوغ (کیلوگرم)
۳/۲۰	۳/۷۰	وزن تولد (کیلوگرم)
۷ تا ۸	۸ تا ۱۰	وزن دنبه (کیلوگرم)



نسبت دوقلوزایی (/.)	-	بیش تر از ۲۵
تولید شیر در ۶ ماه (لیتر)	-	۸۵ تا ۱۰۰
پشم سالیانه (کیلوگرم)	۲/۵ تا ۳	۲

### ۲-۱ همزمان کردن فحلی

همزمان سازی فحلی، موجب می شود که گروهی از ماده ها که در گامه های گوناگون چرخه تخمدانی هستند، در فاصله کوتاهی از هم، تخمک ریزی کنند. همزمان کردن فحلی دارای روش های مختلفی است و هر کدام دارای مزایا و معایبی می باشند که با توجه به گونه دام و نوع مدیریت متفاوت هستند (۲۰).

#### ۱-۲-۱ انواع روش های همزمان کردن فحلی در دام

- ۱- تزریق پروژسترون
- ۲- تزریق پروستاگلاندین
- ۳- اسفنج گذاری  
سیدر گذاری (CIDR)

### ۲- هدف

در این تحقیق اثر همزمان سازی فحلی (سیدر گذاری) و تزریق هورمون eCG و همچنین مصرف بلوس مواد معدنی بر فراسنجه های تولیدمثلی مانند نرخ زایش، قصری، تولیدمثلی (بره زایی) و نرخ دوقلوزایی و نیز وزن تولد بره ها در نژاد لری بررسی شده است.

### ۳- روش اجرای تحقیق

۷ گله عشایری به طور تصادفی انتخاب و ۷۷۹ راس میش لری حداقل یک‌بار زایش در گله‌ها به طور تصادفی در استان لرستان طی فصل تولیدمثلی (طول روز کوتاه) انتخاب شدند.

در هر گله، ۶ تیمار اجرا شد. میش‌ها، روزانه دو نوبت (صبح و عصر) از مراتع طبیعی تغذیه می‌کردند.

بلوس‌های مورد استفاده در این تحقیق، قطعاتی گرد و کوچک از مجموعه‌ای از عناصر معدنی که بر اساس کاتالوگ شرکت تولیدکننده شامل: ۶/۹ درصد کلسیم، ۰/۷۱۱ درصد منیزیم، ۰/۳۱۲ درصد سدیم، ۰/۰۳۳ گرم مس، ۰/۱۶ گرم منگنز، ۰/۰۲۴ گرم ید، ۰/۰۰۱ گرم فسفر، ۳/۳۹۶ گرم آهن، ۰/۰۶ گرم کبالت، ۰/۰۳۶ گرم روی و ۰/۰۰۸ گرم سلنیوم بود. بلوس‌ها دارای پوشش سرامیکی بوده و به وسیله تفنگ قرص‌خوران به گوسفندان خورانده می‌شد و مواد معدنی را به آهستگی و طی مدت ۶ ماه در اختیار دام قرار می‌دهند. برای جفت‌گیری در گله قوچ‌اندازی می‌شد. قوچ‌ها از نژاد لری با دامنه سنی ۲-۶ سال بودند و به ازای هر ۴-۶ میش، یک روز بعد از سیدربرداری یک قوچ در گله رها می‌شد. نحوه تغذیه قوچ‌ها نیز از مراتع طبیعی بود. آزمایش به صورت فاکتوریل در قالب طرح بلوک کامل تصادفی با دو فاکتور اصلی، eCG در دو سطح (مصرف و عدم مصرف) و بلوس مواد معدنی در سه سطح (۰، ۱ و ۲ عدد) بود و گله‌ها به عنوان بلوک در نظر گرفته شدند.

### ۳-۱ تیمارها

- ۱- گروه شاهد که هیچ عملیات خاصی روی میش‌ها انجام نشد.
- ۲- گروهی که یک ماه قبل از جفت‌گیری، یک عدد بلوس مواد معدنی دریافت کردند.
- ۳- گروهی که یک ماه قبل از جفت‌گیری، دو عدد بلوس مواد معدنی دریافت کردند.

۴- گروهی که سیدرگذاری شده (همزمان سازی فحلی) و پس از ۱۴ روز، همزمان با خروج سیدر eCG به میزان ۵۰۰ واحد بین‌المللی به عضله ران تزریق شد و یک روز پس از تزریق، قوچ‌اندازی صورت گرفت.

۵- گروهی که یک عدد بلوس مواد معدنی دریافت کردند و پس از ۱۶ روز، سیدرگذاری شده و ۱۴ روز بعد، همزمان با خروج سیدر از بدن حیوان eCG به میزان ۵۰۰ واحد بین‌المللی به عضله ران تزریق شد و یک روز پس از تزریق، قوچ‌اندازی انجام شد.

۶- گروهی که دو عدد بلوس مواد معدنی دریافت کردند و پس از ۱۶ روز، سیدرگذاری شده و ۱۴ روز بعد، همزمان با خروج سیدر، eCG به میزان ۵۰۰ واحد بین‌المللی به عضله ران تزریق شد و یک روز پس از تزریق، قوچ‌اندازی صورت گرفت.

### ۲-۳ گله‌ها

تعداد میش‌های اختصاص داده شده به طرح در هر گله و در هر تیمار در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۲: تعداد میش‌ها در هر گله و در هر تیمار

تیمار	شاهد	۱ بلوس	۲ بلوس	۰ CIDR + eCG	۱ بلوس CIDR + eCG	۲ بلوس CIDR + eCG	جمع میش‌ها
۱	۲۷	۲۷	۲۰	۲۷	۲۷	۲۷	۱۵۵
۲	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۶۱
۳	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۱۲۰
۴	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۹۰
۵	۱۵	۱۵	۱۵	۲۰	۲۰	۲۱	۱۰۶
۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۱۵۶
۷	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۶	۹۱
جمع میش‌ها	۱۲۹	۱۲۸	۱۲۱	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۵	۷۷۹

### ۳-۳ فراسنجه‌های<sup>۱</sup> تولیدمثلی مورد ارزیابی

برای برآورد توان تولیدمثلی میش‌ها، صفات مختلفی را می‌توان مورد سنجش قرار داد. بیشتر پارامترهایی که در این تحقیق، بررسی شده با استناد به کتاب "Current **Therapy in Large Animal Theriogenology**, ۲۰۰۷" تعریف شده است.

#### ۳-۳-۱ نرخ آبستنی<sup>۲</sup> (Pregnancy rate = Conception rate)

برابر است با حاصل تقسیم تعداد میش باردار شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری  $\times 100$  در یک دوره تولیدمثلی.

نرخ آبستنی برای میش بالغ با بیش از ۲ تا ۳ زایمان، حدود ۹۵ درصد و برای بره میش‌ها در اولین سال زندگی بیش از ۷۵ درصد، برای میش‌های یک‌بار زایش همزمان شده در فصل تولیدمثلی، بیش از ۷۰ درصد و برای میش‌های یک‌بار زایش همزمان شده در فصل غیرتولیدمثلی، بیش از ۵۰ درصد، مطلوب است.

در این تحقیق، نظر به محدودیت و نیز به دلیل این‌که از تکنیک سونوگرافی و یا روش‌های هورمونی برای تشخیص آبستنی استفاده نشده است در نتیجه نرخ آبستنی برابر با نرخ زایش است.

#### ۳-۳-۲ نرخ زایش<sup>۳</sup> (Lambing rate)

برابر است با حاصل تقسیم تعداد میش زایمان کرده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری  $\times 100$  در یک دوره تولیدمثلی.

نرخ زایش به طور کلی بیانگر توان باروری<sup>۴</sup> حیوان است و برای میش بالغ، نرخ بیش از ۹۰ درصد و در مورد بره میش<sup>۳</sup>هایی که زودتر از ۱۵ ماهگی زایمان می‌کنند، نرخ بیش از ۷۵ درصد مطلوب است.

۱- Parameters

۲- Pregnancy rate: The percentage of ewes exposed to the ram that are pregnant at pregnancy check per breeding period, also termed conception rate.

۳- Lambing rate: The percentage of ewes that lamb of those exposed to the ram per breeding period.

۴- Fertility

به کاربردن اصطلاح Lambing rate برای حاصل تقسیم تعداد بره متولد شده بر تعداد میش زایش کرده  $\times 100$  یک اشتباه مصطلح است.

### ۳-۳-۳ نرخ تولیدمثل<sup>۱</sup> (Reproductive rate)

برابر است با حاصل تقسیم تعداد بره متولد شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری  $\times 100$ .

نرخ تولیدمثلی، بیانگر توان باروری، حفظ آبستنی و بره زایی می‌باشد و برای گله‌های تغذیه کننده از مراتع، حدود  $150 - 120$  درصد و تحت مدیریت مناسب با تغذیه عالی در میش‌های پرواری،  $220 - 180$  درصد مطلوب است.

نرخ تولیدمثل، عدد دقیقی برای مقدار محصول بره ارایه نمی‌دهد چرا که ممکن است بره متولد شده، مرده باشد.

### ۳-۳-۴ نرخ بره‌گیری<sup>۲</sup> (Lamb crop)

برابر است با حاصل تقسیم تعداد بره زنده متولد شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری  $\times 100$ .

$1/2 \pm 121/3$  درصد برای میانگین بره‌گیری در بیشتر گله‌ها مطلوب است اما در گله‌های کمتر از ۵۰ راس میش،  $1/4 \pm 138$  درصد و در گله‌هایی با بیش از ۱۰۰۰ راس میش، عدد  $2/1 \pm 108$  درصد مورد انتظار است.

معمولاً "نرخ بره‌گیری را به ازاء هر راس میش در معرض جفت‌گیری (per ewe Lamb crop) اعلام می‌کنند که با این تعریف، مقدار  $0/12 \pm 1/213$  به ازاء هر راس میش در بیشتر گله‌ها مطلوب است و در گله‌های کمتر از ۵۰ راس میش،  $0/14 \pm 1/38$  به ازاء هر راس میش و در گله‌هایی با بیش از ۱۰۰۰ راسی،  $0/21 \pm 1/08$  به ازاء هر راس برای میانگین بره‌گیری مورد انتظار است (۷۶).

۱- Reproductive rate: Number of lambs born per ewe exposed to ram.

۲- Lamb crop: Number of lambs born alive per ewe exposed to the ram.

### ۳-۳-۵ نرخ چندقلوزایی<sup>۱</sup> (Prolificacy = Litter size)

برابر است با حاصل تقسیم تعداد بره زنده متولد شده بر تعداد میش زایش کرده × ۱۰۰.

نرخ چندقلوزایی، بسیار به نژاد میش بستگی دارد و معمولاً در گله‌های تغذیه کننده از چراگاه، حدود ۱/۶ - ۱/۳ به ازای هر راس میش و تحت مدیریت و پرورش مناسب و تغذیه فراوان، رقم ۲/۲ - ۲/۰ به ازای هر راس میش، مطلوب است.

نرخ چندقلوزایی، نمای دقیقی از توان باروری و کارایی تولیدمثلی کل گله ارایه نمی‌دهد چرا که تعداد میش‌های قصر و میش‌های جنین سقط کرده را نشان نمی‌دهد، بلکه بیشتر برای اهداف به‌نژادی و انتخاب بر اساس ژنتیک فردی حیوان، مفید است.

### ۳-۴- آنالیز آماری

مدل آماری طرح به صورت زیر است:

$$y_{ijkl} = \mu + H_i + Trt_j + Trt_k + (Trt_j \times Trt_k) + e_{ijkl}$$

$y_{ijkl}$  = مقدار صفت در گله  $i$  ام، تیمار  $j$  ام، تیمار  $k$  ام و حیوان  $l$  ام

$$H_i = \text{اثر گله } i \text{ ام}$$

$$Trt_j = \text{اثر تیمار } j \text{ ام}$$

$$Trt_k = \text{اثر تیمار } k \text{ ام}$$

$$Trt_j \times Trt_k = \text{تاثیر متقابل تیمار } j \text{ و تیمار } k$$

$$e_{ijkl} = \text{اثر تصادفی باقی مانده}$$

آزمایش به صورت فاکتوریل در قالب طرح بلوک کامل تصادفی با دو فاکتور اصلی،

eCG در دو سطح (مصرف و عدم مصرف) و بلوس مواد معدنی در سه سطح (۰، ۱ و ۲

عدد) بود و گله‌ها به عنوان بلوک در نظر گرفته شدند.

۱- Prolificacy: Number of lambs born per ewe lambing. It often is termed drop rate, litter size.

برای آنالیز داده‌ها از نرم افزار SAS و از رویه GLM استفاده شد. از آزمون دانکن برای مشخص کردن اختلاف معنی‌داری در بین سطوح مختلف تیمارها استفاده شد.

#### ۴- نتایج تحقیق

##### ۴-۱ نرخ زایش

میانگین نرخ زایش در ۷۷۹ راس میش در معرض جفتگیری، ۷۵/۰۶ درصد بود. در کل حدود ۲۵ درصد از میش‌ها آبستن نشدند و زایشی نداشتند. جدول ۳: اثر بلوس، eCG، اثر متقابل بلوس در eCG، گله و مدل بر نرخ زایش (اعداد، سطح معنی‌داری هستند).

Root MSE	C.V.	R-square	مدل	گله	بلوس × eCG	eCG	بلوس
۱۱/۵۸	۱۵/۴۲	۰/۳۷	۰/۱۵۲	۰/۷۷۳	۰/۸۳۴	۰/۱۴۸	۰/۰۰۷

از جدول می‌توان دریافت که تاثیر بلوس مواد معدنی در حد  $\alpha = 0/007$  معنی‌دار است، بدین معنا که می‌توان با اطمینان ۰/۹۹۳ بگوییم که مکمل مواد معدنی بر نرخ زایش، تاثیر مثبت بالایی داشته است. اما سایر عوامل تعریف شده در مدل تاثیر معناداری بر درصد زایش نداشته‌اند.

##### جدول ۴: تاثیر تیمارهای مختلف اعمال شده بر نرخ زایش

S.E.	میانگین حداقل مربعات نرخ زایش	تیمار	
		بلوس	eCG
۴/۳۷۷	۶۸/۳۳۵ <sup>c†</sup>	۰	۰
۴/۳۷۷	۶۷/۷۵۳ <sup>c</sup>	۱	۰
۴/۳۷۷	۸۱/۱۵۳ <sup>ab</sup>	۲	۰
۴/۳۷۷	۷۱/۲۰ <sup>bc</sup>	۰	۱
۴/۳۷۷	۷۵/۸۶ <sup>abc</sup>	۱	۱
۴/۳۷۷	۸۶/۰۸۴ <sup>a</sup>	۲	۱

† حروف متفاوت، حاکی از وجود اختلاف معنی‌دار است.

داده‌های جدول در حد  $\alpha = 0/05$  تفسیر می‌شود. بالاترین میانگین نرخ زایش در تیمار ۶ که دو بلوس مواد معدنی و هورمون eCG مصرف شد به دست آمده است. دومین مقدار میانگین نرخ زایش در تیمار ۳ به دست آمده که با مصرف دو بلوس ماده معدنی و بدون وجود هورمون توانسته نرخ زایش بالا را ایجاد کند. با توجه به جدول، تیمار ۵ نیز توانسته نرخ زایش تقریباً قابل قبولی ایجاد کند. بررسی تاثیر سه تیمار دیگر به طور اجمال نشان می‌دهد که مصرف هورمون eCG به تنهایی و یا یک بلوس به تنهایی، تاثیر مثبت معناداری بر نرخ زایش ایجاد نمی‌کند.

#### ۴-۲ نرخ دوقلو زایی

میانگین نرخ دوقلو زایی در ۷۷۹ راس میش در معرض جفتگیری، ۱۱۳/۴۵ درصد بود.

جدول ۵: اثر بلوس، eCG، اثر متقابل بلوس در eCG، گله و مدل بر نرخ دوقلو زایی (اعداد،

سطح معنی داری هستند).

Root MSE	C.V.	R-square	مدل	گله	بلوس × eCG	eCG	بلوس
۸/۷۲	۷/۶۸	۰/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۰۹۶	۰/۰۰۵۶	۰/۰۲۵	۰/۰۰۲۵

جدول نشان می‌دهد که تاثیر متقابل بلوس مواد معدنی در هورمون خیلی زیاد بوده و در حد  $\alpha = 0/056$  معنی دار است. بدین معنا که می‌توان با اطمینان بیش از ۰/۹۹ بگوییم که اثر متقابل دو تیمار در هم، موجب افزایش شمار بره متولد شده از هر میش زایش کرده شده است.

همچنین تاثیر هورمون eCG بر نرخ دوقلو زایی در حد  $\alpha = 0/03$  معنادار است، یعنی می‌توان با اطمینان ۰/۹۷ گفت که تزریق عضلانی ۵۰۰ واحد بین‌المللی هورمون eCG بر نرخ دوقلو زایی تاثیر مثبت بالایی داشته است. تاثیر بلوس مواد معدنی بر نرخ دوقلو زایی همانند سایر صفت‌ها بسیار مثبت و بالا بوده و در حد  $\alpha = 0/0025$  معنی دار



است، که می‌توان با اطمینان بیش از ۰/۹۹ بگوییم که مکمل مواد معدنی بر نرخ دوقلوزایی، تاثیر مثبت بسیار بالایی داشته است. مدل در حد  $\alpha = 0/001$  بر نرخ دوقلوزایی تاثیر معنادار ایجاد کرده است و اثر مدل به این دلیل معنادار شده که بیش از یک عامل تغییردهنده (بلوس، هورمون و اثر متقابل بلوس در هورمون) بر صفت دوقلوزایی اثر معنادار ایجاد کرده‌اند. اثر گله بر نرخ دوقلوزایی معنادار نبوده است. نرخ دوقلوزایی، توان آبستن شدن، توانایی حفظ آبستنی و زایش و توان بره‌زایی (نرخ تولیدمثلی) را در خود نهفته دارد. نرخ دوقلوزایی، میش‌های با توان ژنتیکی فردی بالا در زمینه چندقلوزایی را مشخص می‌کند (با هدف انتخاب).

جدول ۶: تاثیر تیمارهای مختلف اعمال شده بر نرخ دوقلوزایی

S.E.	میانگین حداقل مربعات نرخ دوقلوزایی	تیمار	
		بلوس	eCG
۳/۲۹	۱۱۰/۳۵ <sup>cd†</sup>	۰	۰
۳/۲۹	۱۰۸/۰۲ <sup>cd</sup>	۱	۰
۳/۲۹	۱۱۲/۴۸ <sup>bc</sup>	۲	۰
۳/۲۹	۱۰۳/۳۳ <sup>d</sup>	۰	۱
۳/۲۹	۱۲۰/۱۰ <sup>ab</sup>	۱	۱
۳/۲۹	۱۲۶/۴۰ <sup>a</sup>	۲	۱

† حروف متفاوت، حاکی از وجود اختلاف معنی‌دار است.

داده‌های جدول در حد  $\alpha = 0/05$  تفسیر می‌شود. بالاترین میانگین نرخ دوقلوزایی در تیمار ۶ که دو بلوس مواد معدنی و هورمون eCG مصرف شد به دست آمده است. دومین مقدار میانگین نرخ بره‌گیری در تیمار ۵ به دست آمده است. البته میانگین در تیمار سوم (مصرف دو بلوس ماده معدنی بدون وجود هورمون) نیز بالا بود. بین تیمار ۳ و ۵ اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. کم‌ترین میانگین نرخ دوقلوزایی در تیمار ۴ (تزیق

هورمون eCG، ۲۴ ساعت پیش از قوچ‌اندازی بدون مصرف مکمل مواد معدنی) حاصل شده است.

#### ۳-۴ درصد میش‌های دوقلوزا

درصد میش‌های دوقلوزا برابر است با (حاصل تقسیم تعداد میش دوقلو زایش کرده تقسیم بر تعداد کل میش‌های زایش کرده  $\times 100$ ). میانگین درصد شمار میش‌های دوقلوزا در ۷۷۹ راس میش در معرض جفت‌گیری، ۱۳/۷۴ درصد بود.

جدول ۷: اثر بلوس، eCG، اثر متقابل بلوس در eCG، گله و مدل بر شمار میش‌های دوقلوزا

(اعداد، سطح معنی‌داری هستند).

Root MSE	C.V.	R-square	مدل	گله	بلوس $\times$ eCG	eCG	بلوس
۸/۵۴	۶۲/۱۲	۰/۶	۰/۰۰۱	۰/۰۴۹	۰/۰۱	۰/۰۱۳	۰/۰۰۴

از جدول می‌توان دریافت که تاثیر بلوس مواد معدنی بر افزایش تعداد میش دوقلوزا همانند سایر صفت‌ها بسیار مثبت و بالا بوده و در حد  $\alpha = 0/004$  معنی‌دار است، که می‌توان با اطمینان بیش از ۰/۹۹ بگوییم که مکمل مواد معدنی، تاثیر مثبت بسیار بالایی داشته است.

تاثیر متقابل بلوس مواد معدنی در هورمون خیلی زیاد بوده و در حد  $\alpha = 0/01$  معنی‌دار است. بدین معنا که می‌توان با اطمینان ۰/۹۹ گفت که اثر متقابل دو تیمار در هم، موجب افزایش شمار میش‌های دوقلو زایمان کرده نسبت به کل میش زایش کرده شده است. هم‌چنین تاثیر هورمون eCG بر تعداد زایمان‌های دوقلویی در حد  $\alpha = 0/013$  معنی‌دار است، یعنی می‌توان با اطمینان ۰/۹۸ گفت که تزریق عضلانی ۵۰۰ واحد بین‌المللی هورمون eCG بر افزایش زایش‌های بیش از یک‌قلو تاثیر مثبت بالایی داشته است. مدل در حد  $\alpha = 0/001$  تاثیر معنادار ایجاد کرده است و اثر مدل به این دلیل معنادار شده که بیش از یک عامل تغییردهنده (همه متغیرهای مستقل تغییردهنده

صفت) بر پارامتر مورد نظر اثر معنادار ایجاد کرده‌اند. تفاوت آشکار در تاثیر گله بر نرخ دوقلو زایی و شمار میش دوقلو زایش کرده مشاهده می‌شود، به طوری که تاثیر گله بر این پارامتر در حد  $\alpha = 0/05$  معنادار است و بدین معنا است که با اطمینان ۰/۹۵، گله بر افزایش تعداد زایش‌های دوقلویی نسبت به تعداد زایش‌های یک‌قلویی تاثیر معنی‌دار ایجاد می‌کند.

هر چند که نرخ دوقلو زایی دقیقاً " نمی‌تواند تعداد میش‌های دوقلوزا را نشان دهد، چرا که ممکن است میشی دوقلو زایش کرده اما یک یا هر دو بره‌اش مرده باشند و یا این‌که میشی بیش از دوقلو زایش کرده باشد، اما از آزمون دانکن برای تاثیر انفرادی سطوح مختلف تیمارهای اعمال شده استفاده شد که اثر تیمارها بر نرخ دوقلو زایی و بر شمار میش‌های دوقلو زایمان کرده، یکسان بود، یعنی زایش‌های این آزمایش، یک‌قلو یا دوقلو بودند و هیچ‌کدام از میش‌های دوقلو زایش کرده، بره مرده نداشته‌اند.

جدول ۸: درصد میش‌های دوقلوزا در هر تیمار و در هر گله

تیمار گله	شاهد	۱ بلوس	۲ بلوس	۰ CIDR + eCG	۱ بلوس CIDR + eCG	۲ بلوس CIDR + eCG	میانگین	سطح معناداری
۱	۱۱/۷۶	۶/۶۷	۱۳/۳۳	۴/۵۵	۱۰	۱۵/۳۸	۱۰/۲۸	b
۲	۹/۰۹	۱۲/۵	۰	۰	۳۳/۳۳	۲۵	۱۳/۳۲	a b
۳	۷/۱۴	۰	۱۸/۷۵	۱۸/۷۵	۲۱/۴۳	۶۰	۲۱/۰۱	a
۴	۲۲/۲۲	۱۱/۱۱	۲۵	۱۲/۵	۲۶/۶۷	۲۵	۲۰/۴۲	a
۵	۱۱/۱۱	۰	۱۶/۶۷	۰	۱۴/۲۹	۲۲/۲۲	۱۰/۷۲	b
۶	۰	۵/۸۸	۵/۲۶	۰	۱۰	۱۵/۷۹	۶/۱۶	b

مطالعه بررسی افزایش بره‌زایی گوسفندان عشایری در استان لرستان							
۵۹							
ab	۱۴/۳۱	۲۱/۴۳	۲۵	۰	۸/۳۳	۲۰	۱۱/۱۱
		۲۶/۴	۲۰/۱۰	۵/۱۱	۱۲/۴۸	۸/۰۲	۱۰/۳۵
		a	ab	c	bc	c	c
							میانگین
							سطح
							معناداری

در آزمایش میانگین حداقل مربعات، انحراف استاندارد تاثیر تیمارهای مختلف بر شمار زایش‌های دوقلویی، ۳/۲۳ و انحراف استاندارد تاثیر گله‌های مختلف بر شمار زایش‌های دوقلویی، ۳/۴۸ بود. میانگین ۶ تیمار و میانگین ۷ گله ۱۳/۷۴ درصد بود. شمار میش‌هایی که دوقلو زایش کردند در مجموع میش‌هایی که تحت تیمار ۶ (دو بلوس مواد معدنی + eCG) قرار گرفتند بیشترین مقدار بوده، البته بین تیمار ۶ و ۵ (یک بلوس مواد معدنی + eCG)، اختلاف معنی‌داری در زمینه این پارامتر وجود نداشته است. بیشترین شمار زایش‌های دوقلویی در گله ۳ و ۴ و کمترین شمار زایش‌های دوقلویی در گله ۶ بوده است.

#### ۴-۴ میانگین وزن بره‌ها

میانگین وزن بره‌های زنده متولد شده (جمع وزن بره‌های زنده متولد شده بر تعداد بره‌های زنده متولد شده) از ۷۷۹ راس میش در معرض جفتگیری، ۳/۴۵ کیلوگرم بود.

جدول ۹: اثر بلوس، eCG، اثر متقابل بلوس در eCG، گله و مدل بر وزن بره‌ها (اعداد، سطح

معنی‌داری هستند).

Root MSE	C.V.	R-square	مدل	گله	بلوس × eCG	eCG	بلوس
۰/۲	۵/۸۳	۰/۴	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۳۳	۰/۰۱۵	۰/۸۷

از جدول ۹ می‌توان دریافت که تاثیر هورمون eCG بر وزن تولد بره‌ها در حد  $\alpha = 0/015$  معنادار است، یعنی می‌توان با اطمینان  $0/98$  گفت که تزریق عضلانی  $500$  واحد بین‌المللی هورمون eCG،  $24$  ساعت پیش از قوچ‌اندازی بر وزن تولد بره‌ها تاثیر مثبت بالایی داشته است، اما سایر متغیرهای مستقل تعریف شده در مدل، بر وزن تولد بره‌ها تاثیر معناداری نداشته‌اند.

### ۵- بحث

در قسمت بحث ابتدا تاثیر متغیرهای مستقل تعریف شده در مدل آزمایش بر فراسنجه‌های تولیدمثلی مورد بررسی قرار گرفته سپس هر کدام از فراسنجه‌ها با منابع در دسترس مقایسه و بحث می‌شود.

### ۵-۱ تاثیر متغیرهای مستقل مدل آزمایش بر فراسنجه‌های مورد بررسی

#### ۵-۱-۱ مکمل مواد معدنی

طبق نتیجه این تحقیق مکمل مواد معدنی بر افزایش نرخ زایش و بر کاهش نرخ قصری، تاثیر مثبت داشته است. همچنین بر نرخ تولیدمثلی، نرخ بره‌گیری، نرخ دوقلو زایی و بر شمار میش‌های دوقلوزا تاثیر مثبت داشته است و موجب افزایش توان باروری، توانایی حفظ آبستنی و توان زنده بره‌زایی میش‌ها و افزایش شمار زایش‌های دوقلو زایی شده است. مکمل مواد معدنی بر افزودن وزن تولد بره‌ها اثر مثبت معناداری ایجاد نکرده است. نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن است که مصرف دو بلوس مواد معدنی با یا بدون درمان eCG آشکارا نرخ زایش را نسبت به تیمار عدم مصرف بلوس و یا مصرف یک بلوس، افزایش داده است و نرخ قصری را کاسته است. مصرف دو بلوس مواد معدنی نرخ تولید مثلی (تعداد بره متولد شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری) را نسبت به تیمار عدم مصرف بلوس و یا مصرف یک بلوس (به ویژه نسبت به گروهی که بلوس دریافت نکردند) افزایش داده است. احتمالاً "بلوس‌های مورد

استفاده (در سطح دو عدد بلوس) توانسته مواد معدنی لازم برای واکنش‌های متابولیکی که برای کاپاسیته کردن اسپرم، جنبایی اسپرم و واکنش‌هایی که شرایط مناسبی را برای بلوغ اووسیت، برخورد اسپرم و اووسیت و لقاح و در نهایت حفظ آبستنی موجب می‌شوند را فراهم کند. نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌کند که برای نیل به نرخ زایش بالا در گله، کاستن از شمار میش‌های قصر، افزودن نرخ تولیدمثلی و افزایش احتمال زنده بره‌زایی میش‌ها، دو بلوس مواد معدنی یک ماه پیش از جفت‌گیری در میش‌های عشایری استان لرستان مصرف شود. استفاده از یک بلوس (یک ماه پیش از جفت‌گیری) نتوانست معیارهای تولیدمثلی نرخ زایش، قصری، تولیدمثل و بره‌زایی را نسبت به گروهی که بلوس استفاده نکرده بهبود بخشد در این موارد قابل توصیه نیست. چون طول دوام بلوس‌ها شش ماه می‌باشد، بلوس علاوه بر کمک به عملیات منتسب به هورمون eCG (افزایش شمار تخمک‌ریزی) به حفظ آبستنی (جلوگیری از باز جذب رویان، مرگ رویان، سقط جنین، مرده زایی زودرس) و تولد بره بیشتر برای هر گوسفند نیز کمک شایانی می‌کند. نتایج نشان داد که برای افزایش دوقلو زایی می‌توان از یک یا دو بلوس استفاده کرد. eCG، تخمدان را جهت افزایش تخمک‌ریزی تحریک می‌کند، تخمدان هم جهت فعالیت، نیاز به انرژی و مواد مغذی کافی دارد و متابولیسم مواد مغذی و تولید انرژی به مواد معدنی بسنده نیازمند است.

در تحقیقات گذشته نیز نشان داده شد که تیمار بلوس‌های آزاد کننده تدریجی (کمپلکس بعضی مواد معدنی و بعضی ویتامین‌ها) پیش از جفت‌گیری نسبت به تیمار شاهد، نرخ زایش، تولیدمثل (بره‌زایی) و دوقلو زایی را افزایش می‌دهد (۲۶). دریافت دهانی ۵ میلی‌گرم سدیم سلنیت، ۱۷ روز پیش از جفت‌گیری، نرخ قصری میش مرینو را نسبت به گروه شاهد ۱۷ درصد کاهش داد. در دو پژوهش جدا تزریق ۶ میلی‌گرم سلنیوم و ۲۷۲ واحد بین‌المللی ویتامین E، ۴ هفته پیش از جفت‌گیری، نرخ بره‌زایی (تعداد بره متولد شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری) را به ترتیب از ۷۴ درصد به ۱۱۸ درصد و از ۸۰ درصد به ۱۲۰ درصد افزایش داد (۲۶).

بلوس شکمبه ای حاوی برخی ویتامین و مواد معدنی با ویژگی آزادسازی مداوم بر میش بلاک فیس موجب شد که نرخ بهره‌زایی از ۱۲۴ درصد به ۱۵۲ درصد و نرخ دوقلوزایی از ۲۵ درصد به ۴۲ درصد در مقایسه با تیمار شاهد، افزایش یابد و درصد میش‌های قصر نسبت به گروه شاهد ۸ درصد کمتر بود، خوراندن ۵ میلی‌گرم سلنیوم (به صورت سلنیت سدیم) به میش‌ها در نیوزلند موجب شد که درصد بهره‌زایی از ۲۵ درصد به ۹۲ درصد افزایش یافته است (۲۵). تزریق درون‌ماهیچه‌ای ۶ میلی‌گرم سلنیوم که با ۲۷۲ واحد بین‌المللی ویتامین E ترکیب شده، در ۴ هفته قبل از جفت‌گیری بر روی میش‌های کوهستانی اسکاتلند به طور معنی‌داری، درصد چندقلوزایی را از ۱۰/۱ به ۲۹/۶ افزایش داد. البته در تحقیقات گذشته هیچگاه استفاده از بلوس مواد معدنی قبل از همزمانی فعلی استفاده نشده است. نتایج در تحقیق حاضر نشان داد که استفاده از این بلوس‌ها قبل از همزمانی فعلی می‌تواند تاثیر مثبت بر اکثر شاخص‌های تولید مثلی گوسفندان داشته باشد.

#### ۵-۱-۲ هورمون eCG

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در فصل تولیدمثلی تزریق عضلانی ۵۰۰ واحد بین‌المللی هورمون eCG، در زمان سیدربرداری و ۲۴ ساعت پیش از قوچ‌اندازی نسبت به گروهی که هورمون دریافت نکردند بر نرخ زایش و نرخ قصری اثر معنادار ندارد. در نتیجه با توجه به هزینه خرید هورمون، هزینه تزریق و همچنین تنش وارد بر دام ناشی از تزریق، برای بهبود بخشیدن نرخ زایش و کاستن از شمار میش‌های قصر در فصل تولیدمثلی، استفاده از هورمون eCG بی‌فایده است. اما بر نرخ تولیدمثلی، نرخ بهره‌گیری، نرخ دوقلوزایی، شمار میش‌های دوقلوزا و میانگین وزن تولد بره‌ها اثر مثبت معنادار دارد. در تحقیقات گذشته نشان داده شد که تزریق هورمون eCG در خارج فصل تولیدمثلی در میش کرمانی البته پس از عملیات هم‌زمان‌سازی فعلی موجب افزایش معنی‌دار نرخ آبستنی نسبت به تیمار شاهد شد. اثر سیدر و دوزهای مختلف eCG بر میش بلوچی در خارج فصل تولیدمثلی بررسی و گزارش شد که نرخ دوقلوزایی و بهره‌زایی در گروه‌هایی که

هورمون دریافت کردند، نسبت به گروه شاهد به طور معنادار بیشتر بود. تاثیر سیدر و تزریق eCG بر همزمان کردن فحلی و افزایش درصد دوقلو‌زایی میش‌های نژاد زندی در فصل جفتگیری بسیار مثبت ارزیابی شد (۳۴). در فصل تولیدمثلی (با تلقیح مصنوعی) تزریق ۵۵۰ واحد بین‌المللی eCG هم‌زمان با برداشت سیدر از واژن میش شال نسبت به تیمار شاهد، نرخ آبستنی بالاتری را موجب شد (۳۲).

در خارج فصل تولیدمثلی تزریق ۵۰۰ واحد بین‌المللی eCG هم‌زمان با برداشت ایمپلنت نورجستومت در میش کردی موجب شد که نرخ آبستنی نسبت به تیمار شاهد و تیماری که فقط ۵۰۰ واحد بین‌المللی eCG تزریق شد، افزایش معناداری ایجاد کند و موجب افزایش نرخ دوقلو‌زایی نسبت به دو تیمار ذکر شده شد و حتی زایش‌های سه‌قلویی هم در این تیمار وجود داشت.

#### ۵-۱-۳ اثر متقابل بلوس مواد معدنی و هورمون eCG

طبق نتایج حاصل از آزمایش، اثر متقابل بلوس مواد معدنی و eCG بر نرخ دوقلو‌زایی و شمار میش‌های دوقلوزا معنادار و مثبت است اما بر سایر فراسنجه‌های مورد بررسی اثر معنی‌دار ندارد. در اکثر فراسنجه‌های مورد ارزیابی وقتی دو بلوس با یا بدون eCG به دام خورانده شد باعث بهبود شد و در واقع تاثیر متقابل دیگر معنی‌دار نشد. ولی به دلیل تاثیر eCG در افزایش دوقلو‌زایی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت وقتی این با مصرف یک یا دو بلوس همراه می‌شود موجب افزایش دوقلو‌زایی می‌شود. میزان دوقلو‌زایی وقتی در دام‌ها از eCG استفاده می‌شود تفاوتی ندارد که یک یا دو بلوس مصرف شود. در مطالعات پیشین استفاده متقابل از روش‌های هم‌زمانی و هورمون‌های گونادوتروپینی با مصرف بلوس‌های آهسته‌رهش مواد معدنی به جز یک مورد که توسط دانشگاه زنجان انجام شده است، یافت نشد. عبداللهی (۴۱) هم در گزارش خود نشان داد که میزان دوقلو‌زایی در گروه شاهد ۱۳۰ درصد بود اما در تیماری که از سیدر و eCG به همراه دو بلوس استفاده شد به ۱۸۰ درصد رسید.



### ۵-۱-۴ تاثیر تیمارهای آزمایش بر فراسنجه‌های مورد بررسی

در تحقیق حاضر، بالاترین میانگین نرخ زایش و کمترین میانگین نرخ قصری در تیمار ۶ که دو بلوس مواد معدنی و هورمون eCG مصرف شد، به دست آمده است. احتمالاً در میشل‌هایی که از بابت مواد معدنی موجود در بلوس‌ها دچار کمبود بوده‌اند، با مصرف بلوس و تامین این عناصر ضروری در حد نیاز، شرایط مناسب از نظر فیزیولوژی و انواع ترشحات دستگاه تولیدمثل ماده برای عمل لقاح فراهم شده و تاثیر هورمون گونادوتروپین جفت مادیان برای تخمک‌ریزی به موقع تسهیل گشته است. دومین مقدار میانگین نرخ زایش در تیمار ۳ به دست آمده که با مصرف دو بلوس ماده معدنی و بدون وجود هورمون توانسته نرخ آبستنی و زایش بالا را ایجاد کند که نشانگر اهمیت عناصر معدنی ضروری برای کاپاسیته شدن اسپرم، فزون جنبایی اسپرم، ادامه یافتن تقسیم میوز اووسیت (پس از گامه دیکتایت)، بلوغ اووسیت، سرژ به موقع هورمون LH (که برای تخمک‌ریزی لازم است)، حرکت اووسیت به سمت جایگاه لقاح (پیوندگاه آمپولا-ایستموس)، فراهمی انرژی لازم برای نفوذ اسپرم در زوناپلوسیدا، لقاح کامل و تکمیل تقسیم میوز و تشکیل زیگوت است می‌باشد.

با توجه به نتیجه حاصله، تیمار ۵ نیز توانسته نرخ زایش قابل قبولی ایجاد کند که در واقع بیانگر این نکته است که ترکیبی از یک بلوس ماده معدنی و هورمون هم می‌تواند، درصد آبستنی و زایش را در گله به شکل معناداری افزایش دهد. بررسی تاثیر سه تیمار دیگر به طور اجمال نشان می‌دهد که مصرف هورمون eCG به تنهایی و یا یک بلوس به تنهایی تاثیر مثبت معناداری بر نرخ زایش ایجاد نمی‌کند.

در کل برای دستیابی به نرخ آبستنی و نرخ زایش بهینه و با توجه به عدم وجود تفاوت معنادار بین اثر تیمار ۶، ۵ و ۳ بر درصد زایش، مصرف دو بلوس مواد معدنی بدون وجود هورمون (پرهیز از هزینه تزریق و تنش وارده بر دام) یک ماه پیش از جفتگیری توصیه می‌شود.

بالاترین میانگین نرخ تولیدمثلی در تیمار ۶ که دو بلوس مواد معدنی و هورمون eCG مصرف شد به دست آمده است، دومین مقدار میانگین نرخ تولید مثلی در تیمار ۵ و ۳ به دست آمده و با توجه به عدم وجود تفاوت معنادار بین این دو تیمار، به نظر می‌رسد که تیمار سوم (مصرف دو بلوس ماده معدنی بدون وجود هورمون) بر تیمار ۵ (مصرف یک بلوس به اضافه هورمون) هم از نظر اقتصادی و هم از نظر پرهیز از تزریق هورمون به دام، برای افزایش شمار بره‌های متولد شده (و زنده متولد شده)، ارجحیت دارد. بررسی تاثیر سه تیمار دیگر به طور خلاصه نشان می‌دهد که مصرف هورمون eCG به تنهایی و یا یک بلوس به تنهایی، تاثیر مثبتی بر نرخ تولیدمثلی و نرخ بره‌گیری ایجاد نمی‌کند. در کل برای دستیابی به نرخ تولیدمثل بالا و زنده بره‌زایی بهینه، مصرف دو بلوس مواد معدنی یک ماه پیش از جفت‌گیری و تزریق هورمون eCG، ۲۴ ساعت پیش از قوچ‌اندازی منطقی و اقتصادی است.

بالاترین میانگین نرخ دوقلو زایی در تیمار ۶ که دو بلوس مواد معدنی و هورمون eCG مصرف شد به دست آمده است. دومین مقدار میانگین نرخ دوقلو زایی در تیمار ۵ به دست آمده، البته میانگین در تیمار سوم (مصرف دو بلوس ماده معدنی بدون وجود هورمون) نیز بالا بوده و چون بین تیمار ۳ و ۵ اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر پرهیز از تزریق هورمون به دام، برای افزایش شمار بره‌های متولد شده در هر زایش، تیمار ۳ بر ۵ ارجحیت دارد.

شمار می‌ش‌هایی که دوقلو زایش کردند در مجموع می‌ش‌هایی که تحت تیمار ۶ (دو بلوس مواد معدنی + eCG) قرار گرفتند بیشترین مقدار بوده، البته بین تیمار ۶ و ۵ (یک بلوس مواد معدنی + eCG)، اختلاف معنی‌داری در این پارامتر وجود نداشته است. پس به منظور افزایش شمار می‌ش‌های دوقلوزا، مصرف یک بلوس مواد معدنی، یک ماه پیش از جفت‌گیری و تزریق هورمون eCG، ۲۴ ساعت پیش از قوچ‌اندازی، توصیه می‌شود.

## ۵-۲ نرخ زایش

درصد زایش علاوه بر آن که توانایی آبستن شدن حیوان را نشان می‌دهد، توانایی حفظ آبستنی میش را هم نمایندگی می‌کند. بازجذب جنین توسط میش، مرگ زودرس رویانی (مرگ رویان پیش از تشکیل جفت) ، سقط جنین (دفع جنین مرده پیش از روز ۱۴۲ آبستنی) و مرده‌زایی زودرس [دفع نوزاد مرده پس از روز ۱۴۲ آبستنی و پیش از زمان زایمان طبیعی (تقریباً "۱۵۰ روزگی)] روی نداده است. اگر بره‌ای پس از روز ۱۴۲ آبستنی و پیش از تکمیل دوره کامل بارداری، زنده متولد شود، می‌تواند به حیات طبیعی ادامه دهد (۷۶). در این تحقیق رقم ۷۵/۰۶ درصد به عنوان میانگین زایش حاصل شده است.

میانگین نرخ زایش تیمار شاهد در خارج فصل تولیدمثلی در نژاد کردی ۱۷، در نژاد آمیخته مویی پشمی برزیلی ۵۰، در نژاد قره گل در شیراز ۸۳ و در میش آواسی ترکیه در فصل تولیدمثلی ۸۴/۶۲ درصد (۲۹) گزارش شد. میانگین درصد زایش تیمار شاهد در تحقیق ما که در میش لری در گله‌های عشایری و در فصل تولیدمثلی انجام شده بود، ۶۸/۳۴ بود. شرایط هر تحقیق، نژاد گوسفند، عوامل محیطی، تغذیه‌ای و مدیریتی عوامل تاثیر گذارند. در تحقیقی با ۶ تیمار (۱ = تزریق ۲۰ میلی گرم پروژسترون استات یک روز در میان به مدت ۱۲ روز، ۲ = سیدرگذاری، ۳ = اسفنج‌گذاری، ۴ = دو تزریق  $PGF_{2\alpha}$  به فاصله ۹ روز و تزریق ۵۰۰ واحد بین‌المللی eCG در هر ۴ تیمار، ۵ = دو تزریق  $PGF_{2\alpha}$  به فاصله ۹ روز، ۶ = تیمار شاهد) روی نژاد قره‌گل در شیراز در خارج فصل تولیدمثلی انجام شد. نرخ زایش نژاد قره‌گل به ترتیب تیمارها برابر بود با: ۶۴، ۷۵، ۹۰، ۴۴، ۳۶ و ۸۳ درصد (نرخ زایش تیمار مشابه در تحقیق ما ۷۱/۲ درصد است)، ۹۰، ۴۴، ۳۶ و ۸۳ درصد (نرخ زایش تیمار شاهد در تحقیق ما، ۶۸/۳۴ درصد بود).

در تحقیق دیگری (۳۲) در فصل تولیدمثلی ۶ تیمار شامل: تیمار شاهد، تزریق ۴۵۰، ۵۵۰، ۶۵۰ و ۷۵۰ واحد بین‌المللی eCG بعد از خروج سیدر در میش شال اجرا شد و تلقیح مصنوعی به روش لاپاراسکوپی انجام شد. نرخ آبستنی به ترتیب تیمارها

برابر بود با ۴۱/۶، ۵۰، ۷۵، ۷۵، ۵۸/۳ و ۵۰ درصد. در این تحقیق پیشنهاد شد که تزریق ۵۵۰ تا ۶۵۰ واحد eCG می‌تواند تاثیر مطلوبی در آبستنی ایجاد نماید. در تحقیق حاضر ۵۰۰ واحد eCG مصرف شد.

نرخ زایش در تیمار هم‌زمان سازی فحلی و تزریق eCG، در فصل تولیدمثلی در میش کرمانی ۶۲/۵ درصد (۳۶)، در میش زندی ۸۷ درصد (۳۴)، در میش کردی در خارج فصل تولیدمثل ۷۲ درصد، در میش آمیخته مویی پشمی برزیلی در خارج فصل تولیدمثل ۷۹ درصد گزارش شده است. در آزمایش ما، تیمار سیدرگذاری (۱۴ روزه) و تزریق ۵۰۰ واحد بین‌المللی eCG بدون استفاده از بلوس مواد معدنی ۷۱/۲ درصد نرخ زایش ایجاد کرده است. اختلاف نرخ زایش از ۶۰ تا ۸۰ درصد در گزارشات مختلف می‌تواند به دلیل اختلاف در فصل تولیدمثل، نوع مدیریت، تغذیه، نوع و دوره هورمون مورد استفاده و عوامل محیطی دیگر باشد.

میانگین نرخ آبستنی و زایش در تیمار مصرف بلوس مواد معدنی بدون روش‌های هم‌زمانی فحلی و نیز مصرف eCG در فصل تولیدمثلی در میش بلک‌فیس ۹۶/۷ درصد (۲۶) و در میش آواسی ترکیه ۱۰۰ درصد (۲۹) گزارش شده است. نرخ زایش تیمار مشابه در تحقیق ما در سطح مصرف یک بلوس ۶۷/۷۵ درصد و در سطح دو بلوس، ۸۱/۱۵ درصد است. نوع بلوس مصرفی در این گزارشات متفاوت بوده است و نیز نژاد و دیگر عوامل محیطی می‌تواند تاثیر به‌سزایی در نتایج تیمارهای اعمال شده داشته باشد. میانگین نرخ زایش در میش نژاد افشاری در فصل تولیدمثلی ۹۱/۲۵ درصد گزارش شد، تیمارهای آزمایش میش افشاری شامل: (۱ = شاهد، ۲ = مصرف ۱ بلوس مواد معدنی، ۱/۵ پیش از جفت‌گیری، ۳ = مصرف ۲ بلوس مواد معدنی، ۱/۵ پیش از جفت‌گیری، ۴ = سیدرگذاری به مدت ۱۴ روز و تزریق ۴۰۰ واحد بین‌المللی eCG در زمان برداشت سیدر، ۵ = مصرف ۱ بلوس مواد معدنی ۱/۵ ماه پیش از جفت‌گیری، سیدرگذاری به مدت ۱۴ روز و تزریق ۴۰۰ واحد بین‌المللی eCG در زمان برداشت سیدر، ۶ = مصرف ۲ بلوس مواد معدنی ۱/۵ ماه پیش از جفت‌گیری، سیدرگذاری به

مدت ۱۴ روز و تزریق ۴۰۰ واحد بین‌المللی eCG در زمان برداشت سیدر، که نرخ زایش به ترتیب تیمارها برابر بود با: ۹۰، ۸۰، ۹۰، ۱۰۰ و ۱۰۰ درصد (۴۱). نرخ زایش در تیمارهای مشابه در تحقیق ما به ترتیب برابر است با ۶۸/۳۴، ۶۷/۷۵، ۸۱/۱۵، ۷۱/۲، ۷۵/۸۶ و ۸۶/۰۸ درصد. این اختلاف شاید مربوط به نژاد و یا نحوه و مدیریت نگهداری مربوط می‌شود. تحقیق حاضر در گله‌های عشایری و بدون هیچ‌گونه کنترلی بر نوع تغذیه انجام شده است در حالی که در تحقیق مورد اشاره (۴۱) گوسفندان در مزرعه دامپروری دانشگاه زنجان نگهداری می‌شدند که مدیریت کنترل شده و نیز تغذیه اضافی داشته‌اند.

### ۵-۳ نرخ قصری

درصد قصری تقریباً "حاصل تفاضل عدد ۱۰۰ از نرخ آبستنی است با دانستن درصد آبستنی می‌توان نرخ قصری را به دست آورد. رقم ۲۴/۹۴ درصد به عنوان نرخ قصری در این تحقیق، به دست آمد. برای میش‌های همزمان شده نرخ کمتر از ۳۰ درصد قصری پیشنهاد شده است.

میانگین درصد قصری تیمار شاهد در خارج فصل تولیدمثلی در گوسفندان کردی ۸۳ درصد، در نژاد آمیخته مویی پشمی برزیلی ۵۰ درصد، در نژاد قره گل در شیراز ۱۷ درصد، در میش آواسی ترکیه در فصل تولیدمثلی ۷/۷ درصد (۲۹)، در میش بلک فیس در فصل تولیدمثلی ۵ درصد (۲۶) و در میش افشاری ۸/۷۵ درصد (۴۱) گزارش شد. میانگین درصد قصری تیمار شاهد در تحقیق ما که بر میش لری در گله‌های عشایری در فصل تولیدمثلی انجام شده بود، ۳۱/۶۶ بود. برای میش‌ها با جفت‌گیری طبیعی میانگین نرخ قصری تا ۵ درصد مطلوب است، میانگین بالای ۳۰ درصد در تیمار شاهد این تحقیق شاید به دلیل حذف قوچ بعد از جفت‌گیری از گله باشد. همین‌طور، دیگر عوامل مثل ضعف در مراتع و در نتیجه تغذیه ضعیف و نیز مدیریت ضعیف می‌تواند باعث این میزان بالای قصری در گله عشایری مورد مطالعه استان لرستان باشد.

میانگین نرخ قصری در تیمار مصرف بلوس مواد معدنی در فصل تولیدمثلی در میش بلک فیس ۳/۳ درصد (۲۶) و در میش آواسی ترکیه صفر درصد (۲۹) گزارش شد. نرخ قصری تیمار مشابه در تحقیق ما در سطح مصرف یک بلوس ۳۲/۲۵ درصد و در سطح دو بلوس، ۱۸/۸۵ درصد است. این نتایج نشان داد که مصرف دو بلوس مواد معدنی می‌تواند میش‌های قصر را کاهش دهد. نرخ بالای قصری شاید به همان دلایل ذکر شده قبل، از قبیل حذف قوچ از گله باشد.

عبداللهی (۴۱) میانگین نرخ قصری را در میش نژاد افشاری در فصل تولیدمثلی ۸/۷۵ درصد گزارش کرد. تحقیق حاضر در گله‌های عشایری و بدون هیچ‌گونه کنترلی بر جفتگیری و نوع تغذیه انجام شده است در حالی که در تحقیق مورد اشاره (۴۱) گوسفندان در مزرعه دامپروری دانشگاه زنجان نگهداری می‌شدند که مدیریت کنترل شده و نیز تغذیه اضافی داشته‌اند. جفتگیری دام‌ها نیز در مزرعه دامپروری دانشگاه زنجان کنترل شده انجام شده است.

#### ۴-۵ نرخ تولیدمثلی و محصول بره

در تحقیق حاضر میانگین نرخ تولیدمثلی (تعداد بره متولد شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری) و محصول بره (تعداد بره زنده متولد شده بر تعداد میش در معرض جفت‌گیری) در تمام تیمارها ۸۵/۶۴ و ۸۳/۹۱ بود که در واقع از هر ۱۰۰ میش در معرض جفت‌گیری، ۱/۷۳ بره مرده متولد شده است. میانگین نرخ تولیدمثلی در فصل تولیدمثلی در ۳ تحقیق جداگانه بر میش نیوزلندی، ۹۶، ۵۸/۵ و ۱۰۰ درصد (۲۶)، در میش آتابای ۱۰۳/۳۳ (۵۷) و در میش آواسی ۱۰۷/۷ درصد (۲۹) گزارش شد.

میانگین نرخ تولیدمثلی (بهره‌زایی) در تیمار شاهد در نژاد آواسی که جفت‌گیری در فصل تولیدمثلی انجام شده بود ۱۰۰ درصد و در تیمار مصرف مکمل مواد معدنی ۱۱۵/۳۸ درصد اعلام شد (۲۹). نرخ تولیدمثلی تیمار شاهد در آزمایش ما ۷۵/۲۲ و در تیمار مصرف یک بلوس مواد معدنی ۷۳/۱۲ درصد و در تیمار مصرف دو بلوس مواد

معدنی ۹۰/۹۹ درصد است. این نتایج نشان داد که مصرف دو بلوس مواد معدنی نرخ تولیدمثلی را افزایش داد.

میانگین درصد بره‌زایی در میش نژاد افشاری (جفت‌گیری در طول روز کوتاه) ۱۲۳/۷۵ درصد گزارش شد، نرخ تولیدمثلی در تیمارهای آزمایش میش افشاری که قبلاً گزارش شد به ترتیب تیمارها برابر بود با: ۱۲۰، ۱۲۰، ۱۲۰، ۱۳۰ و ۱۸۰ درصد (۴۱). نرخ تولیدمثلی تیمارهای مشابه در آزمایش ما به ترتیب برابر است با: ۷۵/۲۲، ۷۳/۱۲، ۹۰/۹۹، ۷۳/۸۷، ۹۱/۱۱ و ۱۰۹/۵۴ درصد.

#### ۵-۵ نرخ چندقلوزایی و درصد میش‌های دوقلوزا:

در تحقیق حاضر شمار میش‌های دوقلوزا (تعداد زایش‌های دوقلویی به تعداد کل زایش‌ها)، ۱۳/۷۴ درصد بود و نرخ دوقلوزایی ۱۱۳/۴۵ درصد بود. درصد میش‌های دوقلوزا در نژاد زندی، ۷ درصد گزارش شده است (۴۱)، سعادت نوری و سیاه منصور (۱۳۷۵) درصد دوقلوزایی گوسفندان شال، قره‌گل، لری، بلوچی، ماکویی، مغانی و کردی را به ترتیب ۳۵، بیشتر از ۲۵، بیشتر از ۲۵، ۱۰ تا ۱۵، ۵، ۱۰ و ۵ درصد گزارش کردند. توکلیان (۱۳۷۸) درصد دوقلوزایی گوسفند نژاد افشاری را ۱۰/۹۳ درصد گزارش کرد. گوسفندان لری در شرایط عشایری و تغذیه در مرتع در گروه شاهد که تحت تاثیر هیچ تیماری قرار نداشت حدود ۱۰ درصد دوقلوزایی داشت.

در تحقیقی در بارسلونای اسپانیا طی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۸، از تعداد ۴۰۴ میش نژاد ریپولزا، که در شمال شرقی اسپانیا زندگی می‌کند، ۱۷۶۵ بره متولد شد که در کل در هر زایش ۰/۰۱ ± ۱/۴۹ بره متولد شد و تعداد زایش‌های یک‌قلویی ۵۳/۸ درصد، زایش‌های دوقلویی ۴۴/۱ درصد و زایش‌های سه‌قلویی ۱/۹ درصد و تعداد زایش‌های چهارقلویی ۰/۲ درصد بود (۱۲). طبق تحقیقی که در فصل تولیدمثلی روی سه زیرشاخه میش بیابانی سودان انجام شده، نرخ دوقلوزایی به ازای هر راس میش زایش کرده در زیر شاخه شاگور، زیر شاخه دابیسی و زیرشاخه وتیش (نژادهای سودانی) به ترتیب برابر است ۱/۳، ۱/۱۸ و ۱/۱۷. پژوهشی بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۹ روی میش

نژاد بلوچی در مشهد صورت گرفت و داده‌های سه بازه زمانی برابر نشان داد که نرخ دوقلو‌زایی نژاد بلوچی در سه بازه به ترتیب برابر است با ۱/۰۷، ۱/۱۵ و ۱/۲۱ (به ازای هر راس میش زایش کرده). از هر راس میش لری-بختیاری زایش کرده (میانگین ۱۷ سال رکورد) ۱/۱۷ بره متولد شد. تحقیقی در فرانسه طی ۱۱ سال روی میش نژاد لکان موجود در ۵۷ گله انجام شد که نشان می‌داد به طور میانگین از هر راس میش زایش کرده، ۱/۷۲ بره متولد شده است. در هر زایش میش فینیش لاندراک (فین) موجود در ایرلند که در فصل فحلی جفت‌گیری کند، ۲/۶ بره متولد می‌شود و در هر زایش میش گلوی موجود در ایرلند که در فصل فحلی جفت‌گیری کند، ۱/۵ بره متولد می‌شود (۲۳). از هر میش زل در هر زایش به طور میانگین ۱/۲۴ بره متولد می‌شود (۶). در تحقیقی که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۵ بر میش افشاری در استان زنجان انجام شد، اعلام کردند که از هر میش زایش کرده، ۰/۳۱ ± ۱/۱۵ بره متولد شده است.

میانگین زایش‌های دوقلو در تیمار شاهد در خارج از فصل تولیدمثلی در میش کردی ۱۰ درصد (نرخ بارداری ۱۷ درصد بود) و در تیمار شاهد از هر راس میش برزیلی زایش کرده، ۱ بره متولد شد. نرخ دوقلو‌زایی در تیمار شاهد در میش آواسی با جفت‌گیری در فصل تولیدمثل ۱۱۸/۱۸ درصد (۲۹) گزارش شد. از هر راس میش لری زایش کرده در تیمار شاهد تحقیق حاضر ۱/۱ بره متولد شد.

در تیمار هم‌زمان سازی فحلی و تیمار محرک تخم‌ریزی (تزریق eCG) در خارج فصل تولیدمثلی در میش کردی، درصد میش‌های دوقلوزا ۳۹ و درصد میش‌های سه قلوزا ۱۱ (نرخ بارداری ۰/۷۲ بود) و از هر راس میش برزیلی زایش کرده، ۱/۲ بره متولد شد. درصد میش دوقلوزا در تیمار مشابه در تحقیق ما ۵/۱۱ و نرخ دوقلو‌زایی در تیمار مشابه در تحقیق ما، ۱۰۳/۳۳ درصد بود.

درصد میش‌های دوقلوزا در فصل جفت‌گیری در میش نژاد زندی، ۳۱/۲۳ درصد (۳۴) در میش‌های بلک‌فیس ۴۱/۸۷ درصد (۲۶) در میش‌های دوقلوزای نژاد کوهستانی اسکاتلند، ۱۹/۸۵ درصد گزارش شد.



میانگین نرخ دوقلوزایی در تیمار مصرف مکمل مواد معدنی در میش آواسی (جفت‌گیری در فصل تولیدمثل) ۱۱۵/۳۸ درصد (۲۹) و در میش لری عشایری تحقیق ما، در تیمار مصرف یک بلوس مواد معدنی ۱۰۸/۰۲ درصد و در تیمار مصرف دو بلوس مواد معدنی ۱۱۲/۴۸ درصد بود.

تحقیقی در امریکا طی ۴ سال روی ۱۳۱ میش دورگه فینیش لاندراک انجام شد. نشان داد که در مجموع میش‌ها و فصول مختلف، از هر راس میش زاییده، ۲/۰۳ بره متولد می‌شود و اگر جفت‌گیری در ژانویه تا اپریل (دی تا فروردین ماه = زمستان) انجام شده باشد از هر میش زایش کرده، ۲/۲۱ بره متولد می‌شود و مجموع داده‌های حاصل از جفت‌گیری‌های زمستان، بهار و تابستان (ژانویه تا سپتامبر) نشان داد که از هر میش زایش کرده، ۱/۹۴ بره متولد شده است و مجموع داده‌های حاصل از جفت‌گیری در بهار و تابستان (اپریل تا سپتامبر) نشان داد که از هر میش زایش کرده، ۱/۹۳ بره متولد شده است. میانگین تعداد بره متولد شده از هر راس میش قره گل زایش کرده (آمیزش در خارج فصل تولیدمثل) ۱/۳۲۵ است که از نتیجه تحقیق ما بالاتر است.

از مجموع ۵۸۴۹۳ داده از ۲۶ گله میش راسا آراگونزا (نژادی مدیترانه‌ای گوشتی در شمال اسپانیا) که طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵ به دست آمد، مشخص شد که از هر زایش به طور میانگین ۱/۳۵ بره متولد شده است و توزیع زایش‌ها بدین ترتیب بود: ۶۵/۲۱ درصد یک قلو، ۳۳/۸۱ درصد دوقلو و ۰/۹۸ درصد سه قلویی (۴۱ و ۳) پژوهشی طی ۴ سال (داده‌های فصل پاییز) بر روی نژاد رمبولی صورت گرفت که میانگین نرخ چندقلوزایی در ۶۸۷ میش در معرض جفت‌گیری (۵۷۷ راس میش زایش کرده)، ۱۲۶/۶۷ درصد بود.

### ۵-۶ وزن تولد بره

رشد جنین میش تا اواخر ماه سوم آبستنی کم است به طوری که وزن جنین در ماه سوم حدود ۱۵ درصد وزن تولد بره‌ها می‌باشد. وزن دو جنین در یک میش دوقلوزا در ۹۰ روزگی آبستنی حدود ۱/۵ کیلوگرم می‌باشد (۷۲)، همچنین تا انتهای ماه سوم،

رشد جفت کامل شده و به وزن نهایی خود که حدود یک کیلوگرم است می‌رسد. طی این دوره (تا انتهای ماه سوم آبستنی)، محدودیت مواد غذایی (برای مثال ۵۰ درصد)، به شدت، رشد و مورفولوژی جفت را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۲۴). در انتهای ماه سوم آبستنی، دیواره رحم از شش لایه به هفت لایه و وزن آن در حدود ۰/۸ کیلوگرم و وزن مایعات جنینی نیز حدود ۱/۵ کیلوگرم افزایش می‌یابد. در نتیجه وزن یک میش که به ظاهر در طول سه ماه اول آبستنی نباید افزایش یابد، حداقل به میزان ۴/۵ کیلوگرم تغییر می‌یابد (۳۳).

اگر مواد غذایی مورد نیاز برای میش در سه ماهه اول آبستنی تامین نشود، مقدار لازم برای افزایش وزن جنین و پرده‌های جنینی از بافت‌های بدن میش جبران می‌شود و در نتیجه ۰/۵ واحد نمره وضعیت بدن حیوان کاهش می‌یابد. تا دو ماه قبل از زایش، جفت به طور کامل رشد نموده ولی جنین فقط ۱۵ درصد وزن تولد خود را دارد. در این زمان بافت‌ها و اندام‌های عمده جنین تشکیل شده و پس از این مدت، اندازه و وزن آن‌ها افزایش می‌یابد. در ماه‌های آخر آبستنی (ماه‌های چهارم و پنجم) وزن رحم و محتویات آن با توجه به اندازه میش و تعداد جنین‌ها بین ۳-۶ کیلوگرم می‌باشد. این مقدار حدود یک سوم وزن رحم‌های آبستن بلافاصله قبل از زایمان است. حدود ۸۵ درصد از رشد جنین در دو ماه آخر آبستنی و تقریباً ۷۰ درصد رشد جنین طی شش هفته آخر آبستنی انجام می‌گیرد (۳۳).

کویانکا و پرلیکایا (۲۰۰۷) اعلام کردند که مکمل سلنیوم و ویتامین E موجب افزایش وزن تولد بره می‌شود. گاردنر و همکاران (۲۰۰۷) گزارش دادند که مواد معدنی اثر مستقیمی بر مکانیسم‌های دخیل در رشد رویان و پیشرفت جنین دارند که این مکانیسم‌ها با شاخصه وزن تولد بره‌ها ارتباط نزدیک دارند و هم‌چنین با افزایش تعداد بره در هر زایش، وزن تولد کاهش می‌یابد. کاراکوس و همکاران معتقدند که وزن تولد بره‌های نر بیش‌تر از بره‌های ماده است (۲۹).

میانگین وزن تولد بره‌های یک‌قلویی و دوقلویی به ترتیب ۵/۱۹ و ۴/۱۹ کیلوگرم اعلام شد. میانگین وزن تولد بره‌های نر و ماده به ترتیب ۴/۸۴ و ۴/۵۴ بود و میش‌های ۴ تا ۷ ساله به طور معناداری بره‌های سنگین‌تری نسبت به میش‌های ۲ و ۳ ساله زاییدند. دامنه وزن تولد بره‌ها در این تحقیق بین حدود ۳ تا ۴/۱ کیلوگرم بود که کمتر تحت تاثیر تیمارها قرار داشت. در گذشته هم وزن تولد بره‌های لری در همین حدود گزارش شده است.

## منابع

1. Abdelrahman MM, Abo-Shehada N, Mukbel RM. Effect of stage of gestation on the accumulation of copper, manganese, zinc, iron and calcium in fetal tissue of Awassi ewes in Northern Jordan. *Jordan J Agricultural Sci* 2006;2: 38-45.
2. Abdullah A, Husein M, Kridli R. Protocols for estrus synchronization in Awassi ewes under arid environmental conditions. *Asian-australasian Journal of Animal Sciences* 2002;15: 957-962.
3. Altarriba J, Varona L, García-Cortés LA, Moreno C. Bayesian inference of variance components for litter size in Rasa Aragonesa sheep. *Journal of Animal Science* 1998;76: 23-28.
4. Amer HA, Hazzaa AM. The effect of different progesterone protocols on the reproductive efficiency of ewes during the non-breeding season. *Veterinarski Arhiv* 2009;79: 19-30.
5. Analla M, Montilla J, Serradilla J. Analyses of lamb weight and ewe litter size in various lines of Spanish Merino sheep. *Small Ruminant Research* 1998;29: 255-259.
6. Asadpour R, Jafari-Joozani R, Alijani S, Mahmodi H. Detection of polymorphism in Booroola gene (FecB) and its association with litter size in Zel sheep breed in Iran. *Slovak Journal of Animal Science* 2012;45: 63-66.
7. Asghari SR, Irajeyan GH, Buesagh H. Genetic polymorphism FecB and BMP15 genes and its association with litter size in Sangsari sheep breed of Iran. *Journal of Animal and Veterinary Advances* 2009;8: 1025-1031.
8. Basini G, Tamanini C. Selenium stimulates estradiol production in bovine granulosa cells: possible involvement of nitric oxide. *Domestic Animal Endocrinology* 2000;18: 1-17.
9. Beckett GJ, Arthur JR. Selenium and endocrine systems. *Journal of Endocrinology* 2005;184: 455-465.
10. Bucholtz DC, Chiesa A, Pappano WN, Nagatani S, Tsukamura H, Maeda KI, Foster DL. Regulation of pulsatile luteinizing hormone secretion by insulin in the diabetic male lamb. *Biology of Reproduction* 2000;62: 1248-1255.
11. Burke J, Miller J. Control of *Haemonchus contortus* in goats with a sustained-release multi-trace element/vitamin ruminal bolus containing copper. *Veterinary Parasitology* 2006;141: 132-137.
12. Casellas J, Caja G, Piedrafita J. Accounting for additive genetic mutations on litter size in Ripollesa sheep. *Journal of Animal Science* 2010;88: 1248-1255.
13. Dorostkar M, Arough H, Shodja J, Rafat S, Rokouei M, Esfandyari H. Inbreeding and inbreeding depression in Iranian Moghani sheep breed. *Journal of Agricultural Science and Technology* 2012;14: 549-556.
14. Ensminger ME, Parker R. *Sheep & goat science: The Interstate Printers & Publishers, Inc.*, 1986.

15. Fleisch A, Werne S, Heckendorn F, Hartnack S, Piechotta M, Bollwein H, Thun R, Janett F. Comparison of 6-day progestagen treatment with Chronogest® CR and Eazi-breed™ CIDR® G intravaginal inserts for estrus synchronization in cyclic ewes. *Small Ruminant Research*.
16. Fleming TP, Lucas ES, Watkins AJ, Eckert JJ. Adaptive responses of the embryo to maternal diet and consequences for post-implantation development. *Reproduction, Fertility and Development* 2011;24: 35-44.
17. Gelez H, Archer E, Chesneau D, Lindsay D, Fabre-Nys C. Role of experience in the neuroendocrine control of ewes' sexual behavior. *Hormones and Behavior* 2004;45: 190-200.
18. Godfrey R, Collins J, Hensley E, Wheaton J. Estrus synchronization and artificial insemination of hair sheep ewes in the tropics. *Theriogenology* 1999;51: 985-997.
19. Godwin K, Fraser F. Abnormal electrocardiograms, blood pressure changes, and some aspects of the histopathology of selenium deficiency in lambs. *Experimental Physiology* 1966;51: 94-102-108.
20. Gordon IR. Laboratory production of cattle embryos: I. Gordon: CABI, 2003.
21. Gottfredson R. Hormonal control of ewe reproduction. Department of Animal, University of Wisconsin-Madison 2001.
22. Hamra AH, McNally JW, Marcek J, Carlson KM, Wheaton J. Comparison of progesterone sponges, cronolone sponges and controlled internal drug release dispensers on fertility in anestrous ewes. *Animal Reproduction Science* 1989;18: 219-226.
23. Hanrahan J. Ovulation rate as the selection criterion for litter size in sheep, 1980.
24. Heasman L, Clarke L, Stephenson T, Symonds M. The influence of maternal nutrient restriction in early to mid-pregnancy on placental and fetal development in sheep. *Proceedings of the Nutrition Society* 1999;58: 283-288.
25. Hemingway R. The influences of dietary intakes and supplementation with selenium and vitamin E on reproduction diseases and reproductive efficiency in cattle and sheep. *Veterinary Research Communications* 2003;27: 159-174.
26. Hemingway R, Parkins J, Ritchie N. Enhanced reproductive performance of ewes given a sustained-release multi-trace element/vitamin ruminal bolus. *Small Ruminant Research* 2001;39: 25-30.
27. Holmes RWL. Sustained release capsules: US Patent 20,120,123,394, 2012.
28. Hostetler CE, Kincaid RL, Miranda MA. The role of essential trace elements in embryonic and fetal development in livestock. *The Veterinary Journal* 2003;166: 125-139.
29. Kara C, Orman A, Topal E, Çarkungöz E. Effects of Supplementary Nutrition in Awassi Ewes on Sexual Behaviors and Reproductive Traits. *J Biol Environ Sci* 2010;4: 15-21.
30. Kendall N, Jackson D, Mackenzie A, Illingworth D, Gill I, Telfer S. The effect of a zinc, cobalt and selenium soluble glass bolus on the trace element status of extensively grazed sheep over winter. *Animal Science-Glasgow* 2001;73: 163-170.

31. Kendall N, Mackenzie A, Telfer S. The trace element and humoral immune response of lambs administered a zinc, cobalt and selenium soluble glass bolus. *Livestock Science* 2012.
  32. Kermani Moakhar H, Kohram H, Zareh Shahneh A, Saberifar T. Ovarian response and pregnancy rate following different doses of eCG treatment in Chall ewes. *Small Ruminant Research* 2011.
  33. Khaldari M, Kashan N, Afzalzadeh A, Salehi A. Performance of crossbred lambs from fat-tailed and thin-tailed sheep breeds, 2006;04-29.
  34. Khaldari M, Tajik P, Afzalzadeh A, Farzin N. Efficacy of CIDR and eCG on oestrous synchronization and twinning rate Zandi ewes during the breeding season. *Journal of Veterinary Research* 2004.
  35. Knights M, Baptiste Q, Dixon A, Pate J, Marsh D, Inskip E, Lewis P. Effects of dosage of FSH, vehicle and time of treatment on ovulation rate and prolificacy in ewes during the anestrus season. *Small Ruminant Research* 2003;50: 1-9.
- ۳۶- اصول نگهداری و پرورش گوسفند، دکتر منوچهر سعادت‌نوری و دکتر صدراالله سیاه‌منصور، انتشارات اشرفی.
- ۳۷- توکلیان، ج. ۱۳۷۸. نگرشی بر ذخایر ژنتیکی دام و طیور بومی ایران. موسسه تحقیقات علوم دامی کشور، کرج.
- ۳۸- سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور. پایگاه ملی داده‌های علوم زمین کشور.
- ۳۹- سازمان صنایع و معادن استان لرستان.
- ۴۰- ضوابط و شرایط بهره‌برداری صحیح از مرتع به منظور چرای دام، مهندس عسگر علی‌زاده و مهندس فاطمه مهدوی، نشریه ترویجی، وزارت جهاد کشاورزی، چاپ اول ۱۳۸۲.
- ۴۱- عبدالهی، آ. ۱۳۸۹. تاثیر بلوس‌های فروبلوک بر افزایش درصد بهره‌زایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- ۴۲- مجله کشاورزی منم کشاورز، منابع طبیعی و مرتع. مهندس یداله ظروفی ۱۳۸۵.
- ۴۳- مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان پل‌دختر، مهندس خادمی.
- ۴۴- مرتع‌داری. دکتر هادی کریمی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم ۱۳۸۶.
- ۴۵- مرتع و مرتع‌داری، دکتر محمدرضا مقدم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم ۱۳۸۶.



## نقش فرهنگ و مدیریت جهادی در تحقق جهاد اقتصادی به منظور

### توسعه فرهنگی اجتماعی جامعه عشایری

دکتر محمدتقی امانپور

#### چکیده:

عشایر به عنوان ذخایر انقلاب در کشور شناخته شده‌اند. با توجه به اهمیت این جامعه در کشور، جهاد اقتصادی در این جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. عشایر با بیش از ۲۱۲ هزار خانوار و جمعیتی بالغ بر ۱/۲ میلیون نفر که ۳۲ میلیون هکتار از مراتع و ۲۸٪ دام کشور را در اختیار داشته و ۳۵٪ صنایع دستی و ۲۰٪ پروتئین موردنیاز کشور را تولید می‌کنند و حامل بخش مهمی از سنت‌ها و خرده فرهنگ‌های ایرانی هستند، لازم است در «جهاد اقتصادی» به آنها توجه بیشتری صورت پذیرد. هدف این مقاله، تبیین نقش فرهنگ جهادی و راهکارهای عملی برای رسیدن به توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه عشایری است. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است.

نتایج حاصله نشان می‌دهد با توجه به نقش تاریخی و اقتصادی و اجتماعی عشایر در کشور، باید با استفاده از دانش بومی، احیای فرهنگ و ارزشهای غنی و تاریخ ساز جامعه عشایری و استفاده کارآمد از مدل‌های توسعه‌ای بخصوص آن دسته از زیرمدل‌ها که موضوعیت دام و مرتع و حوزه‌های آبخیز را شامل می‌شود، بایستی امکان زندگی پرنشاط تر، سرزنده تر و کارآمدتر را برای جامعه عشایری فراهم کرد.

**کلید واژه‌ها:** جهاد اقتصادی، عشایری، توسعه پایدار، آبخوان داری، دام و مرتع.



**مقدمه:**

مقام معظم رهبری همه ساله در پیام‌های نوروزی خود به منظور کاربردی کردن و جهت دادن به مطالبات مردم و مسئولین در کسب فیض از رهنمودهای معظم له شعار سالیانه‌ای را مطرح می‌فرمایند که خیر و برکت‌های بسیاری در جهت دادن به تلاش‌ها و اقدامات دست اندرکاران و مردم فراهم می‌کند. ایشان سپس در سخنرانی‌ها و دیدارهای بعدی، ابعاد موضوع را شکافته و شعار سال را به صورت همه جانبه تبیین می‌کنند. همچنین به نکات اساسی و مهمی در اجرایی کردن شعار سال توجه می‌دهند از جمله:

- ۱- توجه محوری مردم و مسئولین به شعار سال و ارائه طرح و برنامه برای اجرایی کردن شعار مذکور در حوزه وظایف و مسئولیت‌ها و خدماتی که ارائه می‌کنند.
- ۲- توجه محوری به شعار سال، نوعی اولویت دادن به موضوع مذکور است و نباید از دیگر وظایف اساسی که به صورت جاری طبق روال صورت می‌گیرد، غفلت شود.
- ۳- شعارها سالیانه است؛ اما باید توجه شود که شعار هر سال، اگر چه در همان سال محور تمرکز و توجه است، اما در سال‌های بعد نیز باید ادامه یابد و تحقق اهداف شعار سال باید در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دنبال شود.
- ۴- نوعی همگرایی و نگاه سیستمی باید در اجرای شعارهای سالیانه مورد توجه باشد به گونه‌ای که توجه و تمرکز در اجرایی کردن یک شعار، اسباب انجام اقداماتی برخلاف شعارهای سال‌های قبل نباشد؛ مثلاً نمی‌توان به بهانه جهاد اقتصادی، انسجام ملی را خدشه دار کرد و امثال آن.
- ۵- پشتوانه و مرجع قرار دادن اسناد بالادستی نظام، مثل چشم انداز بلند مدت توسعه پایدار ملی، برنامه‌های درازمدت و میان مدت، نقشه جامع علمی کشور، الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت و امثال آن لازم است در همه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات برای اجرایی کردن شعارهای سالیانه، مورد توجه قرار گیرد.

### بخش اول: تبیین مفاهیم و شاخص‌ها

قبل از هرگونه اقدام و برنامه‌ریزی لازم است مفاهیم و تعاریف تبیین شود تا برنامه‌ریزی‌های ملی، بخشی و منطقه‌ای که توسط هر فرد حقیقی، حقوقی، دستگاه مسئول، دست‌اندرکاران و ذینفعان صورت می‌گیرد از فرهنگ و مفاهیم و تعاریف واحدی تبعیت کند. لذا تلاش بر آن است که هرچند مختصر به این مهم پرداخته شود و با فراهم کردن فهم عمومی مشترک، برنامه‌ها و اقدامات از همگرایی بیشتری برخوردار شود.

#### فرهنگ و مدیریت جهادی:

فرهنگ و مدیریت جهادی، میراث ارزشمند اجرایی کردن فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی، در تأسیس نهضت مقدس جهادسازندگی است.

مطالعات جامع و متعددی در خصوص فرهنگ و مدیریت جهادی صورت گرفته است که حاصل آن فهرست کردن بیش از یکصد مورد عنوان شاخص و ارزش در شناسایی و کاربرست دانش تولید شده در حوزه فرهنگ و مدیریت جهادی شده است.

از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از:

(۱) همه با هم جهادسازندگی، سرلوحه انسجام و وحدت ملی برای خدمتگزاری همه جانبه.

(۲) تلاش خستگی ناپذیر و مستمر، رویکردی به منظور تلاش تا دستیابی به اهداف.

(۳) کار و تلاش و خدمت را عبادت تلقی کردن، گامی در جهت فرهنگ‌سازی برای فعالیت خالصانه و صادقانه.

(۴) دانش محور نمودن فعالیت‌ها در چارچوب جهاد علمی و تحقق دانش بنیان شدن اداره کشور.

(۵) توجه عمیق و کاربردی به آموزه‌های دینی در انجام وظایف و خدمتگزاری.

- ۶) ولایت مداری و همسویی و تقویت نظام اسلامی در همه فعالیت‌ها.
- ۷) توجه درازمدت به دستاوردها، فعالیت‌ها و خدمات با ماهیت جامع‌نگری، کار سیستمی و الگوپذیری در جهت تحقق توسعه پایدار ملی.
- ۸) فراهم کردن زمینه رشد و تعالی شخصیت انسانی در فرایند فعالیت و خدمت.
- ۹) یاری‌رسانی به دیگران در انجام موفق فعالیت‌ها و شادمانی از توفیقات آنها.
- ۱۰) نهایت مدارا و همراهی با همکاران سازمان، خدمتگزاران نظام و اتخاذ مواضع روشن و قاطع در برابر دشمنان و توطئه‌گران.
- ۱۱) حفاظت و صیانت از دستاوردهای مادی و معنوی نظام و تلاش در جهت غنی‌سازی و ارتقای آنها.
- ۱۲) شناخت صحیح سرمایه‌ها و داشته‌ها و به کارگیری منابع با حداکثر بهره‌وری در جهت تحقق الگوهای توسعه ملی.
- انتخاب بعضی از عناوین مهم از میان بیش از یکصد عنوان شاخص و ارزش در فرهنگ و مدیریت جهادی و تلقی کردن آنها به عنوان مهم‌ترین عناوین، قطعاً کار آسانی نیست اما به هر صورت نوعی گزینش، انتخاب و اولویت دادن به آنهاست. طبیعی است که در یک فعالیت جامع، سیستمی و همه‌جانبه، ضمن توجه به اولویت‌ها، سایر عناوین نیز در فرایند اجرایی کردن برنامه‌ها عنوان و مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد.

### اقتصاد و جهاد اقتصادی:

آنچه از اقتصاد در شعار جهاد اقتصادی می‌تواند به صورت علمی و برجسته مورد توجه باشد، رونق بازار فعالیت و کسب و کار به منظور افزایش رشد اقتصادی کشور تا دستیابی به رشد سالیانه ۸٪ که هدف برنامه پنجم است و حفظ و ارتقای آن در سطوح بالاتر در صورت امکان می‌باشد. این رونق بازار کسب و کار، الزامات خاص خود را دارد که از جمله می‌توان به مهم‌ترین آنها به شرح زیر اشاره کرد:

- (۱) اعتمادسازی و ایجاد فضای امن و روان با هدف افزایش امید، انگیزه و تلاش برای فعالیت.
  - (۲) حمایت و پشتیبانی شفاف از فعالیتهای اقتصادی با ارائه خدمات و تسهیلات موردنیاز همراه با رفع موانع.
  - (۳) اجرایی کردن قوانین و مقررات موردنیاز رونق اقتصادی و پرکردن خلأهای قانونی در این رابطه.
  - (۴) فراهم‌سازی امکان صیانت از دستاوردهای مادی و معنوی که حاصل تلاش و فعالیت اقتصادی می‌باشد.
  - (۵) حمایت و پشتیبانی از کارآفرینی و نوآوری در مدیریت و توسعه بازار کسب و کار، همراه با حفظ مشاغل موجود و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید.
  - (۶) فراهم‌سازی امکان حضور و تعامل دوجانبه با بازارهای منطقه‌ای و جهانی با هدف گرفتن سهم مناسب از بازارهای موجود یا خلق بازارهای جدید.
  - (۷) حمایت از فعالیت شفاف اقتصادی و مقابله جدی با باندهای رانت‌آفرین و زد و بندهای اقتصادی.
  - (۸) معرفی استانداردهای ملی، منطقه‌ای، جهانی و حمایت همه‌جانبه از کاربست آنها، برقراری سیاست‌های حمایتی و تشویقی در جهت افزایش بهره‌وری، کارآمدی و کیفیت فعالیت‌ها و تلاش برای ارتقای دائمی استانداردهای ملی.
  - (۹) حمایت از فعالیتهای اقتصادی دانش محور با ارائه خدمات و تسهیلات برای حضور در بازارهای ملی و فرا ملی.
- تحقق جهاد اقتصادی، مستلزم تدوین و ارائه یک برنامه ضربتی در این خصوص است. ضربتی بودن برنامه برای اجرایی شدن آن در سال ۱۳۹۰ می‌باشد، در عین حال رعایت ملاحظات اشاره شده لایه‌های مختلفی از توجه را طلب می‌کند که این ملاحظات می‌تواند در تدوین برنامه کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت با تمرکز بر شعار مذکور تبلور پیدا کند.

### نکات کلیدی شعار جهاد اقتصادی موردنظر مقام معظم رهبری:

شایسته است تدوین برنامه ضربتی موردانتظار، در چارچوب انتظارات و محورهای تبیین شده توسط مقام معظم رهبری صورت گیرد. محورهای تبیین شده جهاد اقتصادی حسب فرمایشات ایشان عبارتند از:

- ۱- رشد پرشتاب کشور مطابق با پیش بینی برنامه پنجم توسعه و دستیابی به رشد حداقل ۸٪ در توسعه ملی.
- ۲- برنامه‌ریزی همه جانبه برای ارتقای بهره‌وری در گستره ملی و در همه سطوح بخشی و منطقه‌ای تا دستیابی به کارآمدی حداکثر در استفاده از سرمایه‌ها و داشته‌ها.
- ۳- کاهش فاصله درآمدی دهک‌های جامعه در جهت برقراری عدالت متناسب با پیش بینی برنامه پنجم.
- ۴- کاهش نرخ بیکاری و حل مسائل و مشکلات فراروی اشتغال فراگیر با تاکید بر شکل‌گیری تعاونی‌های بزرگ.
- ۵- صرفه جویی و ارائه الگوهای بهینه شده مصرف در همه زمینه‌ها با اولویت بهینه‌سازی مصرف آب به ویژه در بخش کشاورزی.
- ۶- فراهم‌سازی زمینه مشارکت همه جانبه مردم در شکل‌گیری جهاد اقتصادی.
- ۷- افزایش روحیه تدین و معنویت به منظور افزایش سطح سلامت و شفاف‌سازی در فعالیت‌های اقتصادی.
- ۸- پرهیز از مسائل حاشیه و متمرکز کردن ذهنیت جامعه به مسئله اصلی که همان جهاد اقتصادی است.
- ۹- حفظ انسجام و اتحاد ملی، تلاش برای ارتقای آن و پرهیز از هرگونه تفرقه و شکاف در بین اقشار مردم با تاکید بر همسویی با نظام اسلامی و پرهیز از هرگونه اختلاف و نزاع بین قوای سه گانه و دست اندرکاران.

۱۰- توجه به توسعه علم و فناوری و تقویت فعالیت‌های دانش محور در راستای تحقق جهاد اقتصادی به صورت دانش بنیان.

**عناوین بعضی از سیاست‌های راهبردی و شعارهای سالیانه مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری:**

- لازم است نیم‌نگاهی به سایر شعارهای مطرح شده طی سال‌های اخیر داشته باشیم. این شعارها به صورت عمده عبارتند از:
- ۱- جهاد اقتصادی.
  - ۲- همت مضاعف و تلاش مضاعف.
  - ۳- اصلاح الگوهای مصرف.
  - ۴- جهاد علمی و دانش بنیان شدن اداره کشور.
  - ۵- اتحاد ملی و انسجام اسلامی.
  - ۶- شکوفایی و نوآوری.
  - ۷- همبستگی ملی و مشارکت عمومی.
  - ۸- نهضت خدمتگزاری.
  - ۹- پاسخگویی و شفافیت در فعالیت‌ها.
  - ۱۰- صرفه جویی.
  - ۱۱- کار سازنده.
  - ۱۲- انضباط اقتصادی و مالی.
  - ۱۳- وجدان کاری و انضباط اجتماعی.
  - ۱۴- الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.

### بخش دوم: چگونگی برنامه‌ریزی برای تحقق جهاد اقتصادی:

اینکه چگونه با رعایت این همه ملاحظات، یک برنامه ضربتی تهیه شود که ضمن هم‌خوانی با اسناد بالادستی، تقویت‌کننده فعالیت‌ها در ارتباط با شعار سال‌های قبل بوده و قابلیت استمرار میان‌مدت و درازمدت را هم داشته باشد، کار آسانی نبوده و از نظر علمی در شرایط فقدان الگوهای توسعه پایدار یا عنوان شایسته‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی تحت نام «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت» مطرح فرموده‌اند، بسیار دشوار و شاید غیرممکن باشد، اما مانع از تلاش علمی و مطالعه و ارائه پیشنهاد و ارزیابی آنها و در نهایت، ارائه یک جمع‌بندی اولیه قابل قبول نخواهد بود. بعضی از مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی در این رابطه می‌تواند به صورت زیر باشد:

#### ۱- الزامات کلان تحقق جهاد اقتصادی:

- ارزیابی فوری برنامه حذف یارانه‌ها و قیمت‌های حامل انرژی و انجام تعدیل و اصلاحات لازم برای عدم توقف فعالیت‌های اقتصادی و رونق بازار کسب و کار.
- برقراری ضمانت‌های عملی و کاربردی در جذب سرمایه‌های خارجی با تعهد عملیاتی بودن خروج اصل و فرع آنها، حسب درخواست سرمایه‌گذار.
- ارائه سیاست‌های تشویقی در حفظ مشاغل و اشتغال‌زایی.
- حمایت از کارآفرینی و نوآوری در کسب سهمیه از بازارهای منطقه‌ای و جهانی یا خلق بازارهای جدید و اعلام بسته‌های تشویقی مربوطه.
- برقراری تسهیلات در تجاری‌سازی دستاوردهای علمی، پژوهشی، فناوری و به خصوص تدوین یا تهیه و تأمین الگوها و مدل‌های اصلاح مصرف منابع به ویژه در رابطه با آب و حامل‌های انرژی.

- ارائه تسهیلات و بسته‌های تشویقی جهت ترویج و پیاده‌سازی الگوهای مصرف اصلاح شده و نوین و انجام فعالیت‌های وسیع تبلیغاتی و آموزشی برای معرفی و ترویج عمومی آنها.
- ایجاد فضای امن و مطمئن برای فعالیت سرمایه‌گذاران، کارآفرینان، نوآوران و ایجاد مراجع ذیصلاح و صاحب اختیار برای رفع موانع و مشکلات پیش روی فعالان مذکور.
- ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی در چگونگی تولید دانش تولی‌گری، کارفرمایی و روش‌های عملی و کارآمد، کاهش تصدی‌گری و حمایت مادی و معنوی از هرگونه مطالعه و پژوهش کاربردی در این خصوص.
- حمایت از گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و علمی کاربردی برای حرفه‌ای شدن مشاغل و فعالیت‌ها و تشویق دانشگاه‌ها به ایجاد و توسعه آموزش‌های میان رشته‌ای برای تربیت نیروهای استراتژیست و متدولوژیست موردنیاز.

## ۲- اقدامات قابل انجام در حوزه امور عشایر برای اجرایی کردن جهاد

### اقتصادی

بخش کشاورزی در تحقق جهاد اقتصادی یک هدف عمده اصلی است. از سویی فرهنگ و مدیریت جهادی و کار جهادگرانه در بخش کشاورزی و توسعه روستایی تولد یافته و در این خاستگاه، مقدس و رفیع شده است و از سوی دیگر تأکید مقام معظم رهبری بر موضوع ارائه الگوهای بهینه در مصرف آب و به خصوص آب در بخش کشاورزی که ۸۵٪ آب موجود کشور را مصرف می‌کند، نشان از تأکید و اهمیت و ضرورت تحقق جهاد اقتصادی در این بخش دارد.



با اتکا به مطالعات انجام شده در بخش کشاورزی و طراحی اولیه الگوی توسعه پایدار<sup>۱</sup> برای بخش که دربرگیرنده ۱۵ طرح ملی است و تحقق آنها نوید «جهاد اقتصادی» و بلکه یک انقلاب سبز را در بخش کشاورزی می‌دهد و دستاوردهای مهمی همچون فراهم شدن امکان تهیه آب و غذا برای ۳۰۰ میلیون نفر، ایجاد ده میلیون فرصت شغلی جدید و افزایش تولید ناخالص ملی در بخش کشاورزی به میزان یکصد میلیارد دلار از جمله دستاوردهای کمی و تحقق بخشی از اهداف این الگوسازی است. لذا می‌توان برای زیربخش عشایری و جامعه بیش از یک میلیون نفری عشایر که ۲۰٪ پروتئین کشور را تولید می‌کند<sup>۲</sup> و موضوعیت اصلی را در حفظ و احیا یا بهره برداری بیش از ظرفیت و تخریب مراتع کشور به عنوان یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌های ملی در بخش کشاورزی را می‌تواند داشته باشد از این الگو و طرح‌های ملی آن بهره گرفت.

طرح‌های مهمی همچون آبخوانداری و آبخیزداری، مدیریت دام و مرتع، تبدیل ضایعات کشاورزی به غذای ارزان و فراوان دام و طیور و مهندسی مجدد برنامه‌های اسکان عشایر می‌تواند در حوزه امور عشایر، نقش خاص و انحصاری را ایفا کند و نویدبخش «جهاد اقتصادی» در این زیر بخش مهم کشاورزی باشد. از سوی دیگر تحقق جهاد اقتصادی در جامعه عشایری، نیازمند توجه اساسی به ساختارسازی و فرهنگ سازی است تا به گونه‌ای اثربخش، توسعه پایدار در جامعه عشایری را میسر سازد. این گونه اقدامات نیز متکی به دانش متعددی که در گذشته در رابطه با جامعه عشایری تجربه شده اما ناقص و محدود بوده است، می‌تواند در سطح گسترده تر و مؤثرتر باز تجربه و به نوعی مهندسی مجدد شود. این تجربیات باید به غنی‌سازی تجربیات و مهارت‌های زندگی در جامعه عشایری منجر شود به گونه‌ای که کوچ و مهاجرت دائمی فصلی از ییلاق به قشلاق، نه یک اجبار تاریخی و جغرافیایی برای بهره‌گیری از امکانات

<sup>۱</sup> - جهاد اقتصادی در بخش کشاورزی - امانپور - خرداد ماه ۱۳۹۰

<sup>۲</sup> - سازمان امور عشایر ایران - گزارش عملکرد ۱۳۸۹

تامین غذای دام، بلکه نوعی بهره‌گیری پایدار از منابع همراه با نشاط و سرزندگی و سرشار از عزت و غرور و فرهیختگی باشد تا جایی که خرده فرهنگ زندگی عشایری روندی روبه رشد و بالنده پیدا کند و تحولات توسعه‌ای و فناوری نتواند آن را تحت تأثیر جدی قرار داده و در معرض افول و یا کهنگی و فراموشی قرار دهد. چنین رویکردی، اندکی دشوار اما دست یافتنی است.

اینک به بعضی از اقدامات که بتواند جهاد اقتصادی در جامعه عشایری را محقق کند به طور خلاصه اشاره می‌شود.

#### الف: اقدامات ساختاری جهت تقویت دانش و قابلیت‌های کارفرمایی سازمان

##### امور عشایر:

سازمان امور عشایر به عنوان متولی فعالیت‌ها و اقدامات در حوزه جامعه عشایر، طی ۳۲ سال پس از انقلاب اسلامی با تکیه بر حمایت‌های همه جانبه نظام اسلامی، اقدامات ارزشمند، اثرگذار و فراوانی انجام داده و بیم و امیدهای فراوانی را برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار در حوزه امور عشایر آفریده است. این تجربیات بیش از همه به گونه‌ای اقداماتی در حوزه تصدی‌گری فعالیت‌ها بوده است تا خدماتی مؤثر و ارزشمند به جامعه عشایری توسط سازمان ارائه شود و اسباب دلگرمی بیش از پیش آنان فراهم شود. تحقق «جهاد اقتصادی» در جامعه عشایر امروز، نیازمند طرح و برنامه جدید و نوینی است که اجرایی شدن آن منجر به تولید و توسعه دانش کارفرمایی در حوزه امور عشایری شود. مقصود از دانش کارفرمایی عبارت است از دانشی که امکان تولی‌گری و اعمال حاکمیت را به گونه‌ای فراهم کند که همه تصدی‌گری‌ها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی از جامعه عشایری یا خدمتگزاران آنها در بخش خصوصی و عمومی محقق شود و سازمان برنامه ریز، تنها ناظر و حمایت کننده و پشتیبان باشد. این امر اگر چه کم و بیش آغاز شده است اما باید غنی‌سازی شود و گسترش یابد. نمونه‌ای از این گونه اقدامات که

می‌تواند به تقویت تولی‌گری و گسترش دانش کارفرمایی در حوزه امور عشایر منجر شود عبارتند از:

- (۱) مطالعه و بهره‌گیری از تجربیات موفق دیگر کشورها در توسعه جوامع عشایری.
- (۲) برگزاری جشنواره نوآوری و کارآفرینی در جامعه عشایری به طور سالیانه همراه با نمایشگاه مربوطه برای تقویت روحیه رقابت در نوآوری و کارآفرینی و انتخاب و تشویق برترین‌ها.
- (۳) برگزاری سالیانه جشنواره‌های ورزشی با موضوعیت ورزش‌های پهلوانی و سنتی و عشایری و در صورت لزوم پیگیری ایجاد فدراسیون‌های ورزشی تخصصی مربوطه.
- (۴) تعریف دوره‌های خاص آموزش‌های عالی علمی کاربردی ویژه جامعه عشایری و بورسیه کردن فرزندان ممتاز عشایر.
- (۵) ایجاد تعاونی اعتبار و سپس بانک تخصصی ویژه عشایر و ارائه تسهیلات ویژه برای عشایر.
- (۶) تشویق متخصصین و کارشناسان و مدیران بخش عشایری برای تشکیل شرکت‌های مهندسی مشاور و حمایت و پشتیبانی از آنها با تعریف و واگذاری پروژه به آنها.
- (۷) تأسیس بانک ایده و تشویق دست اندرکاران و ذینفعان و اساتید و نظریه‌پردازان به ارائه ایده‌های نوآورانه برای تحول جامعه عشایری و خریداری ایده‌ها همراه با جوایز ارزنده برای ایده‌های برتر.
- (۸) نیازسنجی مطالعاتی برای مشخص کردن عناوین و اولویت‌های پژوهشی در جامعه عشایری و تهیه و تدوین نظام و ساختار مطالعاتی و پژوهشی مورد نیاز.
- (۹) طراحی و پیاده‌سازی مدل کاربست مطالعات و پژوهش برای بهره‌گیری حداکثر از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه امور عشایر.
- (۱۰) نمونه سازی، ترویج و معرفی دستاوردهای نوین برای گسترش استفاده از فناوری‌های پیشرفته به منظور تحول کیفی و بهینه‌سازی فعالیت در جامعه عشایری.

۱۱) بازطراحی نظام آموزش‌های رسمی و غیررسمی در همه مقاطع تحصیلی از ابتدایی و عالی برای پوشش دادن به همه سطوح سنی و بهره‌گیری حداکثر از فرصت‌ها و اوقات فراغت عشایر اعم از زنان و مردان.

۱۲) مطالعه در مورد دانش بومی عشایر (Traditional Knowledge) و بازسازی و غنی‌سازی و ترویج و معرفی آنها همراه با گسترش موارد استفاده.

۱۳) انجام مطالعات لازم در مورد فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی عشایر در طول تاریخ و ارائه و ترویج دستاوردهای آن.

۱۴) بررسی چگونگی توسعه صنعت توریسم در جامعه عشایری و فراهم‌سازی آشنایی بیشتر آحاد مردم با فرهنگ و جامعه عشایری و استفاده از دستاوردهای اقتصادی فرهنگی آن.

#### ب- اقدامات توسعه‌ای در حوزه امور عشایر:

جامعه عشایری کشور با ۲۱۲ هزار خانوار و ۱/۲ میلیون نفر و با در اختیار داشتن ۳۲ میلیون هکتار از مراتع و ۲۸٪ دام کشور و تولید ۱۸۰ هزار تن گوشت و ۲۰٪ پروتئین دامی، لازم است که نقشی پایدار در توسعه اقتصادی اجتماعی کشور داشته باشد. این نقش اگر درست تعریف شود، می‌تواند از سویی به احیای مراتع و جنگل‌ها و از سوی دیگر به تامین پروتئین موردنیاز کشور و نیز تقویت همه جانبه یک جمعیت فعال، شاداب و تاثیرگذار در نظام اسلامی تبدیل شود.

موضوع اصلی برای «جهاد اقتصادی» در این حوزه فعالیت‌های مرتبط با دام و مرتع است که خوشبختانه مورد توجه بوده و در فرایند مطالعات کاربردی انجام شده در بخش کشاورزی و در چارچوب طراحی مدل توسعه پایدار کشاورزی از جمله زیرمدل‌های مهم تعریف شده، زیرمدل توسعه پایدار مدیریت دام و مرتع است که به طور خلاصه این مدل تبیین می‌شود. همچنین در ادامه چند پروژه مهم دیگر به طور خلاصه معرفی شده و

سپس مدل توسعه پایدار مدیریت دام و مرتع با تشریح و توضیحات افزون‌تر آورده شده است.

برای آنکه این توضیحات مختصر به گونه‌ای موثر نقش مدیریت پایدار دام و مرتع را مشخص کند، لازم است باتوجه به محدودیت‌ها و فرصت‌ها و الزامات، مدل مذکور معرفی شود.

### ۱- محدودیتها:

- فقر مراتع و روند رو به تخریب آنها.
- فزونی جمعیت دامی نسبت به ظرفیت تولیدی مراتع.
- عدم انجام عملیات حفاظت آب و خاک و آبخیزداری مراتع.
- ضعف اجرا و محدودیت در پیاده‌سازی برنامه جامع احیای مراتع اعم از کودپاشی، بذرپاشی، مدیریت بهره برداری و ...
- فقدان برنامه تلفیقی تغذیه دستی و چرا در مراتع و تأکید بر تغذیه دام از طریق چرای آزاد در مراتع.

### ۲- فرصت‌ها:

- توسعه دانش بشری در بهره برداری علمی و مدیریت شده از مراتع.
- وجود مطالعات و پژوهش‌های کاربردی انجام شده در حوزه آموزش و پژوهش در بخش کشاورزی در زیربخش مراتع.
- امکان تولید غذا و علوفه ارزان و مفید با عمل‌آوری ضایعات فراوان کشاورزی.
- امکان بهره‌گیری چندمنظوره از مراتع علاوه بر چرای دام.
- توسعه صنایع تبدیلی و پشتیبانی امور دام به عنوان حوزه اصلی سرمایه گذاری در جامعه عشایری.

### ۳- معرفی زیرمدل توسعه‌ای مدیریت پایدار دام و مرتع:

باعنایت به محدودیت‌های بهره‌برداری از مراتع و استفاده بهینه از فرصت‌های موجود در بهره‌برداری پایدار از منابع گیاهی در مراتع، مدل توسعه پایدار مدیریت دام و مرتع به عنوان یکی از زیرمدلهای مرتبط با مدل توسعه پایدار کشاورزی موردتوجه قرار گرفته و طراحی اولیه آن صورت گرفته است. منطق این طراحی، متکی به تعداد قابل توجهی مطالعه کاربردی انجام شده در امور دام، مراتع و جنگل‌ها و زیربخش‌های مرتبط با آنها صورت گرفته است به گونه‌ای که استفاده از آنها می‌تواند بهره‌گیری پایدار از مراتع را همراه با توسعه کمی فعالیت‌های امور دام میسر و عملی سازد. پیاده‌سازی این زیرمدل، موکول به الزامات و انجام اقداماتی است که در ذیل اشاره شده است. این اقدامات اگرچه ممکن است نو و بدیع نباشد اما روش بکارگیری جامع و همه‌جانبه آنها به همراه نوآوری‌هایی چند، قابلیت‌های جدیدی در مراتع ایجاد می‌کند که بیشتر متکی به غنی‌سازی اکوسیستم و اقتصاد اکوسیستم‌ها است. در این مختصر همه ابعاد طرح و جزئیات قابل تشریح نبوده و صرفاً مواردی چند به عنوان نمونه آورده می‌شود.

- ۱- شناسایی و دسته بندی عرصه‌های مرتعی براساس حوزه‌های آبخیز.
- ۲- واگذاری عرصه‌های مذکور قطعی یا اجاره درازمدت به عشایر.
- ۳- طراحی و برنامه‌ریزی پروژه مدیریت پایدار دام و مرتع در عرصه‌های واگذارشده.
- ۴- انجام عملیات جامع آبخیزداری در عرصه اعم از حفاظت آب و خاک و مدیریت منابع زیستی.
- ۵- انجام عملیات بذرپاشی، کودپاشی و حصارکشی‌های موردنیاز.
- ۶- تعیین زمان دقیق بهره‌برداری از عرصه و تعیین ظرفیت چرا براساس تعداد دام در هکتار.
- ۷- طراحی و آماده‌سازی بهینه و عملی سکونتگاه‌های موقت عشایر و دام در کنار عرصه موردنظر.

- ۸- تهیه خوراک آماده و پلیت شده متناسب با جیره تعریف شده هر نوع دام و فراهم سازی امکان انبارداری.
- ۹- مدیریت تغذیه دام به صورت چرای نیمه باز به صورت چرای روزانه و تغذیه دستی شبانه.
- ۱۰- فراهم سازی امکانات، تجهیزات جایگاه و دیگر ملزومات.
- ۱۱- استفاده از مطالعات انجام شده در انتخاب گونه های گیاهی بهینه جهت احیای مراتع.
- ۱۲- استفاده کارآمد از همه روش های غنی سازی و احیای مرتع از جمله توسعه صنعت زنبورداری در مجاورت مراتع.
- ۱۳- شناسایی و بکارگیری فناوری های نوین ابزار و تجهیزات پیشرفته و نوآوری ها در احیا و بهره برداری از مراتع.
- ۱۴- به حداکثر رسانی مدیریت و بهره برداری پایدار از منابع زیستی (آب، خاک، منابع گیاهی، منابع جانوری و اکوسیستم) با بکارگیری نوآوری، روش های تلفیقی و غنی سازی منابع با ارتقای پلکانی، مهندسی ارزش و دیگر روش های کارآمد کردن فعالیت ها.

#### ۴- آبخوانداری، ابزار کارآمد توسعه جوامع عشایری:

از آنجا که پخش سیلاب بر عرصه آبخوان ها در اراضی بالادست دشتهای، جایی که معمولاً آبرفت درشت دانه و بدون پوشش گیاهی است، صورت می گیرد، مشارکت جامعه عشایری در پخش سیلاب بر آبخوان ها و آبخوانداری می تواند پروژه بسیار مهمی به شمار آید. این امر همچنین می تواند فصل نوینی در زندگی عشایر بگشاید و فعالیت و حیات آنها را در بیلاق و قشلاق دچار تحول کند. یک عرصه آبخوان، نه تنها یک مرتع پربرکت و غنی برای دامهاست بلکه با توجه به تلفیق پوشش جنگلی و مرتعی که ایجاد می شود، محلی مناسب برای فعالیت زراعی و باغی و جنبی عشایر نیز خواهد بود.

آبخوانداری اندیشه علمی و کارآمدی است که دانشمند ایرانی به نام دکتر سیدآهنگ کوثر در شهرستان فسا در روستای گره بایگان در سال ۱۳۶۰ برای اولین بار و با همکاری جهادسازندگی منطقه در یک پایلوت ۲۰۰۰ هکتاری به اجرا درآورد. بر اساس این طرح با احداث آب بندان‌های کوتاه، سیلاب از بستر رودخانه به کانال‌های جانبی انتقال و سپس از طریق شبکه پخش در عرصه آبرفت پخش می‌شود. سیلاب خروشان وحشی به تدریج در آب بندان‌های متوالی، کنترل و به کانال‌های پخش هدایت و در عرصه آبرفت درشت دانه که قابلیت نفوذ بالا دارد پخش می‌شود. این عملیات متناسب با توالی سیلاب‌ها، یک یا چندبار در سال تکرار و ضمن پخش کردن خاک حاصلخیز بر عرصه پخش و آبیاری کردن عرصه، امکان رشد گیاهان مرتعی و رویش درختان جنگلی را همراه با انجام فعالیت زراعت و باغبانی دیم فراهم می‌کند. این ایده در دهه ۷۰ توسط معاونت آموزش و تحقیقات جهادسازندگی و با فعالیت مرکز تحقیقات آبخیزداری جهادسازندگی در ۳۸ ایستگاه و در ۱۰۰ هزار هکتار توسعه یافته و هزاران پروژه تحقیقاتی در این ایستگاه‌ها به اجرا درآمده است. دستاوردهای علمی و پژوهش‌های کاربردی این ایستگاه‌ها اکنون می‌تواند دست‌مایه جامعه عشایری باشد و با مطالعه جامع آبخیزهای کشور، هر جا در مجاورت مراتع مورد استفاده، رودخانه یا آبراه‌های وجود دارد که سیلاب‌های آن قابل بهره‌برداری برای پخش باشد می‌تواند به غنی‌سازی اراضی مرتعی و افزایش قابلیت بیولوژیک آنها کمک شایسته‌ای کند.

به نظر می‌رسد نزدیک به ۱۴ میلیون هکتار از آبرفت‌های کشور این استعداد را دارند. باید معلوم شود که چه مقدار آن توسط جامعه عشایری می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

##### ۵- قشلاق‌ها نیازمند مهندسی مجدد است:

با آغاز پائیز و پایان یافتن فصل بهره‌برداری از مراتع، کوچ به سوی قشلاق‌ها آغاز می‌شود. معمولاً قشلاق‌ها در حوالی مناطق گرمسیر و نزدیک سکونتگاه‌های روستایی و



شهری انتخاب می‌شود و همین امر، توجیه‌گر اقدامات برای واگذاری زمین و فعالیت‌های زراعی و تولید علوفه در مناطق مذکور است. توجه به نیازمندی‌های زیر می‌تواند بهانه‌ای برای مهندسی مجدد اسکان در قشلاق‌ها باشد:

- ۱- ایجاد و توسعه صنایع عمل‌آوری ضایعات و تولید خوراک دام پلیت شده.
- ۲- ایجاد و توسعه صنایع پشتیبان کشاورزی و دامداری و صنایع دستی.
- ۳- بهره‌گیری از خدمات آموزشی، ترویجی و مطالعاتی.
- ۴- استفاده کارآمد از هرزآب‌ها و آب‌های مدیریت شده غیرقابل استفاده تا پایان فصل زمستان.

۵- ضرورت بهره‌برداری پایدار از منابع زیستی (آب، خاک، منابع گیاهی و جانوری و اکوسیستم).

در این راستا توصیه می‌شود که موضوع استفاده از آب‌های سرگردان و مدیریت نشده که بهره‌برداری زمستانه ندارند، برای پخش در عرصه‌های مرتعی و بایر با احداث خط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ در دستور کار مدیریت امور عشایر قرار گیرد. نوعی تشابه بین استفاده از این منابع آبی و آبخوانداری وجود دارد زیرا همچنان که پخش یک یا چند سیلاب زمستانه بر عرصه آبخوان منجر به ایجاد عرصه‌های مرتعی جدید می‌شود، استفاده و پخش این گونه آب‌ها که در زمستان مصرفی ندارند بر عرصه‌های مرتعی نیز موجب غنی‌سازی پوشش گیاهی و توسعه بهره‌برداری پایدار از مراتع می‌شود. اگرچه ممکن است این اقدام، آثار آبخوانداری را در غنی‌سازی سفره‌های زیرزمینی نداشته باشد اما قطعاً برای افزایش قابلیت رویشی مراتع، مفید است. بدون تردید چنین اقدامی، کاربری اراضی جدیدی که فعلاً مراتع تخریب شده یا رها شده و لم یزرع هستند و موضوعیتی نیز برای بهره‌برداری کشاورزی اعم از زراعی و یاغی را نیز ندارند، برای عشایر فراهم کرده و ساماندهی سکونتگاه‌های جدیدی را با مهندسی سیستمی و جامع‌نگر و دربرگیرنده کلیه نیازها را در دستور کار جدید مدیریت امور عشایر قرار می‌دهد.

### ۳- طرح ملی مدیریت پایدار دام و مرتع:

بیش از ۸۶ میلیون هکتار مراتع کشور با روندی تخریبی روبرو بوده و قابلیت‌های اکولوژیک آنها هر روز کاهش می‌یابد. ظرفیت این مراتع تنها قابلیت پذیرش یک سوم دام موجود کشور را دارد اما بهره‌برداری بی‌رویه همچنان ادامه دارد. تکیه‌گاه اصلی عشایر در تن دادن به مشقت کوچ از بیلاق به قشلاق وجود مراتع غنی و پربرکت است. اقدامات بعضاً پراکنده برای اجاره درازمدت مراتع و یا واگذاری مراتع به عشایر همراه بعضی اقدامات منطقی برای کودپاشی یا بذریابی در مراتع یا کنترل بسیار ضعیف ورود و خروج دام به مراتع هیچ کدام نتوانسته است روند تخریب را متوقف نموده و احیا و غنی‌سازی مراتع را به دنبال داشته باشد. در همین خصوص در چارچوب مدل‌سازی توسعه پایدار کشاورزی، طرح تحقیقات توسعه‌ای «مدیریت پایدار دام و مرتع» در حوزه آموزشی و پژوهشی وزارت جهادسازندگی تدوین و بعضی از مراحل جمع‌آوری اطلاعات و مطالعات را نیز طی کرده است و می‌تواند در صورت تکمیل و پیاده‌سازی، انقلابی در مدیریت و بهره‌برداری پایدار مرتع را به دنبال داشته باشد.

منطق نظریه‌پردازی در تدوین و ارائه طرح تغییر مدیریت بهره‌برداری از مراتع از روش «چرای آزاد» به «چرای نیمه آزاد» و یا تلفیق چرای روزانه در مرتع همراه با تغذیه دستی شبانه دام‌ها می‌باشد. این روش منجر به کاهش فشار دام بر مرتع شده و همچنین با تغذیه دستی مناسب شبانه دام‌ها، ضریب پرورش دام به ازای مواد مصرفی بالارفته و منجر به ارزش افزوده بیشتری طی دوره نگهداری و پرورش دام می‌شود.

از سوی دیگر در این روش، اقدامات اساسی برای حصارکشی، حفاظت آب و خاک و آبخیزداری، بذریابی، کودپاشی و احیا همه جانبه مرتع صورت گرفته و نظارت کامل بر زمان شروع و خاتمه بهره‌برداری از مرتع متناسب با زمان رویش و گلدهی گیاهان مرتعی نیز صورت می‌گیرد.

همچنین توجیه اقتصادی و موضوعیت اجرای بعضی از طرح‌های ملی پانزده گانه دیگر، مدل توسعه پایدار کشاورزی در کنار مدیریت پایدار دام و مرتع نیز افزایش

می‌یابد. از جمله این طرح‌های ملی می‌توان به طرح ملی عمل آوری ضایعات بخش کشاورزی برای تولید خوراک دام ارزان و فراوان اشاره کرد زیرا تغذیه دستی شبانه دام در زمان حضور در مرتع، اگرچه باعث کاهش فشار بر مرتع و افزایش ضریب پرورش و تولیدات دامی می‌شود اما خود هزینه بالایی در بر دارد. با تکیه بر عمل‌آوری ضایعات کشاورزی، تولید خوراک دام ارزان و فراوان که قابلیت بسته بندی، حمل و انبارداری را دارد، تغذیه دستی دام به صورت نیمه بسته و چرای نیمه آزاد توجیه اقتصادی مناسبی می‌یابد زیرا میزان افزایش راندمان پرورش و افزایش تولیدات، می‌تواند بازگشت سرمایه‌گذاری برای احیای مرتع و تغذیه دستی را پوشش دهد.

از سوی دیگر تلفیق اقدامات آبخیزداری و آبخوانداری با مدیریت پایدار دام و مرتع در کلان بخش اقتصادی تأمین اهداف پایدار حفاظت آب و خاک و افزایش تولید منابع آبی را با توسعه پایدار بخش امور دام و جامعه عشایری، دارای آثار پایداری مضاعف بوده و تأمین چند هدف با یک هزینه را در چارچوب توسعه پایدار کشاورزی محقق می‌کند. همچنین موضوع عمل‌آوری ضایعات کشاورزی که در فرایند آن پروتئین و الکل تولید می‌شود که از توجیه اقتصادی بالایی برخوردار است و با استفاده از پسماندهای این فرایند و با افزودن پودر جو و پودر یونجه و دیگر مکمل‌ها، انواع خوراک فرموله شده و جیره‌های طراحی شده و سازمان یافته برای انواع دام قابل تولید است. این موضوع فعالیت، پروژه‌های بسیار اقتصادی و مورد توجه جامعه عشایری خواهد بود تا با اتکا به آن، ضمن تولید فرآورده‌های ارزشمند و گران‌قیمت از ضایعات کشاورزی، خوراک دام ارزان و فراوان تولید کنند و با کمک به احیا و غنی‌سازی مراتع، برنامه‌های دامداری و دامپروری خود را برای انواع دام و طیور توسعه داده و دستاوردهای جدیدی را تجربه کنند.

قابل ذکر است که مدیریت پایدار دام و مرتع صرفاً به پرورش گوسفند و بز محدود نشده و کلیه انواع دام و طیور و به ویژه پرورش غاز و بوقلمون را در مراتع، همپای پرورش گوسفند و بز در دستور کار خود دارد که به نوعی دیگر، تحولی اساسی در

فعالیت‌های جامعه عشایری خواهد بود. اگر بنا باشد که «جهاد اقتصادی» با اتکا به بهینه‌سازی تجربیات بومی و استفاده کارآمد از دانش و فناوری‌های روزآمد محقق شود، در این صورت پرورش انواع طیور از قبیل غاز و بوقلمون در کنار پرورش گوسفند و بز نیز می‌تواند به عنوان فعالیت جانبی در دستورکار عشایر قرار گیرد و گامی مهم در «جهاد اقتصادی» در جامعه عشایری باشد.

### نتیجه گیری:

جامعه عشایری به عنوان جامعه‌ای بالنده، فعال و پرتحرک و نقش آفرین در حیات ملی کشور می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در «جهاد اقتصادی» داشته باشد. این نقش از آنجا می‌تواند جدی و اثرگذار باشد که به قابلیت این جامعه در ترویج فرهنگ جهادگرانه در عرصه دفاع مقدس و سازندگی ایران اسلامی و به نقش تاریخی و اثرگذار این قشر اشاره شود. روند توسعه‌ای کشور و فرایند استفاده وسیع از فناوری‌ها نباید اسباب بهادادن اندک به این قشر خدمتگزار شود. بلکه لازم است با استفاده از دانش بومی، احیای فرهنگ و ارزش‌های غنی و تاریخ‌ساز جامعه عشایری، بهینه‌سازی کاربرد فناوری در زندگی و فعالیت جامعه عشایری و استفاده کارآمد از مدل‌های توسعه‌ای به خصوص آن دسته از زیرمدل‌ها که موضوعیت دام و مرتع و حوزه‌های آبخیز را شامل می‌شود، امکان زندگی پرنشاط‌تر، سرزنده‌تر و کارآمدتر را برای جامعه عشایری فراهم کرد تا این قشر خدمتگزار، مولد و موثر، سربلندتر از گذشته به زندگی اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار خود ادامه دهد. این امر ضروری، ممکن و دست یافتنی است. امید است با جدیت پیگیری و محقق شود. ان شاء الله.

**فهرست منابع مورد استفاده:**

- ۱- دفتر نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات اولین همایش فرهنگ و مدیریت جهادی.
- ۲- دفتر نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۸)، مجموعه مقالات دومین همایش فرهنگ و مدیریت جهادی.
- ۳- دفتر نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۸)، واکاوی و بازشناسی فرهنگ و مدیریت جهادی.
- ۴- موسوی (۱۳۹۰). فهرست نویسی و دسته بندی شاخص های مهم فرهنگ و مدیریت جهادی، سازمان جهاد کشاورزی استان تهران.
- ۵- شریفی، فرود (۱۳۸۷). ظرفیت و قابلیت تولید آب عرصه های منابع طبیعی سازمان جنگلها و مراتع کشور.
- ۶- مرکز تحقیقات آبخیزداری جهادسازندگی، گزارشات مطالعات آبخیزداری.
- ۷- پژوهشکده آبخیزداری جهاد کشاورزی، گزارشات مرحله ای ایستگاه های تحقیقات آبخیزداری.
- ۸- مرکز تحقیقات مهندسی جهاد سازندگی (واحد مرکزی تهران)، مطالعه امکان پذیری طراحی و ساخت سیستم تولید پروتئین تک یاخته از ضایعات کشاورزی.
- ۹- مرکز تحقیقات مهندسی جهادسازندگی (واحد استانی فارس)، مطالعات امکان پذیری تولید الکل از ضایعات و محصولات کشاورزی،
- ۱۰- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹)، سند چشم انداز توسعه ملی در افق ۱۴۰۴.
- ۱۱- گزارش عملکرد سازمان امور عشایر (۱۳۸۹).
- ۱۲- معاونت آموزش و تحقیقات جهادسازندگی (۱۳۸۷)، مدل توسعه پایدار کشاورزی.
- ۱۳- جهاد اقتصادی در بخش کشاورزی.
- ۱۴- امانپور، محمدتقی (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی در حوزه مدیریت شهری.

**منابع غیر مکتوب:**

- ۱- رهنمودها و بیانات مقام معظم رهبری در پیام سال نو و در جمع زائرین حرم مطهر رضوی نوروز ۱۳۹۰.
- ۲- بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در ده سال گذشته.

## نقش و جایگاه مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی در

### مناطق عشایری

مهندس میرولی صفرزاده<sup>۱</sup>

#### چکیده:

اعمال و حاکمیت فرهنگ و مدیریت جهادی که برگرفته از آموزه های دینی است، یکی از توقعات مردم انقلابی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. حضرت امام خمینی (ره) با عنایت به این خواسته مردم و با توجه به محرومیت روستاها و مناطق عشایری، در خرداد ماه سال ۱۳۵۸ فرمان تأسیس جهاد سازندگی را صادر نمودند. در این مقاله با تبیین ویژگی های مدیریت جهادی و اثرات مفید و چشمگیر آن بر روند انجام کارها با مشارکت، با استفاده از منابع اطلاعاتی موجود در سازمان امور عشایر و تحلیل آمارهای حاصله، اثرات اقدامات انجام شده در زندگی عشایر تبیین گردیده و به اهم مسائل و مشکلات عشایر و راهکارهای برون رفت از مشکلات اشاره شده است. عشایر کوچنده به عنوان جامعه ای مولد و میراث دار فرهنگی - اجتماعی کشور، در گذشته از دریافت حداقل خدمات و امکانات محروم بودند. پراکندگی عشایر کوچنده و صعب العبور بودن مناطق عشایری، انجام کار را در مناطق عشایری برای مجریان سخت و طاقت فرسا می کند، اما توأم شدن کار با انگیزه الهی و معنویتی که در جهاد در راه خدا وجود دارد، انجام هر کار دشواری را آسان می سازد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه چندانی به امر خدمات رسانی برای این جامعه نمی شد. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی عشایر از جنبه های مختلف در محرومیت

---

۱- جانشین ریاست و معاون توسعه و عمران سازمان امور عشایر ایران

مطلق به سر می‌بردند. بر اساس بررسی‌های انجام شده در مجموع، شاخص‌های توسعه انسانی، به غیر از شاخص با سوادی که در حدود ۱۲ درصد جمعیت ۶ ساله و بالاتر بوده است، مابقی شاخص‌های این جامعه بین (۰ تا ۱۰ درصد) بوده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با الهام گرفتن از فرهنگ اسلامی و سیاست‌های عدالت محوری و محرومیت‌زدایی جمهوری اسلامی با مدیریت جهادی خدمات بسیار زیادی به این جامعه ارائه شده است.

با تصویب آئین‌نامه ساماندهی عشایر و حضور فعال‌تر سایر دستگاه‌های اجرایی در طول برنامه چهارم توسعه، خدمات‌رسانی به عشایر شتاب بیشتری گرفت و باعث رشد سریع‌تر شاخص‌های دسترسی و برخورداری عشایر از امکانات گردیده و میانگین شاخص‌ها از عدد ۲۶ درصد در پایان برنامه سوم به عدد ۴۶ درصد در پایان برنامه چهارم رسید (۷۸ درصد رشد). با این اوصاف اگرچه تاکنون اقدامات خوبی برای رفاه و توسعه این جامعه انجام شده است ولی عشایر همچنان محرومترین قشر جامعه امروز کشور هستند و نیاز به توجه ویژه‌ای دارند.

**کلیدواژه‌ها:** عشایر کوچنده، جایگاه مدیریت جهادی، مناطق عشایری، سازمان امور

عشایر ایران.

#### مقدمه:

عشایر کوچنده در کشور ایران در طول تاریخ سرتاسر تغییر و تحول این کشور، همیشه دارای نقشی ویژه تاثیرگذار و درخور توجهی در اداره کشور بوده‌اند. براساس منابع تاریخی و شواهد موجود در منابع در سال‌های دور تا پایان دوره سلسله قاجار، سران و بزرگان عشایر به پشتوانه افراد ایلات و طوایف مربوطه، نقش اصلی را در تعیین نوع حکومت و حاکمان کشور و حکومت‌های محلی داشتند. دلایل عمده آن، این بود که اولاً عشایر کوچنده درصد عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، ثانیاً منابع مالی

هزینه‌های حکومت توسط مردم به خصوص کشاورزان و دامداران تأمین می‌شد، ثالثاً وجود سلسله مراتب منظم و محکم ایلی، قدرت ویژه‌ای به سران آنها در قالب‌های مختلف (خان، میر، کلانتر و غیره) داده بود و حاکمان کشور را معمولاً جنگ و قدرت بازو و عده و عده تعیین می‌کرد.

بعد از سلسله قاجار و با روی کار آمدن حکومت پهلوی، رضاشاه با همکاری مشاوران خارجی، اولین برنامه خود را سرکوب عشایر و درهم کوبیدن سران عشایر قرار داد به نحوی که کلیه کسانی که با وی همکاری نکرده و به مخالفت برخاستند، یا در میدان جنگ آنها را کشت و یا بعد از استقرار با به کارگیری روش‌های مختلف، آنها را به مهلکه کشانید و اعدام کرد. بعد از این اقدام به موضوع اسکان اجباری عشایر کوچنده که به «تخت قاپوی عشایر» معروف است، مبادرت ورزید و تعدادی را نیز به نقاط دوردست تبعید کرد. او با این کارها ضمن تضعیف جایگاه و روحیه جنگ و ستیز عشایر، پراکندگی و تفرقه‌ای بین عشایر ایجاد کرد. اما علیرغم همه این سختگیری‌ها، جفاها و نامرادی‌هایی که به عشایر شد، عشایر دست از کوچ برنداشتند. حتی کسانی که به نقاط دور تبعید شدند، همچنان نوع زندگی خود را بر مبنای کوچ قرار دادند و کوچ تعدادی از آنها تا اکنون ادامه دارد.

اساس زندگی کوچندگی بر مبنای استفاده از طبیعت (علوفه طبیعی و شرایط اقلیمی مناسب) شکل گرفته و تا زمانی که امکان استفاده از این ودیعه الهی وجود دارد، کوچ و زندگی کوچندگی هم ادامه و بقا خواهد داشت. در این مقاله سعی شده است تا با بررسی جهاد اقتصادی و اثرات آن در زندگی عشایر به خصوص در زمینه ایجاد امکانات خدماتی و زیربنایی و نیز جایگاه عشایر در کشور از جنبه‌های مختلف به طور اختصار، خدمات و اقداماتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دست توانای جهادگران عزیز جهادسازندگی به عنوان سمبل کار جهادی و متولی اصلی عشایر و سایر دستگاه‌های اجرایی در نظام مقدس جمهوری اسلامی جهادگران به این مردم شریف و نجیب ارائه شده است، بیان شود و نقش جهاد و کار جهادی در مناطق عشایری مورد ارزیابی قرار



گرفته و در نهایت وضعیت عشایر از نظر توسعه یافتگی در قالب چند شاخص مهم بیان شود.

### روش تحقیق:

روش به کارگرفته شده برای انجام این پژوهش که با هدف بررسی نقش و جایگاه فرهنگ و مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی در مناطق عشایری انجام شده است، به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه و بررسی قوانین، گزارش‌های آماری و آمارنامه‌ها، اسناد و گزارش‌های جمع آوری شده در مورد عملکرد سازمان امور عشایر و سایر دستگاه‌های اجرایی کشور به استناد آئین نامه ساماندهی عشایر و غیره بوده است. این پژوهش، گذشته نگر بوده و همان طور که بیان شد، سعی شده است تا اقدامات انجام شده به صورت دقیق و عمیق مطالعه، بررسی و سپس تحلیل شده و از حاصل این بررسی و تحلیل‌ها، اطلاعات خلاصه شده‌ای از اقدامات انجام شده به صورت جدول و نمودار ارائه شود.

در نهایت باتوجه به برنامه‌های آینده سازمان و با بهره‌گیری از چشم انداز ۲۰ ساله نظام در افق ۱۴۰۴ و با در نظر گرفتن روند اقدامات انجام شده در سنوات گذشته، پیش بینی‌هایی برای آینده انجام شده است.

### تعاریف:

به منظور وحدت در برداشت از موارد مطرح شده در متن مقاله سعی شده است تعدادی از واژه‌ها و عبارتهای به کاربرده شده به طور مختصر تعریف شود.

### مدیریت جهادی:

فرآیندی است مبتنی بر ارزش‌های الهی، تفکر و کار دسته جمعی و مشارکتی، به منظور استفاده بهینه از منابع و ارائه مناسب‌ترین خدمت یا خدمات به جامعه هدف.

### فرهنگ جهادی:

مجموعه‌ای است از بایدها و نبایدها، برگرفته از مکتب اسلامی و فرهنگ انقلاب اسلامی شامل ولایت محوری، ظلم ستیزی، تصمیم‌گیری بر مبنای شور و مشورت، فعالیت و خدمت به بندگان محروم خدا به عنوان صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمتان حکومت و مسئولین کشور.

### عشایر کوچنده:

به مردمی گفته می‌شود که حداقل سه ویژگی زیر را داشته باشند:

- ۱- ساخت اجتماعی قبیله‌ای.
- ۲- اتکای معاش به دامداری.
- ۳- شیوه زندگی شبانی مبتنی بر کوچ.

### دستگاه‌های اجرایی:

عبارتند از کلیه وزارتخانه‌ها، موسسات و سازمان‌های دولتی و واحدهای استانی و شهرستانی مربوطه که از منابع اعتبارات دولتی و منابع عمومی برای ارائه خدمات به جامعه استفاده می‌کنند.

### سازمان:

منظور از سازمان، سازمان امور عشایر ایران است.

### آئین نامه ساماندهی عشایر:

آئین نامه‌ای است که در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ به منظور ارائه خدمات هرچه بیشتر و بهتر به عشایر توسط کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور به تصویب هیئت محترم دولت رسیده است.

### - امکانات خدماتی:

فعالیت‌ها و اقداماتی است که مصرفی و کم دوام بوده و تأثیر چندانی بر سایر جنبه‌های زندگی عشایر ندارد؛ مانند تأمین مایحتاج زندگی عشایر و تأمین نهاده‌های تولید.

### امکانات زیربنایی:

به امکانات و اقداماتی گفته می‌شود که علاوه بر داشتن مصرف روزانه، بادوام بوده و در سایر ابعاد زندگی عشایر و توسعه منطقه موثر هستند؛ مانند راه، برق، مدرسه و غیره.

### تعریف اقتصاد:

اقتصاد در لغت به معنای میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. در آیه شریفه «و اقصد فی مشیک» (سوره لقمان آیه ۱۹) نیز به همین معنی آمده است. از آن نظر که اعتدال در هزینه زندگی فردی و اجتماعی، یکی از مصادیق میانه‌روی بوده است، کلمه «اقتصاد» درباره آن بسیار استعمال می‌شده است تا آنجا که در بکارگیری عرفی از «اقتصاد» غالباً همین معنی، مقصود بوده است. اقتصاد از معانی عرفی خود (میانه‌روی در معاش و تناسب دخل و خرج) تعمیم داده شده و معادل economy قرار گرفته است. به هر حال برای «اقتصاد» که اقتصاددانان از آن بحث می‌کنند، تعاریف مختلفی ارائه شده است.

**ارسطو:** علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه.

**آدام اسمیت:** اقتصاد، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است.

**استوارت میل:** اقتصاد، عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع.

**ریکاردو:** اقتصاد علم است.

**آلفرد مارشال:** اقتصاد، عبارت است از مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه‌ای.

**در تعریف دیگر:** علم اقتصاد بررسی کردارهای انسان در جریان عادی زندگی و کسب درآمد و تمتع از آن برای سر و سامان دادن به زندگی فردی و اجتماعی است. باتوجه به تعاریف بالا می توان گفت جهاد اقتصادی به تلاش عالمانه، مستمر و همه جانبه اقتصادی گفته می شود که با استفاده از حداقل منابع مصرفی، حداکثر خروجی (تولید کالا، خدمات و ...) برای فرد یا جامعه ایجاد شود. در واقع می توان جهاد اقتصادی را به معنای ارتقای بهره‌وری در تولید و نهایت مراقبت در مصرف منابع و امکانات موجود معنا کرد که این موضوع در ابتدای سال ۱۳۹۰ از جانب مقام معظم رهبری با اشاره به مصرف بهینه آب مورد تاکید قرار گرفت. بدیهی است این تاکیدات موردی برای روشن شدن اذهان مخاطب است و منظور معظم له بر ازدیاد تولید و مصرف بهینه در همه موارد بوده و هست.

### **ویژگی‌های مدیریت جهادی:**

اگرچه بیان ویژگی‌های فرهنگ و مدیریت جهادی نیازمند بحث مفصلی است ولی در اینجا به طور خیلی گذرا به عنوان شروع بحث، کلیاتی از شاخص‌ترین آنها بیان و توضیحات مختصری در مورد هر کدام داده می‌شود:

**۱- دین باوری و ولایت محوری:** جهاد امر مقدسی است که برگرفته از فرمان خداوند متعال است. جهادگران براساس باورهای دینی و برای امتثال امر حضرت امام خمینی (ره)، با توجه به محورهای اولین پیام ایشان برای تأسیس جهادسازندگی، وارد این عرصه شدند. در این زمان، بخشی از نیروهای جهاد را کارکنان دستگاه‌های دولتی تشکیل می‌دادند. این افراد در تخصص‌های مختلف و بدون چشمداشت، به صورت شبانه‌روزی در جهادسازندگی خدمت می‌کردند.

**۲- اخلاص در عمل و انجام کار بی‌منت:** در جهاد، کار صرفاً برای جلب رضایت خدا و انجام تکلیف الهی انجام می‌شود، نه برای جلب رضایت دیگران و لذا کاری که برای مردم انجام می‌شد حتی توقع تشکر هم وجود نداشت؛ کما اینکه در بعضی از

مناطق، بدو کار سازندگی مورد مخالفت بعضی افراد روستا واقع می‌شد ولی جهادگران برانجام آن کار اصرار می‌ورزیدند و با توجیه و جلب اعتماد مردم، آنها را همراه می‌کردند.

**۳- تلاش مستمر و ایثار:** کار برای رضای خدا وقت نمی‌شناسد. هر زمانی که نیاز به انجام آن باشد، بر جهادگر تکلیف است و باید انجام بدهد و در این راستا رضایت حق تعالی بر رضایت شخص مقدم است. لذا جهادگران مسائل و مشکلات خود و خانواده را در قیاس با کار مردم در مرتبه بعدی قرار داده بودند.

**۴- امانتداری و دلسوزی:** یکی از ویژگی‌های بارز مدیریت جهادی، رساندن امانت به اهلش بود. اگر اعتباری و یا امکاناتی به او سپرده می‌شد تا برای انجام کاری مصرف و یا به کار بگیرد، بهتر از اموال شخصی‌اش از آن مواظبت می‌کرد. نسبت به بیت‌المال حساسیت زیادی وجود داشت.

**۵- احساس مسئولیت و مسئولیت پذیری:** در فرهنگ جهاد، افراد به دنبال مسئولیت نبودند. اما اگر مسئولیتی به آنها سپرده می‌شد، با جان و دل می‌پذیرفتند و تا سرحد توان تلاش می‌کردند که امور محوله را به بهترین وجه انجام دهند. جهادگر خود را وقف سیستم و سازمانش کرده و اختیار خود را به مسئولین داده بودند و هر جا و هر مسئولیتی را که آنها تشخیص می‌دادند به نحو مطلوب و در حد توان به انجام می‌رساندند و همه مسئولیت‌های انجام وظیفه را متوجه خود می‌دانستند.

**۶- انجام کار با برنامه و معطوف به هدف:** فعالیت‌ها و انجام امور در فرهنگ و مدیریت جهادی، براساس برنامه از پیش طراحی شده برای رسیدن به هدف یا هدف‌های مشخص است و زمان و مکان و اولویت بندی امور از ضروریات انجام هر فعالیت است. در اینجا اهداف سازمان، مدیریت و افراد در یک راستا قرار دارد. در نتیجه تقابل یا تضاد در مسیر و اهداف حداقل است.

**۷- با انگیزه، خودجوش و شاداب:** چون کار جهادی با عشق به معبود و برای دست یافتن به بالاترین و والاترین هدف انجام می‌شود در نتیجه اولاً با خودجوشی و

خودباوری همراه است، ثانیاً همراه با انگیزه و مشتاقانه است و خستگی در آن جایی ندارد. لذا برای افراد، شادابی و سرزندگی در ابتدای کار و بیان آن تفاوت چندانی ندارد.

**۸- صفا، صمیمیت و هماهنگی:** باتوجه به اهداف مشترک و هم‌جهتی مسیر مجموعه و نیز غیرمادی بودن اهداف، جو حاکم بر گروه‌های کاری و نیز سلسله‌مراتب سازمانی، یکرنگی، صمیمیت، هماهنگی و همراهی در حداعلا بوده و در اینجا «همه با هم» مصداقی عینی دارد؛ ضمن اینکه تقسیم کار وجود دارد. ولی در شرایطی که ایجاب می‌کند تا به همدیگر یاری برسانند، منتظر تعارف نبوده و به‌طور خودجوش، بدون اینکه انتظاری از دیگران داشته باشد و حتی اگر مقدور باشد به دور از چشم او، یاری می‌رساند. در نتیجه در محیط کاری، افراد همدیگر را به‌عنوان برادر و خواهر قلمداد و خطاب می‌کنند و این واژه تصادفی نیست، بلکه از اخوت در فرهنگ دینی سرچشمه گرفته و عالمانه انتخاب و به کار برده می‌شود.

**۹- شجاعت و ریسک‌پذیری:** جهادگر در عین اینکه با تدبیر عمل می‌کند ولی نمی‌تواند محافظه کار باشد. بنابراین در انجام امور تجربه نشده با جدیت و توکل بر خداوند متعال و توانایی‌های فنی خود و همکاران سعی می‌کنند ناشناخته‌ها را شناخته و گره‌های کور را بازکنند.

**۱۰- مردم‌محوری و مشارکت‌جویی:** محور و مقصود از فعالیت جهادگران، ارائه خدمات به مردم با مشارکت و همراهی آنها است و حضور مردم را در همه مراحل برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها و فعالیت‌ها مغتنم شمرده و جلب مشارکت آنها را برای خود تکلیف می‌دانند.

حضرت امام خمینی (ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی و پایه‌گذار جهاد سازندگی، در خصوص جهاد و فرهنگ جهادی می‌فرمایند: «... همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند و البته آن جاهایی که بیشتر خراب هست، مثل آنجاهایی که روستاها، آنجاهایی که مسکن‌های عشایر هست، دهات دورافتاده ... و البته

مأمورین دولت در هر جا - آنها هم - مردم با آنها تشریک مساعی کنند ... شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد ...»

و در آخرین پیام‌شان به جهادگران می‌فرمایند: «... عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم، چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است. وسعت دامنه گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد، جنگ و صلح، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی این مرز و بوم را فرا گرفته است. جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت است ... فرزندان عزیز جهادی‌ام! به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است ... امیدوارم از سیاست صخره‌های سخت «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» عبور کنید که اگر ایران را بر پایه استقلال واقعی پایه‌ریزی نکنیم، هیچ کاری نکرده‌ایم. چشم امید من به شما سازندگان پرشور و نشاط اسلامی است.»

### جایگاه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی عشایر در کشور:

بر اساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده کشور که در تیرماه ۱۳۸۷ هجری شمسی توسط مرکز آمار ایران انجام شده است، عشایر با جمعیتی حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر و ۲۲۰/۰۰۰ خانوار در قالب ۱۰۴ ایل، ۵۵۲ طایفه مستقل و ۲۱۰۰۰ کوچکترین رده، حدود ۱/۸ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند. عشایر علاوه بر سلسله مراتب ایلی، در حال حاضر در قالب تعداد ۲۷۵ تشکل عشایری (تعاونی عشایری شهرستان، اتحادیه تعاونی استان، اتحادیه مرکزی، تعاونی تولید، صندوق خرد زنان و ...) متشکل شده‌اند که تعاونی‌های مذکور با جمع آوری و هم‌افزایی سرمایه‌های اندک اعضا، بخشی از خدمات موردنیاز آنها را تأمین و ارائه می‌کنند.

تعداد دام عشایر حدود ۲۴ میلیون واحد دامی است که ۲۸ درصد دام سبک و ۴ درصد دام سنگین کشور را شامل می‌شود. سالانه حدود ۹ میلیون واحد دامی مازاد بر نیاز عشایر وارد بازار مصرف می‌شود که میزان گوشت حاصل از آنها، بالغ بر ۱۶۲ هزار

تن (۲۰ درصد تولید گوشت قرمز کشور) می‌باشد. علاوه بر آن، تولید ۴۰۰ هزار تن شیر و ۱۴ هزار تن پشم، سایر تولیدات دامی عشایر را تشکیل می‌دهد.

میزان اراضی کشاورزی و باغی عشایر در مجموع ۷۵۰۵۰۷ هکتار بوده است که ۴/۲ درصد اراضی کشاورزی کشور را تشکیل می‌دهد.

عشایر سالانه بالغ بر ۱/۴ میلیون مترمربع صنایع دستی داری و ۸۹۰۰۰ مورد صنایع دستی غیرداری تولید می‌کنند که از نظر کمی، حدود ۳۵ درصد کل صنایع دستی تولیدی کشور است.

در مجموع سالانه حدود ۵ میلیون تن محصولات دامی، زراعی، باغی و غیره توسط عشایر به ارزش ۲۶۰۰۰ میلیارد ریال تولید می‌شود که ۵ درصد کل تولیدات کشاورزی کشور را به خود اختصاص می‌دهد و به طور متوسط، ارزش تولیدات سالانه هر خانوار عشایری معادل ۱۱۴ میلیون ریال است. ارزش منابع تولید عشایر منهای ارزش مراتع، براساس نرخ‌های سال ۱۳۸۷، معادل ۱۰۰/۰۰۰ میلیارد ریال است که به طور متوسط ارزش دارایی هر خانوار عشایر حدود ۴۵۵ میلیون ریال می‌باشد.

عشایر کوچنده به عنوان میراث اجتماعی و فرهنگی کشور، بقایای شیوه زندگی بدوی، باورهای سنتی، آداب و رسوم کهن و آئین‌های بومی و محلی تاریخ ایران عزیز هستند که برگرفته از روح خداپرستی، اعتقاد به وحدانیت و دین باوری مبتنی بر روح انسانی پاک و زلال و عبودیت در مقابل معبود است که شاهد آن صداقت، مردانگی، جوانمردی، شجاعت، نوع دوستی، مهمان نوازی و در نهایت تلاش، ایثار، توکل و قناعت است.

از نظر سیاسی، عشایر در طول تاریخ، نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد، استمرار و در نهایت تغییر حکومت‌ها داشته‌اند ولی به مرور زمان این نقش کمرنگ شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، عشایر، یکی از حامیان استوار امام و انقلاب اسلامی بودند. حضور آنها در خنثی‌سازی توطئه دشمنان خارجی و داخلی و هوشیاری آنها، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی-سیاسی و به خصوص حضور به موقع و موثر در دفاع مقدس و تقدیم شهدای عزیزی که به نسبت جمعیت‌شان، بالاترین درصد را در قیاس با



جامعه شهری و روستایی دارند و نیز اهدای کمک‌های مالی به جبهه‌ها و رزمندگان اسلام، برگ زرینی است که در سابقه عشایر در جمهوری اسلامی به یادگار مانده است.

### روند تحولات عشایر کوچنده طی دو دهه گذشته:

جامعه عشایری در طی دو دهه گذشته در زمینه‌های مختلف تغییر و تحولات زیادی را داشته است به نحوی که تغییرات در دهه دوم به خصوص در بعد اقتصادی، بسیار چشمگیر بوده است. در جدول زیر بخشی از این تغییرات به شکل مقایسه‌ای ارائه شده است.

**جدول شماره (۱): وضعیت اجتماعی عشایر طی سه سرشماری ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷**

عنوان	واحد	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۷	% رشد کل	% رشد سالانه
تعداد خانوار	خانوار	۱۸۰۲۳۳	۱۹۹۹۷۵	۲۱۳۱۷۳	۱۸/۳	۰/۹۱
جمعیت	نفر	۱۱۵۲۰۹۹	۱۳۰۴۰۸۹	۱۱۹۹۸۱۰	۴/۱۴	۰/۲۱
بعد خانوار	نفر	۶/۳۹	۶/۵۲	۵/۵۸	-۱۲/۷	-۰/۶۳
نسبت جنسی	درصد	۱۰۸	۱۰۷	۱۰۶	-۱/۸۵	-۰/۹۳
تعداد ایل	ایل	۹۲	۱۰۲	۱۰۴	۱۳	۰/۶۵
تعداد طایفه	طایفه	۵۴۷	۵۹۳	۵۵۲	۰/۹۱	۰/۰۵
میزان باسوادی	درصد	۲۷	۵۰	۶۳	۱۳۳	۶/۷
نرخ بیکاری	درصد	۱	۳	۴	۳۰۰	۱۵
تعداد تشکل	مورد	۱۹۸	۲۱۱	۲۷۵	۳۹	۱/۹

ماخذ: مرکز آمار ایران

همان طور که در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود، رشد فزاینده تعداد خانوار و کاهش جزیی جمعیت و در نتیجه کاهش چشمگیر بعد خانوار، یکی از تغییرات چشم‌نواز این دوره می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که جامعه عشایری کشور از

خانواده‌های هسته‌ای به سمت خانوارهای مستقل حرکت کرده است و نظام ایلی و به تبع آن، نظام خانواده منسجم در حال از هم پاشیدگی است.

افزایش میزان باسوادی از ۲۷ درصد در سال ۱۳۶۶ به ۶۳ درصد در سال ۱۳۸۷ بیانگر این واقعیت است که هم دولت در این رابطه همت به خرج داده است و هم عشایر تمایل بسیار خوبی به امر مهم سوادآموزی داشته است. اگر فرض کنیم که روند باسوادی عشایر در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همین روند ۲۰ سال گذشته رشد کرده است، درمی‌یابیم که میزان باسوادی در این جامعه در پایان سال ۱۳۵۷ حدود ۱۲/۵۳ درصد بوده است، یعنی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۸۷/۵ درصد جمعیت عشایر کوچنده بیسواد بوده‌اند.

در زمینه آمار بیکاری در این جامعه در طی مدت مذکور به مقدار زیادی رشد بیکاری مشاهده می‌شود. این موضوع نشان دهنده وضعیت نامناسبی در روند این شاخص مهم جامعه است که بخش عمده‌ای از این موضوع به بیکاری و عدم زمینه اشتغال در کشور برمی‌گردد. اما بخش دیگر را باید در داخل جامعه جستجو کرد که یکی از دلایل، عدم تمایل تعدادی از جوانان عشایری به ادامه زندگی عشایری است و دلیل دیگر محدودیت منابع تولید در مناطق عشایری و پائین بودن مهارت عشایر برای بهره‌گیری از منابع موجود می‌باشد ولی اگر برنامه‌ریزی مناسبی برای بهره‌برداری بهتر از منابع صورت گیرد، بخش عمده‌ای از مشکل اشتغال عشایر قابل حل خواهد بود.

از نظر مسائل اقتصادی، همان‌گونه که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، حتی در طی دو دهه گذشته، تغییرات قابل توجهی در زندگی عشایر وجود داشته است. اگرچه تعداد دام در دهه اول، رشد چشمگیری را نشان می‌دهد ولی در دهه دوم، تقریباً ثابت مانده است اما میزان دام قابل عرضه عشایر همچنان رشد مناسبی را داشته است که نشان‌دهنده بکارگیری روش‌های دامداری مبتنی بر اصول فنی و علمی و رعایت بهداشت و تغذیه مناسب دام است.

تغییرات و تحول جدی که در آمار ملاحظه می‌شود، افزایش میزان اراضی زراعی و باغی و رشد حدود ۲۵۰ درصدی اراضی آبی عشایر است که می‌تواند گویای هدایت‌ها، حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و نیز توجه و تمایل عشایر به یکجانشینی در یکی از قطب‌های زیست بوم و گرایش به تنوع در منابع تولید و درآمد باشد. افزایش میزان تولیدات و ارزش محصولات تولیدی که دارای رشدی بالاتر از رشد منابع پایه تولید می‌باشد، نیز بیانگر این نکته است که بالا رفتن سطح آگاهی عشایر باعث افزایش بهره‌وری منابع تولید شده است. در مجموع، با توجه به تلاش فراوان، روحیه قناعت پیشگی، داشتن کمترین هزینه و دوری از افراط و تفریط در زندگی، عشایر، یکی از مصادیق واقعی و بارز جهاد اقتصادی به شمار می‌آیند.

#### جدول شماره (۲): وضعیت اقتصادی عشایر طی سه سرشماری عشایر کوچنده (۱۳۶۶)،

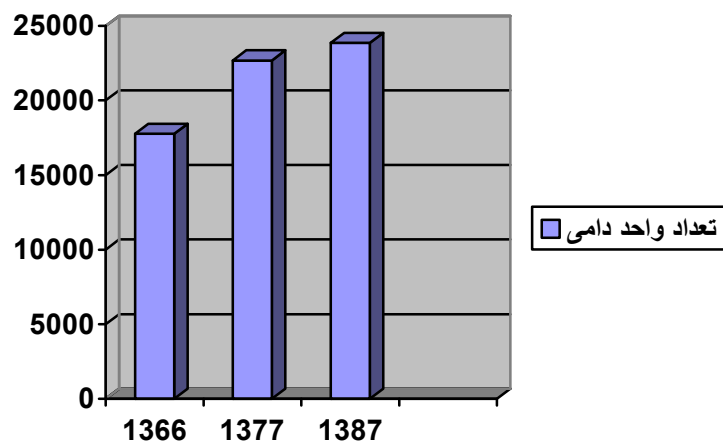
(۱۳۷۷ و ۱۳۸۷)

عنوان	واحد	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۷	% رشد کل	% رشد سالانه
جمعیت دامی	واحد دامی	۱۷۷۶۵۰۰۰	۲۲۶۸۲۰۰۰	۲۳۹۸۷۰۰۰	۳۵/۱	۱/۷۵
دام قابل عرضه	واحد دامی	۵۹۰۰۰۰۰	۷۶۰۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰۰	۴۴/۱	۲/۲
تولید گوشت	تن	۱۰۵۰۰۰	۱۴۳۰۰۰	۱۶۷۰۰۰	۵۹	۲/۹۵
تولید شیر	تن	۲۷۰۰۰۰	۳۴۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰	۳۳/۳	۱/۷
تولید پشم	تن	۹۷۰۰	۱۱۷۶۰	۱۲۳۴۰	۲۷/۲	۱/۴
اراضی زراعی آبی	هکتار	۱۱۲۴۵۴	۱۱۴۲۳۱	۲۶۷۵۲۸	۱۳۸	۶/۹
اراضی زراعی دیم	هکتار	۲۱۸۲۷۱	۲۳۰۵۳۱	۴۱۹۵۱۳	۹۲/۲	۴/۶
باغات	هکتار	۱۵۶۶۹	۲۰۷۸۹	۶۳۴۶۶	۳۰۵	۱۵/۲۵
میزان کل اراضی	هکتار	۳۴۶۳۹۴	۳۶۵۵۴۱	۷۵۰۵۰۷	۱۱۷	۵/۸۳
تولیدات زراعی و باغی	تن	۱۳۷۰۰۰۰	۱۸۲۰۰۰۰	۳۹۵۰۰۰۰	۱۸۸	۹/۴۲
میزان مراتع	میلیون هکتار	۲۹	۳۳	۳۲/۵	۱۲/۱	۰/۶
صنایع دستی	مترمربع	۱۴۸۰۰۰۰	۱۳۶۵۰۰۰	۱۴۰۰۰۰۰	۵/۴	۰/۳

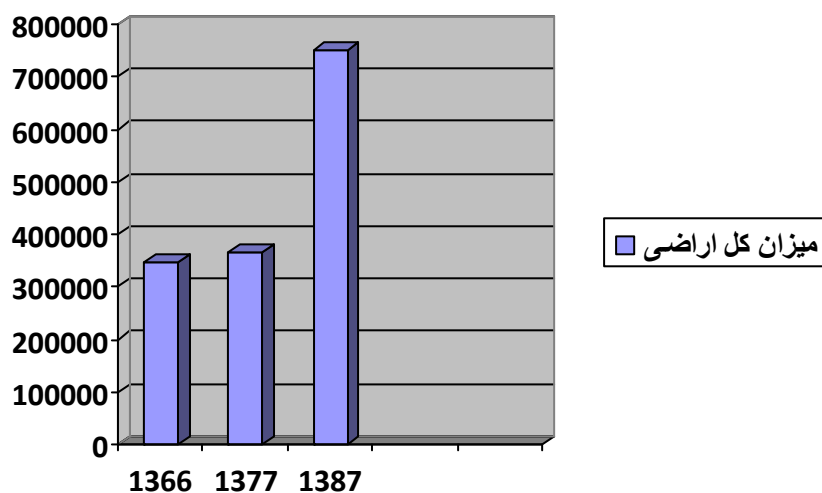
۴	۸۰/۲	۵۱۰۶۰۰۰	۳۲۶۰۰۰۰	۲۸۳۴۰۰۰	تن	میزان کل تولیدات
۶/۲	۱۲۵	۲۶۰۰۰	۱۳۴۸۰	۱۱۵۷۰	میلیارد ریال	ارزش تولیدات
۴/۵۳	۹۱	۱۲۲	۶۷	۶۴	میلیون ریال	درآمد ناخالصی سرانه خانوار
۰/۸۲	۱۶/۵	۱۱۳	۱۱۵	۹۷	واحد دامی	متوسط سرانه دام خانوار
۲/۹	۵۸	۳	۱/۸	۱/۹	هکتار	متوسط سرانه زمین خانوار
۴/۷	۹۴	۱۰۲۴۸۴	۶۲۱۱۸	۵۲۸۸۹	میلیارد ریال	ارزش منابع تولید

نمودار شماره (۱): تغییرات جمعیت دامی طی سه سرشماری عشایر کوچنده (۱۳۶۶)،

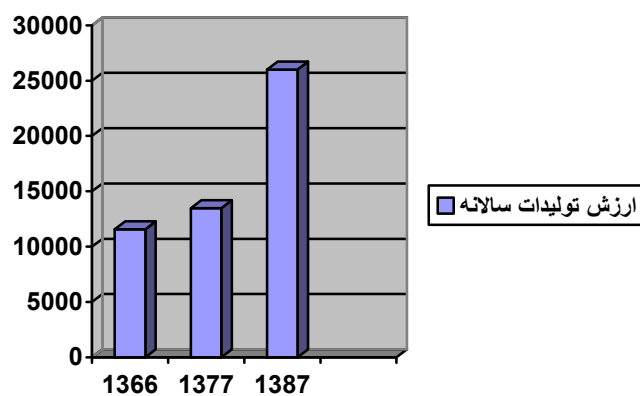
(۱۳۷۷ و ۱۳۸۷)



نمودار شماره (۲): تغییرات میزان اراضی کشاورزی طی سه سرشماری عشایر کوچنده  
(۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷)



نمودار شماره (۳): ارزش تولیدات سالانه عشایر طی سه سرشماری عشایر کوچنده  
(۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷)



### نقش فرهنگ و روحیه جهادی در سازندگی:

جهاد که برگرفته از تعالیم الهی و یکی از فروع دین در مکتب متعالی اسلام است، تکلیفی است که خداوند متعال برای اصلاح امور سخت و سرنوشت ساز افراد و جوامع بیان فرموده است. در نتیجه، هر جا که مشکلی برای امت اسلامی یا بخشی از آنها پیش بیاید، بر همه آحاد مسلمانان به خصوص مردمی که آن مشکل متوجه آنها است، لازم است تا با همه توان و قدرت با توکل به خداوند متعال و با از خودگذشتگی و ایثار به عنوان امتثال امر و انجام تکلیف الهی تلاش کنند تا آن مشکل را برطرف و یا آثار زیانبار آن را به حداقل ممکن برسانند.

در کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حالی که هنوز چند ماهی بیشتر از انقلاب نگذشته بود، به دلیل اهمیت روستاها و مناطق عشایری در تولید و تأمین نیازهای اساسی کشور به خصوص مواد غذایی موردنیاز مردم، حضرت امام خمینی (ره) در ۱۳۵۸/۳/۲۶ فرمان تأسیس جهادسازندگی را صادر فرمودند و در این فرمان همه اقشار مردم و مسئولین را مورد خطاب قرار دادند و آنها را به آبادانی و سازندگی در مناطق روستایی و عشایری فرا خواندند. متعاقب این فرمان تاریخی که با استقبال بسیار خوب مردم و مسئولین به خصوص جوانان مواجه شد. هسته‌های اولیه جهادسازندگی شکل گرفت و با ویژگی‌هایی که جهادگران داشتند در کمترین زمان، ضمن اینکه هسته‌های ایجاد شده به هم متصل و سازمانی منعطف و پویا را به وجود آوردند، فعالیت‌های سازندگی را با مشارکت فعال مردمی، برنامه‌ریزی و اجرایی کردند.

علی‌رغم اینکه کار جهادی، همه مناطق شهری، روستایی و عشایری را در بر می‌گرفت ولی بعد از حدود ۲ سال، مسئولیت مستقیم عشایر و مناطق عشایری به طور رسمی به جهادسازندگی واگذار شد.

در آن زمان میزان برخورداری اکثر مناطق عشایری از امکانات زیربنایی و حتی خدماتی، صفر یا نزدیک به صفر بود. لذا با اینکه اقداماتی که از ناحیه جهادسازندگی و سایر

دستگاه‌های اجرایی برای روستائیان تأمین شده بود ولی به دلیل صعب‌العبور بودن و عدم وجود امکانات دسترسی به این مناطق، اقدام قابل توجهی برای عشایر انجام نشده بود.

پس از الحاق امور عشایر به جهادسازندگی، هم امور عشایر به امکانات بیشتری مجهز شد و هم از توان امکانات جهادسازندگی برای خدمات‌رسانی بهتر و ایجاد امکانات زیربنایی کمک گرفته شد. در نتیجه فعالیت‌های عمرانی در این مناطق با مشارکت عشایر و همه دستگاه‌های اجرایی شروع شده و ادامه پیدا کرد. نتیجه این اقدامات منجر به این شد که علی‌رغم اولویت جهادسازندگی در بکارگیری منابع در اختیار برای پشتیبانی از جنگ و محدودیت‌هایی که در اثر جنگ تحمیلی برای کشور از نظر اعتبارات و امکانات ایجاد شد تا سال ۱۳۸۰ جهادسازندگی و همه دستگاه‌ها که اقدامات آنها نیز جهادگرانه بود، توانستند میزان برخورداری روستاها و مناطق عشایری را به طور متوسط به حدود ۸۵ درصد برخورداری برسانند که البته این برخورداری در موارد مهمی مانند آب شرب، راه و برق به بالای ۹۵ درصد رسید.

در مناطق عشایری به دلیل اینکه اولاً پراکندگی جمعیت و شیوه زندگی و ثانیاً وجود این مناطق در انتهای خط انجام فعالیت، اجازه بعضی از فعالیت‌ها را نمی‌داد، میزان شاخص‌های برخورداری پائین بود که با عنایت خداوند متعال همان طوری که در فرازهای آینده خواهد آمد، اقدامات خوب و جهشی در طی سال‌های اخیر انجام شد و نتیجه آن باعث ارتقای متوسط شاخص‌های برخورداری و دسترسی عشایر به امکانات خدماتی و زیربنایی شد.

### اقدامات انجام شده در مناطق عشایری:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از روزهای اولیه حاکمیت انقلاب در سال ۱۳۵۸ به دلیل علاقه‌ای که حضرت امام خمینی (ره) و مسئولین انقلاب به عشایر داشتند، اقداماتی به شرح زیر برای بهبود زندگی عشایر انجام دادند که به طور اختصار بیان می‌شود.

### الف: تدوین و تصویب قوانین:

- تأسیس جهادسازندگی و تأکید بر رسیدگی به مسائل مناطق عشایری در مورخه ۱۳۵۸/۳/۲۶ در اولین پیام حضرت امام خمینی (ره).
- تدوین و تصویب لایحه قانونی در مورد تشکیل شورای عالی عشایر در مورخه ۱۳۵۹/۲/۳ توسط شورای انقلاب اسلامی ایران.
- تدوین و تصویب لایحه قانونی درباره هزینه‌های اضطراری عشایری به مبلغ ۵۰ میلیون ریال در مورخه ۱۳۵۹/۴/۲۵ توسط شورای انقلاب اسلامی ایران.
- مصوبات مختلف شورای عالی عشایر و شوراهای عشایری استان‌ها.
- تصویب نامه تشکیل شورای عالی عشایری در مورخه ۱۳۶۵/۷/۹ در هیئت وزیران.
- تدوین و تصویب آئین نامه ساماندهی عشایر در مورخه ۱۳۸۴/۳/۲۹ در هیئت وزیران.
- مصوبات مختلف قوانین برنامه پنج ساله و بودجه سالانه کشور برای ساماندهی به زندگی عشایر.
- تدوین و تصویب ۷ مورد مصوبه شورای عالی عشایر و ابلاغ آنها به دستگاه‌های اجرایی در مورخه ۱۳۸۹/۵/۱۲ برای اجرا توسط دبیر محترم هیئت دولت.

### ب- مطالعات:

شناخت استعدادها، توانمندی‌ها، پراکنش جمعیت در عرصه جغرافیا و ... یکی از ضرورت‌های برنامه‌ریزی برای توسعه هر جامعه یا منطقه به شمار می‌آید. سازمان امور عشایر ایران با درک این موضوع در دهه ۸۰ اقدام به انجام یک مطالعه جامع تحت عنوان «مطالعه زیست بوم‌ها و انجام سامانه‌بندی» که عنوانی متناسب با شیوه زندگی عشایر می‌باشد، کرده است. بخش عمده‌ای از زیست بوم‌ها (در حدود ۹۰ درصد) و حدود ۷۵ درصد سامانه‌ها و سامان‌های عرفی عشایر در دو قطب بیلاق و قشلاق در آن مقطع شناسایی شده و بقیه کار در سال‌های اخیر تکمیل شده و یا در حال تکمیل است که نتیجه آن در جدول شماره (۳) آورده شده است.



پس از اقدام برای شناسایی دقیق منابع و طراحی پروژه های اجرایی، مطالعات سطح نیمه تفصیلی برای امکان سنجی توسعه فعالیتها و افزایش تولید انجام شده است و متعاقب آن شناسایی پتانسیلها و مکانیابی کانونها و در نهایت مطالعات دقیق و تهیه نقشه های اجرایی که عمده تاً برای اسکان عشایر صورت گرفته است، انجام شده است. نتایج این مطالعات را می توان در جدول شماره (۵) ملاحظه کرد که این موضوع دلالت بر دوراندیشی و برنامه ریزی معطوف به هدف مسئولین وقت سازمان دارد.

### جدول شماره (۳): مطالعات جامع انجام شده برای شناخت بهبود زندگی عشایر

ردیف	عنوان	تعداد پروژه	حجم کار	واحد حجم
۱	مطالعه زیست بومهای عشایری *	۱۶۶	۱۸۱۴۰۰	خانوار
۲	سامانه بندی زیست بومهای عشایری *	۱۸۳۷	۱۵۹۱۶۸	خانوار
۳	امکان سنجی توسعه فعالیتها و افزایش تولید	۴۶۸	۱۲۸۵۰۰	خانوار
۴	شناسایی پتانسیلها و مکانیابی کانونها	۳۳۸	۶۳۰	کانون
۵	تهیه برنامه عملیاتی و تجهیز کانونها	۴۲۵	۵۳۲۱۰	خانوار
۶	تدوین نظام بهره برداری	۲۹	۶۴۰۰	خانوار
۷	ارزیابی و نظارت	۲۵۰	۲۵۰	مورد

ماخذ: سازمان امور عشایر ایران

\* ۹۰ درصد زیست بومهای عشایری کشور مورد مطالعه قرار گرفته اند.  
 \* از کل سامانه های عشایری کشور، تعداد ۵۵۱ مورد مطالعه شده و اطلاعات آنها در سیستم GIS سازمان وارد شده است.  
 در طول برنامه چهارم، مجموعاً ۴۷۰ مورد مطالعه انجام شده است که ۶۷۵۳۸ هکتار اراضی، ۲۲۰۴۷ لیتر برثانیه آب و ۵۷۴۴۸ خانوار را در ۱۸۴ کانون اسکان دربرمی گیرد.

### ج- اقدامات اجرایی:

در ابعاد اجرایی و خدمات‌رسانی بر اساس جایگاه و حقوقی که مسئولین انقلاب و نظام جمهوری اسلامی برای عشایر قائل بودند به خوبی به مسائل و مشکلات آنها پرداخته شد و خدمات بسیار خوبی نیز به آنها ارائه شد.

البته باید توجه کرد به دلیل اینکه مناطق عشایری از لحاظ جغرافیایی و مکانی بعد از مناطق روستایی واقع شده‌اند، برای دریافت بخشی از خدمات مانند راه، برق، مخابرات و غیره باید منتظر می‌ماندند تا این خدمات که به صورت شبکه پیوسته هستند به مناطق عشایری نزدیک شوند ولی در سایر موارد، خدمات در خور توجهی ارائه شده است که برخی از این اقدامات در جدول شماره (۴) بیان شده است. هرچند اقدامات خوبی انجام شده است ولی این اقدامات تاکنون نتوانسته است میزان برخورداری عشایر از نیازهای اساسی و زیربنایی را به میزان برخورداری روستاها نزدیک کند و همان طور که در بخش‌های بعدی اشاره خواهد شد فاصله بین این دو جامعه همچنان بسیار زیاد است.

#### جدول شماره (۴): عملیات ارائه خدمات پشتیبانی به کوچندگان

ردیف	عنوان	تعداد پروژه	حجم کار	واحد حجم
۱	آبشخور دام	۶۱۹۱	۶۱۹۱	باب
۲	لایه رومی و مرمت قنوات	۶۰۱۸	۶۰۱۸	رشته
۳	بهبودی چشمه	۲۲۷۰	۲۲۷۰	دهنه
۴	بندخاکی	۲۳۲	۲۳۲	مورد
۵	آبرسانی با تانکر	کلیه مناطق	۸۴۰۹۹۷	خانوار/سال
۶	آب انبار	۳۰۳۵	۷۵۸۷۵۱	مترمکعب
۷	حفر و تجهیز چاه	۲۱۴۲	۲۱۴۲	حلقه
۸	آموزش کارگاهی عشایر	۸۶۶	۸۶۶	اردو
۹	آموزش عشایر	۴۱۲۲	۱۴۴۳۳۱۲	نفر روز
۱۰	راه گشایی	۲۶۹۴	۳۲۳۳۱	کیلومتر

۱۱	احداث راه	۴۲۳۴	۲۹۶۴۰	کیلومتر
۱۲	نگهداری راه	۲۴۴۱	۱۷۰۸۷۹	کیلومتر/سال
۱۳	احداث پل منفرد	۹۵۵	۹۵۵	دهنه
۱۴	احداث سرویس‌های بهداشتی	۴۴۶	۱۷۸۴	دستگاه
۱۵	احداث انبار علوفه و کالا	۹۹	۴۹۵۹۷	متر مربع
۱۶	تاسیسات خدمات عشایر	۲۸۱	۲۸۱	مورد
۱۷	مدیریت و قرق مراتع	۵۴۹	۴۰۳۱۸۵	هکتار

ماخذ: سازمان امور عشایر ایران

#### جدول شماره (۵): اقدامات انجام شده عملیات اجرایی اسکان عشایر

ردیف	عنوان	تعداد پروژه	حجم کار	واحد حجم کار
۱	تامین و لوله کشی آب شرب	۸۲۲	۸۲۲	کانون
۲	تامین و لوله کشی آب شرب	۸۲۲	۹۷۴۹	کیلومتر
۳	تامین و انتقال آب کشاورزی	۱۲۲۴	۶۷۵۵	کیلومتر
۴	تامین و انتقال آب کشاورزی	۱۲۲۴	۱۴۶۹۲	لیتر در ثانیه
۵	حفر و تجهیز چاه	۱۵۸۳	۱۵۸۳	حلقه
۶	احداث راه	۱۴۵۰	۳۳۵۰	کیلومتر
۷	آسفالت راه	۸۳	۳۳۲	کیلومتر
۸	احداث فروشگاه	۱۹۸	۱۵۸۷۵	متر مربع
۹	شبکه برق	۵۲۰	۱۰۵۳	کیلومتر
۱۰	آماده سازی سایت اسکان	۶۹۶	۶۹۶	کانون
۱۱	احداث مدرسه	۱۱۸	۱۴۷۵۳	متر مربع
۱۲	تسطیح و تجهیز اراضی	۳۸۳	۲۲۹۸۶	هکتار
۱۳	اجرای شبکه آبیاری تحت فشار	۲۱	۴۷۰۰	هکتار
۱۴	ایجاد جایگاه سوخت فسیلی *	۱۵۹۵	۱۵۹۵	مورد
۱۵	میزان اراضی واگذار شده	۷۷۲	۱۳۰۷۰۰	هکتار

\* تعداد ۹۳۰ مورد، جایگاه ذخیره و توزیع نفت و ۶۶۵ مورد، جایگاه توزیع گاز می‌باشد.

ماخذ: سازمان امور عشایر ایران

یکی از برنامه‌های بسیار مفید و ارزنده که توسط سازمان امور عشایر ایران و مجموعه دستگاه‌های اجرایی کشور صورت گرفته است، برنامه‌ریزی برای هدایت عشایر به سمت کانون‌های هدایتی و حمایت از عشایری که تمایل به اسکان و یکجانشینی داشته‌اند بوده است که این اقدام پسندیده، اگرچه با نقاط ضعفی همراه بوده است ولی در نوع خود کار ارزشمندی ارزیابی می‌شود. نتایج این اقدام موجب شده است تا:

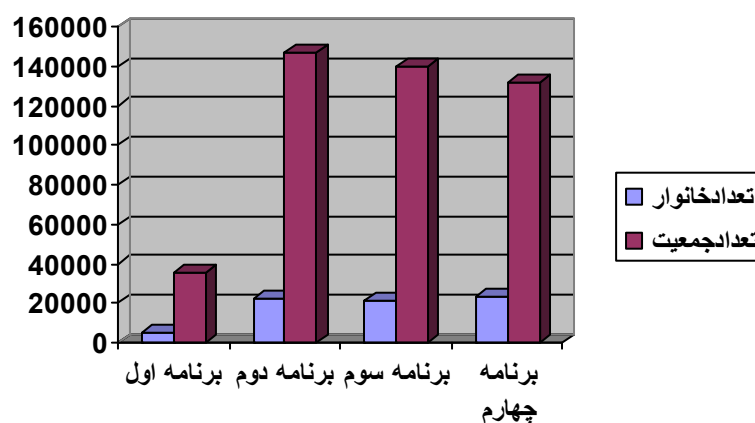
- ۱- عشایر در عرصه تولید باقی بمانند.
  - ۲- از مهاجرت عشایر به شهرها و حاشیه نشینی جلوگیری شود.
  - ۳- به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست کمک شود.
  - ۴- در منابع تولید و درآمد عشایر تنوع ایجاد شود.
  - ۵- مناطق مرزی و دورافتاده از جمعیت خالی نشود.
  - ۶- به افزایش تولید محصولات کشاورزی و خودکفایی کشور کمک شود.
  - ۷- سطح زندگی عشایر از نظر رفاهی و دسترسی به امکانات بهبود یابد.
- همان طوری که در جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود در طی چهار برنامه گذشته، حدود ۷۲۰۰۰ خانوار با ۴۵۰۰۰۰ نفر جمعیت در بیش از ۱۴۵۰ کانون هدایتی و حمایتی ساکن شده‌اند و باتوجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره (۵)، امکانات بسیار خوبی برای آنها فراهم شده است که نشان دهنده حمایت خوب مسئولین زیربط است. نکته قابل توجه در این جدول و نمودار مربوطه این است که علیرغم اینکه تعداد خانوار اسکان یافته رشد یافته است ولی تعداد نفرات کاهش نشان می‌دهد که بیان‌کننده کنترل جمعیت در این جامعه است.

جدول شماره (۶): تعداد عشایر اسکان یافته طی برنامه‌های توسعه پنجگانه کشور تا پایان

سال ۱۳۸۹

برنامه	تعداد خانوار	جمعیت	درصد خانوار
برنامه اول	۵۲۶۱	۳۵۲۴۵	۷
برنامه دوم	۲۱۹۳۹	۱۴۶۹۹۱	۳۰
برنامه سوم	۲۱۵۳۸	۱۴۰۰۰۰	۳۰
برنامه چهارم	۲۳۱۸۸	۱۳۱۶۶۰	۳۳
جمع	۷۱۹۲۶	۴۵۳۸۹۶	۱۰۰

نمودار شماره (۴): مقایسه عملکرد اسکان عشایر در برنامه‌های مختلف توسعه



جدول شماره (۷): عملکرد سایر دستگاه‌های اجرایی (اعتبار به میلیارد ریال)

رتبه	جمع امتیاز	امتیاز *	اعتبار	امتیاز *	تعداد استان	امتیاز *	تعداد پروژه	نام دستگاه
۲	۱۴۳	۳۰	۹۳۰	۵۰	۱۳	۶۳	۱۶۹۰	جهاد کشاورزی
۴	۱۳۰	۳۶	۱۱۴۷	۷۳	۱۹	۲۱	۵۴۸	راه و ترابری
۳	۱۴۰	۶۰	۱۹۰۴	۵۰	۱۷	۳۰	۸۱۸	نیرو
۸	۶۸	۳	۱۰۷	۵۰	۱۳	۱۵	۴۲۸	بهداشت و درمان
۱۴	۳۰	۱۴	۴۲۸	۱۳	۵	۳	۵۰	نفت
۱	۱۵۴	۶۳	۱۳۰۴	۵۴	۱۴	۳۷	۹۶۷	آموزش و پرورش
۹	۶۶	۹	۲۸۴	۳۰	۸	۲۷	۷۱۷	ارتباطات و فناوری
۱۵	۳۰	۳	۹۱	۲۱	۵	۶	۱۶۲	فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵	۱۰۰	۷	۲۲۰	۵۴	۱۴	۳۹	۱۰۲۹	مسکن و شهرسازی
۱۹	۱۱	۰	۱	۱۱	۳	۰	۱۱	کار و امور اجتماعی
۱۳	۳۳	۲	۵۱	۱۹	۵	۳۶	۹۳۰	کمیته امداد امام خمینی (ره)
۷	۸۴	۳	۹۸	۷۴	۲۶	۷	۱۹۵	رفاه و تامین اجتماعی
۲۰	۱۱	۰	۶۰	۱۱	۳	۰	۳۷	کشور
۱۶	۲۶	۰	۲۲	۲۳	۶	۳	۷۱	میراث فرهنگی و ...
۱۷	۱۵	۰	۰٫۹۵	۱۵	۴	۰	۲۴	تربیت بدنی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	بازرگانی
۲۳	۴	۰	۱	۴	۱	۰	۱	محیط زیست
۱۱	۵۷	۰	۴٫۳	۵۴	۱۴	۳	۵۷	امور زنان ریاست جمهوری
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	صنایع و معادن
۲۱	۸	۰	۰	۸	۲	۰	۲	تعاون
۱۸	۱۵	۰	۰٫۹۵۵	۱۲	۳	۳	۵۶	هلال احمر
۱۲	۵۴	۰	۰٫۴	۵۴	۱۴	۰	۴	صدا و سیما
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	دادگستری
۱۰	۶۱	۰	۲	۶۱	۱۶	۰	۱۹	نواحی مقاومت
۲۲	۶	۲	۴۱	۴	۱	۰	۱۷	نیروی انتظامی
۲۴	۰	۰	۲۸۵۰	۱۰۰	۲۶	۰	۰	اقتصاد و دارایی
۶	۱۰۰	۰	۹	۱۰۰	۲۶	۰	۳۸	صندوق بیمه محصولات کشاورزی
			۹۴۹۷/۲۰۵				۷۸۷۱	جمع

\* وزن فاکتورهای مورد مقایسه به ترتیب برای پروژه، استان و اعتبار ۳، ۱ و ۲ در

نظر گرفته شده است.

### وضعیت شاخص‌های توسعه در مناطق عشایری:

باتوجه به اقدامات انجام شده در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق روستایی و عشایری کشور که توسط کلیه دستگاه‌های اجرایی به ویژه جهادگران جهادسازندگی صورت گرفته است، در سال‌های برنامه چهارم، بر اساس سیاست‌های محوری نظام و با عنایت به گشایش‌های اعتباری، با شتاب بیشتری ادامه پیدا کرد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های زندگی عشایر از نظر کمی و کیفی در همه زمینه‌ها بهبود نسبتاً خوبی یافته است ولی تعداد زیادی از شاخص‌های توسعه انسانی از جمله بهداشت و درمان، آموزش و پرورش در مقاطع بعد از ابتدایی، رفاه و تامین اجتماعی و ... این جامعه همچنان با جوامع روستایی و شهری فاصله زیادی دارد.

با عنایت به اینکه دستگاه‌های اجرایی و منابع آماری کشور، فاقد اطلاعات آماری در زمینه شاخص‌های عشایری هستند و این موضوع نیز یکی از محرومیت‌های این جامعه قلمداد می‌شود، در اینجا با استفاده از اطلاعات سرشماری عشایر کوچنده و نیز اطلاعات موجود در سازمان امور عشایر ایران، اطلاعاتی در زمینه تعدادی از شاخص‌های توسعه و برخورداری عشایر از امکانات و خدمات زیربنایی به شرح جدول شماره (۸) جمع آوری شده است که از یک طرف به دلیل رشد مناسب اکثر این شاخص‌ها، بیان کننده ارائه خدمات خوب و گسترده به عشایر است و از طرف دیگر بیان کننده محرومیت این جامعه می‌باشد.

لازم به ذکر است که اگرچه اطلاعات مکتوبی از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و چند سال اولیه پس از پیروزی انقلاب در زمینه وضعیت این شاخص‌ها در دست نیست ولی با در نظر گرفتن روندی که طبق اطلاعات جداول شماره ۱ و ۲ همین مقاله در سه سرشماری انجام شده از کوچندگان مشاهده می‌شود و بر اساس تجربیات شخصی

نگارنده، وضعیت شاخص‌های مذکور در این جامعه غیر از میزان باسوادی که ۱۲/۵۳ درصد بوده است، کمتر از ده درصد و در اکثر شاخص‌ها صفر بوده است.

**جدول شماره (۸): میزان برخورداری و دسترسی عشایر کشور از اهم شاخص‌های توسعه از**

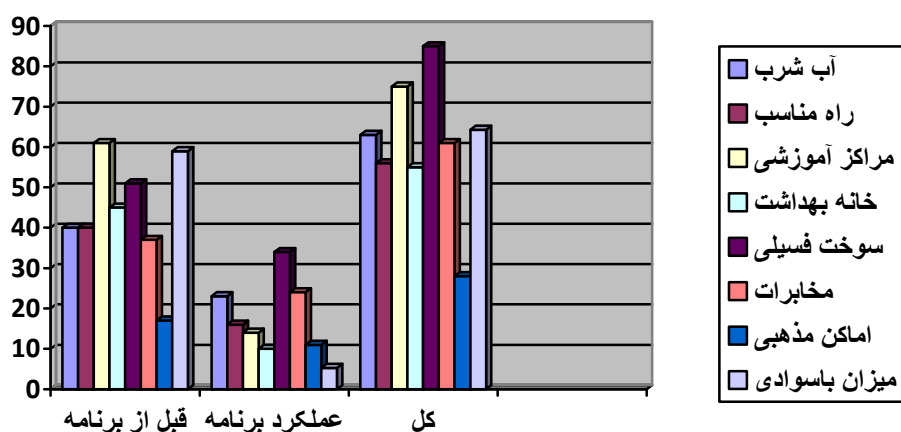
**ابتدا تا پایان سال ۱۳۸۸**

ردیف	عنوان شاخص	پایان برنامه سوم (۱۳۸۳)		عملکرد برنامه چهارم (۱۳۸۴) - (۱۳۸۸)		پایان برنامه چهارم (۱۳۸۸)		درصد رشد
		جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	
۱	آب آشامیدنی بهداشتی	۴۸۱۷۳۲	۴۰	۲۷۰۱۴۸	۲۳	۷۵۱۸۸۰	۶۳	۵۷
۲	راه دسترسی	۸۵۲۰۰۰	۷۱	۲۶۴۰۰۰	۲۲	۱۱۱۶۰۰۰	۹۳	۳۱
۳	راه با رویه شنی	۴۸۱۳۳۹	۴۰	۱۸۹۷۶۰	۱۶	۶۷۱۰۸۹	۵۶	۴۰
۴	راه با روکش آسفالت	۱۳۷۶۷۲	۱۱	۱۴۷۷۲۴	۱۳	۲۸۵۳۹۶	۲۴	۱۱۸
۵	برق	۴۹۰۰۶۴	۴۱	۲۰۵۳۶۱	۱۷	۶۹۵۴۲۵	۵۸	۴۱
۶	خانه بهداشت	۵۳۵۷۱۰	۴۵	۱۱۴۰۵۴	۱۰	۶۴۹۷۶۴	۵۵	۲۲
۷	مراکز آموزش ابتدایی	۷۲۷۲۱۹	۶۱	۱۷۴۴۵۲	۱۴	۹۰۱۶۷۱	۷۵	۲۳
۸	مراکز آموزش راهنمایی	۳۰۹۸۹۵	۲۶	۴۹۲۶۶	۴	۳۵۹۱۶۱	۳۰	۱۵
۹	مراکز آموزش متوسطه	۱۴۷۵۳۰	۱۲	۳۵۷۴۷	۳	۱۸۳۲۷۷	۱۵	۲۵
۱۰	مراکز آموزش پیش دانشگاهی	۵۱۶۱۷	۴	۵۸۹۲	۰/۵	۵۷۵۰۹	۵	۱۲



۱۱	مراکز سوخت فسیلی	۶۰۴۸۶۰	۵۱	۴۰۳۲۴۰	۳۴	۱۰۰۸۱۰۰	۸۵	۶۷
۱۲	مراکز ورزشی	۴۰۳۷۲	۳	۶۷۱۷	۰/۶	۴۷۰۸۹	۳/۶	۲۰
۱۳	مخابرات	۴۳۸۸۲۰	۳۷	۲۸۴۶۴۰	۲۴	۷۲۳۴۶۰	۶۱	۶۵
۱۴	مسکن مناسب	۴۲۱۹۹۷	۳۲	۱۴۹۶۲۸	۱۳	۵۶۹۶۲۵	۴۹	۳۷
۱۵	اماکن مذهبی	۱۹۹۱۶۴	۱۷	۱۳۲۱۶۰	۱۱	۳۳۱۳۲۴	۲۸	۶۵
۱۶	غسالخانه	۴۶۵۹۸	۴	۳۱۲۴۵	۳	۷۷۸۴۳	۷	۷۵
۱۷	کتابخانه	۱۷۷۷۵	۱/۵	۵۶۰۸	۰/۵	۲۳۳۸۳	۲	۳۳
۱۸	پایگاه مقاومت بسیج	۱۹۰۸۷۷	۱۶	۱۶۴۲۴۲	۱۴	۳۵۵۱۱۹	۳۰	۸۷
۱۹	میزان اراضی آبی	۲۳۷۱۱۹	۲۰	۴۱۶۰۷	۳/۵	۲۷۸۷۲۶	۲۳/۵	۱۷
۲۰	میزان اراضی دیم	۲۸۵۶۸۱	۲۴	۳۲۵۸۵	۳	۳۱۸۲۶۶	۲۷	۱۲
۲۱	اجرای طرح هادی	۵۹۲۷۹	۵	۵۲۹۶۹	۴	۱۱۲۲۴۸	۹	۸۰
۲۲	میزان باسوادی	۶۱۵۵۹۸	۵۹	۵۵۷۵۴	۵/۳	۶۷۱۳۵۲	۶۴/۳	۹
۲۳	میزان برخورداری از بیمه خدمات درمانی	۲۶۰۸۰۰	۲۰	۹۰۰۰۰۰	۷۵	۱۱۴۰۰۰۰	۹۵	۲۷۵
۲۴	میزان برخورداری از بیمه تامین اجتماعی	۲۱۳۰	۱	۳۵۱۴۵	۱۶/۵	۳۷۲۷۵	۱۷/۵	۱۷۵۰

**نمودار شماره (۵): مقایسه تعدادی از شاخص‌های دسترسی و برخورداری عشایر قبل و بعد از برنامه چهارم (درصد)**



**پیش بینی تحولات آینده جامعه عشایر کوچنده:**

با توجه به اینکه خدمات‌رسانی به روستاها در حال تکمیل شدن بوده و امکانات و زیربنای موردنیاز به نزدیکی مناطق زندگی عشایر رسیده است و از طرفی با وجود آئین نامه ساماندهی و مصوبات شورای عالی عشایر و نیز احکام مرتبطی که در برنامه پنجم پیشرفت و توسعه پیش بینی شده است، توجه نظام به مناطق کمتر توسعه یافته و عدالت محوری دولت و همچنین استعدادهای بالقوه مناطق عشایری در سال‌های آینده، ارائه خدمات و ایجاد زیربنای تولیدی و رفاهی مناطق عشایری رشد چشمگیری خواهد داشت.

با عنایت به علاقمندی عشایر به یکجانشینی و استفاده حداکثری از امکانات زیربنایی و خدمات رفاهی ایجاد شده در این مناطق، با ایجاد امکانات خدماتی و زیربنایی، خانواده‌های عشایر و جوانان، عمدتاً در مناطق قشلاقی تمایل به یکجانشینی داشته و تعدادی از اعضای خانواده آنها به صورت رمه‌گردانی، دام‌ها را برای چرا به مراتع بیلاقی

خواهند برد. این موضوع باعث بهبود زندگی و رفاه خانواده‌ها می‌شود ولی زندگی عشایری که میراث اجتماعی کشور است، دچار تغییر و دگرگونی جدی خواهد شد که جبران آن اگر نگوئیم غیرممکن است، بسیار دشوار خواهد بود.

### نتیجه گیری:

باتوجه به مطالب بیان شده در فرازهای قبلی به طور خلاصه می‌توان گفت که:

- ۱- شیوه زندگی و فرهنگ حاکم بر تولید در جامعه عشایری مصداق عینی و بارز جهاد اقتصادی است.
- ۲- علی‌رغم دوردست بودن مناطق عشایری و پراکندگی این جمعیت، فرهنگ عدالت محور نظام، مدیریت و فرهنگ جهادی و تلاش و جدیت همه دستگاه‌های اجرایی موجب شده است تا جامعه فراموش شده عشایری مورد توجه قرار گرفته و اقدامات مفید و موثری به خصوص در زمینه فعالیت‌های خدماتی برای کم کردن مشکلات و بهبود زندگی آنها صورت گیرد.
- ۳- به دلیل دور بودن این مناطق از منابع زیربنایی در سال‌های دهه اول انقلاب و حتی دهه دوم، انجام بخشی از امور زیربنایی برای دولت میسر نبوده در نتیجه در این موارد برخورداری عشایر فاصله زیادی با جامعه روستایی دارد.
- ۴- با تصویب و ابلاغ آئین نامه ساماندهی و حضور موثرتر دستگاه‌های اجرایی، ارتقای شاخص‌های زیربنایی و رفاهی در مناطق عشایری رشد چشمگیری داشته و شاهد آن، رشد ۱۵ برابری اعتبارات و ارتقای ۲۰ درصدی شاخص‌های عمده مناطق عشایری در برنامه چهارم توسعه نسبت به پایان برنامه سوم است.
- ۵- مناطق عشایری علیرغم اقدامات خوب انجام شده و استعدادهای بالقوه فراوان، همچنان از محروم‌ترین مناطق کشور بوده و لازم است در آینده سهم بیشتری از منابع و خدمات کشور به این مناطق اختصاص داده شود.

- ۶- جامعه عشایری یکی از میراث‌های فرهنگی و اجتماعی کشور است ولی دستگاه‌های فرهنگی کشور توجه لازم را به مسائل این جامعه ندارند و غیر از آموزش و پرورش، در سال‌های گذشته کمترین حضور را در مناطق عشایری داشته‌اند.
- ۷- باتوجه به تولیدی بودن این جامعه و نیاز به امکانات مالی برای تقویت، استمرار و افزایش تولیدات، علاوه بر ایجاد زیربناهای تولید لازم است تسهیلات مالی موردنیاز آنها متناسب با شیوه زندگی‌شان تامین شود.
- ۸- باتوجه به فرهنگ غنی همیاری و همکاری در بین عشایر، مشارکت‌پذیری بسیار بالایی آنها در اجرا و نگهداری امکانات ایجاد شده بایستی مورد توجه قرار گیرد.
- ۹- بیکاری پنهان و آشکار در جامعه عشایری در حال رشد است. باتوجه به ظرفیت بسیار خوب مناطق عشایری بایستی با برنامه‌ریزی مناسب، این شاخص مهم را بهبود بخشید.

**منابع:**

- ۱- قرآن مجید، سوره مبارکه لقمان، آیه شریفه ۱۹.
- ۲- مرکز آمار ایران، (۱۳۶۶)، نتایج اولین سرشماری عشایر کوچنده.
- ۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۷) نتایج دومین سرشماری عشایر کوچنده.
- ۴- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۷)، نتایج سومین سرشماری عشایر کوچنده.
- ۵- معاونت حقوقی و امور مجلس، (۱۳۷۱)، مجموعه قوانین و مقررات جهادسازندگی.
- ۶- سازمان امور عشایر ایران، (۱۳۸۴)، مجموعه گزارشات عملکرد از ابتدا تا پایان برنامه سوم توسعه.
- ۷- سازمان امور عشایر ایران، (۱۳۸۸)، گزارش عملکرد در برنامه چهارم توسعه.
- ۸- ساگدن، روبرت و آلن ویلیامز، مبانی، تحلیل هزینه، فایده عملی، ترجمه دکتر منصور خلیلی عراقی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- جی، جی تیوزسن، دابلیو، جی فابریکی، اقتصادمهندسی، ترجمه شهیدی پور، آیتی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

## بررسی عوامل مؤثر در تعامل مناسب بین فرهنگ و مدیریت جهادی با

### جامعه عشایری

مهندس مهدی میزبان<sup>۱</sup>

چکیده

از ابتدای قرن ششمی معاصر، با روی کارآمدن حکومت پهلوی، رضا شاه با هدف استقرار دولت متمرکز قدرتمند و اجرای سیاست‌های تجددمآبانه خود، برنامه سرکوب و اسکان اجباری عشایر را به صورت قهرآمیز به اجرا گذاشت. با استمرار این قبیل سیاست‌ها تا زمان سقوط رژیم پهلوی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷، ایلات و عشایر نیز با درک ماهیت سیاسی و غرض آلود برنامه‌های حاکمیت مبنی بر اعمال فشارهای متعدد برای کاهش قدرت و نفوذ آنان، اقدام به مقابله به مثل کرده و حسب شرایط و به انحای مختلف مانند برخورد‌های قهرآمیز و یا تمسک به روش‌های مبارزه منفی، عدم همدلی و همنوایی خود را با برنامه‌های دولتی نشان دادند. در آن دوره، بسیاری از کارگزاران امور اجرایی و برنامه‌ریزی حاکمیت وقت، از این بی‌رغبتی و کم‌اقتبالی عشایر نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی دولت به "نداشتن ظرفیت‌های توسعه و برنامه ناپذیر بودن جمعیت ایلیاتی به خاطر سنتی ماندن" یاد می‌کردند.

این بررسی با مطرح نمودن نظریاتی درباره خصوصیات کلی جامعه سنتی و اثرات محدودکننده آن در مشارکت ضعیف افراد بومی در برنامه‌های رشد و توسعه، با برشمردن ویژگی‌های فرهنگ، مدیریت و روحیه جهادی، در صدد اثبات این فرضیه است که "در صورت برقراری تعامل مناسب بین کارگزاران توسعه با افراد و گروه‌های جوامع بومی، محلی و سنتی، بسیاری از ویژگی‌های ساختارهای فرهنگ سنتی به جای اینکه به عنوان سد راه برنامه‌های توسعه و نوسازی عمل کنند، در موارد زیادی می‌توانند به عنوان زمینه ساز ایجاد انگیزه و جلب مشارکت مردمی عمل نمایند."

---

۱ - کارشناس ارشد مطالعات اجتماعی و معاون دفتر مطالعات جامع عشایر.

### مقدمه

از گذشته‌های بسیار دور تاکنون از نظر الگوی زیست، جمعیت و جوامع مستقر در سرزمین ایران در قالب دو شیوه زیست یکجانشین و متحرک (کوچنده) زندگی می‌کنند. جمعیت یکجانشین، شهرنشینان و بخش زیادی از جمعیت روستایی<sup>۱</sup> کشور را در بر گرفته و جمعیت متحرک شامل عشایر کوچنده، دامداران متحرک روستایی و کولی‌ها هستند.

زندگی عشایری مبتنی بر کوچندگی نیز دارای پیشینه تاریخی بسیار طولانی در ایران است. در این شیوه زندگی، همه ساله افراد و خانوارهای عشایری کوچرو با هدف دسترسی و استفاده دام‌هایشان از علوفه مرتعی تازه و احتراز از سرما و گرمای شدید، بر اساس تقویم کوچ مشخص، به همراه افراد خانواده، اسباب و اثاث و احشام، اقدام به جابجایی بین قلمروهای ییلاقی (سردسیر) و قشلاقی (گرمسیر) می‌نمایند.

ایلات و عشایر، سهم مهمی در تاریخ سیاسی ایران داشته‌اند. حکومت‌ها و سلسله‌های حاکم بر ایران، همواره تحت سلطه یک یا چند ایل قرار داشته‌اند و صحنه سیاسی ایران در طول تاریخ، عرصه رقابت و تاخت و تاز ایلی بوده است.<sup>۲</sup> به ویژه از اواخر سده سوم هجری قمری با روی کار آمدن حکومت غزنویان تا اوایل سده چهاردهم شمسی در اکثر زمان‌ها، حاکمیت سیاسی ایران به صورت متمرکز یا ملوک الطوایفی در اختیار ایلات و عشایر بوده و به تبع آن، عشایر در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تاثیرگذار بوده‌اند؛ تا اینکه از اوایل قرن چهاردهم شمسی با روی کار آمدن حکومت پهلوی و اتخاذ سیاست‌های نوسازی و تجددگرایانه

۱ - با توجه به اینکه همه ساله بخشی از دامداران روستایی مناطق مختلف کشور در فصل بهار (در دوره کوچ بهار) به همراه خانواده و یا به شکل رمه گردانی جهت تغلیف دام‌های خود به مناطق مرتفع کوهستانی اطراف و یا ییلاقات دارای حقوق بهره برداری کوچ می‌کنند، لذا به آنها دامدار متحرک روستایی اطلاق شده و از نظر الگوی زیست در ردیف جمعیت و جوامع غیرثابت یا متحرک (کوچنده) قرار می‌گیرند.

۲ - نقیب زاده، احمد. دولت رضاشاه و نظام ایلی. تهران. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ۱۳۷۹. ص ۷.

رضاشاه، برخورد با ایلات و عشایر با هدف کاهش قدرت و نفوذ آنها در سرلوحه سیاست‌های اجرایی پهلوی اول قرار گرفت و از آن زمان تاکنون، عشایر به اشکال مختلف در معرض سیاست‌گذاری‌های دولتی قرار داشته‌اند. طی دو دوره حاکمیت پهلوی اول و دوم و دوره نظام جمهوری اسلامی، متناسب با نوع نگرش و جهت‌گیری برنامه‌های دولتی، عشایر نیز نسبت به نحوه برخورد‌های دولت واکنش نشان داده و بر آن اساس، نوع تعامل بین عشایر و دولت‌ها شکل گرفته است. در این مقاله با اشاره گذرا به رویکرد حاکم بر سیاست‌گذاری‌های دولت‌های قبل از انقلاب به مسئله ایلات و عشایر، تحلیل اصلی درباره عوامل مؤثر در نگرش انسانی اجتماعی نظام جمهوری اسلامی به جامعه عشایری و اثرات آن بر درک متقابل، تعامل مناسب و مشارکت و همکاری عشایر با ارکان و ارگان‌های نظام اسلامی پرداخته خواهد شد.

**کلید واژه ها:** عشایر کوچنده، مدیریت جهادی، فرهنگ جهادی، ساماندهی عشایر، الگوهای توسعه.

### معرفی مختصر جامعه عشایر کوچنده ایران

بر اساس برآوردهای جمعیتی، حدود یک سده قبل، نزدیک به ۳۰ درصد از جمعیت کشور را عشایر کوچنده تشکیل می‌دادند. از آن زمان تاکنون، با توجه به تشدید جریان اسکان عشایر به صورت اسکان اجباری، اختیاری و یا ناخواسته و بنا به مقتضیات اجتناب ناپذیر، همواره از نسبت جمعیت عشایری کشور کاسته شده است تا اینکه براساس نتایج آخرین سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، عشایر کوچنده با تعداد ۱۰۳ ایل و ۹۵۶ طایفه مستقل در ۲۹ استان کشور استقرار داشته و با تعداد ۲۱۲۶۶۰ خانوار و ۱۱۸۶۳۹۸ نفر جمعیت، حدود ۱/۶ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۱</sup>

۱ - مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده. دفتر آمارهای کشاورزی. ۱۳۸۷.



نتایج مطالعات سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۶۹<sup>۱</sup> بیانگر آن است که جمعیت عشایر کوچنده در گستره‌ای بالغ بر ۶۹ درصد از فضای جغرافیایی کشور دارای قلمرو بوده است و حدود ۳۰ درصد از عرصه‌های مرتعی و ۲۵ درصد از سرمایه دامی کشور را در اختیار داشته و علیرغم نسبت جمعیتی اندک، با تولید بالغ بر ۱۶ درصد از تولیدات پروتئنی کشور، از نظر اقتصادی جزو مولدترین اقشار جمعیت ایران به شمار می‌رود.

متناسب با اهداف موضوع مقاله و بر اساس مقتضیات ساختار اجتماعی و اقتصادی و نظام ایلی، برخی ویژگی‌های جامعه عشایری که در نحوه برخورد و مناسبات بین دولت‌ها و عشایر طی سده شمسی معاصر موثر بوده است به شرح زیر قابل طرح هستند:

الف - احساس هویت ایلی. نظام مشارکت و همبستگی اجتماعی عشایر بر ساختار اجتماعی عشیره‌ای مبتنی بر سلسله مراتب رده‌های ایلی استوار بوده و بسیاری از مناسبات اجتماعی و اقتصادی، فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های آنها تابعی از منافع و مقتضیات نظام ایلی در دهه‌های گذشته و نظام خویشاوندی در شرایط کنونی می‌باشد.

ب- احساس مالکیت، تعلق خاطر، علقه و علاقه آحاد جمعیت و جوامع عشایری نسبت به قلمروهای زیست‌بومی (عرصه‌های محل کوچ و استقرار بیلاقی و قشلاقی) موجب بروز حساسیت‌ها و واکنش آنها نسبت به هرگونه تصمیم‌گیری و تعرض و تصرف قلمروهایشان می‌شود. این وضعیت، به ویژه در شرایطی که طرف عشایری در جریان امور اتخاذ تصمیم‌ها قرار نداشته باشند با عکس‌العمل‌های تند آنها مواجه می‌شود.

ج- کارکردهای نظام‌های نهادین سنتی، رهبران و مدیریت محلی در بسیج افراد و گروه‌های عشایری برای مواجهه با هر عامل خارجی مرتبط و تاثیرگذار در امور عشایر، در تنظیم و چگونگی برقراری روابط و مناسبات آنها با اشخاص حقیقی و حقوقی خارج از گروه خودی مؤثر می‌باشد.

۱ - نتایج بررسی‌های گروه مطالعات هامون. انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۶۹.

د- اشتها به شجاعت و سلحشوری، وفاداری و تعصب نسبت به ارزش‌های فرهنگی و پایبندی به صداقت در گفتار و عمل و انتظار رفتارهای مشابه از اشخاص حقیقی و حقوقی در روابط و مناسبات فی‌مابین در نحوه برقراری ارتباط و استمرار آن تاثیرگذار است.

ه- مقاومت در برابر تمامیت خواهی و حساسیت در برابر تعرض به باورها و رسوم اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، حریم‌های جغرافیایی و خانوادگی از طرف هر عامل خارجی، موجب بروز واکنش عشایر شده و به اشکال مختلف ممکن است در سطوح جمعی و یا بر اساس تصمیم فردی، مبادرت به عکس‌العمل نمایند.

و- با توجه به نهادینه شدن ضرورت همکاری و همیاری بین ایلات و طوایف عشایری برای انطباق و سازگاری با شرایط اجتماعی، سیاسی و محیطی سخت و متغیر، اساس الگوی زیست عشایری از طرفی بر پایه تعاون و همکاری در حوزه‌های منافع مشترک بین تیره‌ها و طوایف دارای منافع مشترک گذاشته شده و از طرف دیگر هنوز هم در سطح تیره و رده‌های کوچکتر از آن، ظرفیت‌های اتحاد و ائتلاف برای تقابل با عوامل مهاجم خارجی و یا اتخاذ تصمیم و اقدام جمعی برای نحوه مواجهه با مجموعه مسائل مبتلابه امور عشایر وجود دارد. به این دلیل در شرایط کنونی نیز آحاد جمعیت و اجتماعات عشایری متناسب با نوع تعامل مناسب، از پتانسیل‌های مشارکت و همکاری یا در برابر برخوردهای غرض‌آلود و جهت‌دار اشخاص حقیقی و حقوقی با آنها، از ظرفیت‌های بالای اتحاد و اتفاق برای مقاومت جمعی در برابر رفتارها و اقدامات نامتناسب برخوردار هستند.

### جامعه عشایری و حکومت پهلوی

به طوری که اشاره شد طی تاریخ پرتلاطم ایران، ایلات و عشایر نقش درخور توجهی در مناسبات سیاسی و اجتماعی کشور داشته‌اند و در دوره‌های تاریخی مختلف، تامین‌کننده اصلی نیروهای نظامی کشور بوده و در مناطق مرزی، وظیفه اولیه مرزداری و حفاظت از کیان کشور به عهده عشایر بوده است. همچنین طی دوران تاریخی مختلف،

به ویژه در دوره اسلامی، ایلات و طوایف عشایری یا مستقیماً قدرت و حاکمیت سیاسی کشور را در اختیار داشته و یا نقش بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده در کسب قدرت، استمرار حاکمیت و یا انقراض سلسله‌های حکومتی بر عهده داشتند. این وضعیت تا ابتدای سده ششمی معاصر و روی کار آمدن حکومت پهلوی ادامه داشته است تا اینکه رضاشاه با تمسک به شعار تجدد و نوسازی، درصد درآمد تا با تضعیف و از بین بردن قدرت و کارکردهای ارکان و اجزای ساختارها و نیروهای اجتماعی و سیاسی سنتی به اصطلاح رقیب و محدودکننده اهداف و اغراض حکومت خود، بتواند پایه‌های حاکمیت نوپای خود را تثبیت نماید. لذا با فرض عشایر به عنوان یکی از نیروهای اجتماعی دارای ظرفیت‌های مقابله و مبارزه با اعمال سیاست‌های تمامیت خواهانه دولت، امر تضعیف قدرت و حذف فیزیکی عشایر را در راس اقدامات خود قرار داد و با اجرای سیاست اسکان اجباری (تخته قاپو) عشایر - بدون فراهم کردن زمینه فعالیت مولد، اشتغال، سکونت و سایر تمهیدات زندگی یکجانشینی - انسجام سنتی کوچ و فعالیت‌های معیشتی عشایر را مختل نمود. استمرار این سیاست‌ها طی دوره حاکمیت ۳۷ ساله پهلوی دوم، علاوه بر تضييع بیشتر حقوق عرفی و قانونی عشایر، با سرکوب و اعمال مدیریت نظامی در مناطق ایلی و تصرف قلمروهای آنها، موجب تضعیف ساختارهای اجتماعی سنتی، نظام کوچ، اقتصاد، مدیریت و رهبری محلی عشایر شد و روز به روز آنها را نسبت به نوع نگرش و خیرخواهانه بودن اکثر برنامه‌ها، رفتارها و اعمال حکومت، مشکوک، بی اعتماد و بدبین نمود.

مشخصه دیگر رفتار رژیم پهلوی با عشایر، برخوردهای آمرانه نظام اداری، دیوان سالاری قیّم مآبانه و توسل به اعمال زور به جای استفاده از روش‌های گفتگومانی و حل و فصل مسائل به صورت کدخدا منشانه بود؛ به طوری که در اغلب موارد، چه در زمینه اتخاذ تصمیم‌های منجر به تصرف عرصه‌ها و اراضی عشایر و چه به هنگام برنامه‌ریزی و تصمیم گیری برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها در قلمروهای عشایری و یا برای عشایر، موضوع با آنان در میان گذاشته نشده و به رأی و نظر عشایر ذینفع و یا بهره‌مند از

منافع طرح‌ها و پروژه‌ها، توجه جدی نمی‌شد. به همین خاطر، آحاد رهبران و جمعیت عشایری از این نحوه مدیریت قییم مآبانه و آمرانه دولت خشنود نبوده و به روش‌های گوناگون در صدد استیفای حقوق در معرض چپاول خود و جلب توجه محافل مختلف برای شناسایی و محترم شمردن ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی عشایر به عنوان یک جامعه و الگوی زیست متفاوت با جوامع یکجانشین شهری و روستایی بودند. ولی بی‌توجهی‌های حاکمیت نسبت به مشارکت عشایر در فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها و عدم اهتمام کارگزاران امور عشایر در تعامل مناسب با آنها موجب شد شکاف بین جوامع عشایری با ارکان حاکمیت پهلوی روز به روز بیشتر شده و در نتیجه در دوره قبل از انقلاب، بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های اجرا شده در مناطق عشایری نیز با کمترین سطح مشارکت و اعمال نظر افراد و گروه‌های ذینفع انجام می‌گرفت؛ به طوری که استمرار این رویه در عدم توجه نظام حاکم و کارگزاران محلی آن، به برقراری روابط حسنه و تعامل مناسب بین عشایر و حاکمیت، منجر به بروز انواع مخالفت‌ها و مقاومت عشایر در مقابل برنامه‌های دولتی می‌شد.

### طرح مسئله و چارچوب مفهومی

به استناد مباحث مورد بحث در خصوص نحوه برخورد حاکمیت پهلوی با جامعه عشایری، به یقین می‌توان اذعان نمود پیروزی انقلاب اسلامی فرصتی برای جبران بی‌مهری‌های حکومت نسبت به عشایر بود. در کنار دیدگاه بسیار مثبت رهبران عالی نظام اسلامی به جامعه عشایری و سعی دولت انقلابی در جبران کاستی‌های رژیم سابق در قبال عشایر، علیرغم وجود سازمان دامداران متحرک به عنوان سازمان متولی بخشی از جمعیت دامدار کوچنده کشور، از سال ۱۳۵۸ و همزمان با تشکیل جهاد سازندگی، امر رسیدگی به امور عشایر به جهاد عشایری واگذار شد که اغلب کارکنان آن خاستگاه عشایری و روستایی داشتند و عشایر با مشاهده و درک اهداف انسانی و اجتماعی مدیریت، روحیه و فرهنگ جهادی در گفتار و عمل، به مدیریت جهادی و کارکردهای کارگزاران آن اقبال نشان داده و با برقراری تعامل مناسب با برنامه‌های خدمات‌رسانی،

ساماندهی به کوچ و اسکان و مشارکت فعال در طرح‌های توسعه مناطق عشایری، به دیدگاه‌های "سنتی بودن جامعه به عنوان مانع توسعه"، خط بطلان کشیدند و با مشارکت و همکاری با مدیریت جهادی، این باور را ارائه دادند که «در صورتی که کارگزاران امور توسعه، قادر به برقراری تعامل مناسب با جامعه هدف باشند، سنتی بودن جامعه نه تنها سد راه توسعه نخواهد شد بلکه حتی می‌تواند محرک موتور توسعه نیز باشد.»

همان‌طور که از طرح مسئله و عنوان مقاله نیز استنباط می‌شود این بررسی با ثابت و محقق فرض نمودن موفقیت فرهنگ، مدیریت و روحیه جهادی در برقراری ارتباط مناسب منتهی به جلب مشارکت آحاد افراد و گروه‌های عشایری برخوردار از خدمات سازمان امور عشایر (مدیریت جهادی) با این ارگان، در صدد آن است که با برشمردن برخی متغیرها و ویژگی‌های روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی جامعه عشایری و بعضی شاخصهای فرهنگ و مدیریت جهادی، عوامل تأثیرگذار در جلب مشارکت مردمی و تداوم تعامل مناسب بین عشایر با دستگاه اداری اجرایی متولی (جهاد عشایری / سازمان امور عشایر) طی دوره ۳۳ ساله را مورد بررسی قرار دهد.

از نظر روش‌شناسی این بررسی از نظر ماهیتی، کیفی و روش مورد استفاده توصیفی می‌باشد. برای بررسی موضوع مقاله از چارچوب‌های مفهومی جامعه‌شناسی توسعه استفاده می‌شود و از آن میان نیز متناسب با هدف مقاله از نظریات مربوط به تبیین سنتی بودن یا سنتی ماندن اجتماعات روستایی و عشایری و اثرات محدود کننده آن در برقراری ارتباط سازنده بین کارگزاران توسعه و جامعه هدف توسعه استفاده می‌شود.

با توجه به مشابهت‌های ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع روستایی و عشایری با همدیگر و حتی سنتی تر ماندن بخش‌هایی از ساختار اجتماعی و اقتصادی زندگی عشایر نسبت به روستاها در اوان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، امکان استفاده از رهیافت‌ها و نظریات مربوط به بررسی ساختارهای سنتی مؤثر در توسعه نیافتگی جوامع روستایی در اجتماعات عشایری نیز مصداق دارد.

از جمله نظریاتی که در حوزه بررسی و تبیین شرایط سنتی اجتماعات روستایی و قومی (عشایری) ارائه شده است می‌توان از نظریه تفکیک ساختاری (تمایزات ساختی) نیل اسملسر (۱۹۶۳)، نظریه قومی - شهری ردفیلد (۱۹۴۱)، نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز، نظریه خیر محدود فاستر، نظریه پالایش و تئوری نوسازی ایزنشتاد و نظریه مراحل رشد والتر روستو (۱۹۶۰) اشاره کرد. از بین نظریات مورد اشاره، در این مقاله با مطرح نمودن خطوط کلی «نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز» و مشخص نمودن اجزا و عناصر خرده فرهنگ دهقانی، در صدد تبیین این موضوع خواهیم بود که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، اجتماعات عشایری تقریباً کلیه اجزاء و عناصر یک جامعه سنتی، به عنوان عامل محدود کننده ارکان و عوامل رشد و توسعه را دارا بودند ولی علیرغم حاکم بودن این شرایط، برقراری تعامل بسیار مناسب و فزاینده بین افراد و گروه‌های (اجتماعات) عشایری و روستایی با عوامل و کارگزاران اداری و اجرایی متولی (جهاد عشایری) باعث شده است افراد و گروه‌های هدف توسعه، با وجود داشتن کلیه مؤلفه‌های فرهنگ سنتی، به خاطر اعتماد به کارگزاران توسعه، به جای آنکه عناصر فرهنگ سنتی به عنوان موانع برنامه‌های سازندگی (توسعه) وارد عمل شوند به عوامل و محرک‌های مشارکت و همکاری با کارگزاران و برنامه‌های سازندگی تبدیل شدند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد استمرار این تعامل طی دوره‌ای بالغ بر سه دهه حضور، فعالیت و همکاری بین مدیریت جهادی با جامعه و مناطق عشایری علاوه بر اینکه باعث کاهش اعتماد متقابل و تضعیف شاخص‌های مشارکت برانگیز نشده است بلکه هنوز هم می‌توان در بسیاری از حوزه‌های فعالیت‌ها و مناسبات مشترک، کارکردهای مثبت عناصر و عوامل همکاری و اعتماد متقابل را مشاهده نمود.<sup>۱</sup>

---

۱ - نتیجه مطالعات مهندسی مشاور شرق آیند درباره ارزیابی برنامه‌های اسکان در کانون‌های توسعه نمونه نشانگر آن است که ۸۲,۳ درصد از عشایر مشمول برنامه‌های اسکان، میزان رضایت خود از عملکرد سازمان امور عشایر را در حد متوسط و زیاد اعلام کرده اند.

نتیجه شش دوره برگزاری سلسله همایش‌های بررسی ابعاد مدیریت و فرهنگ جهادی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ توسط وزارت جهاد کشاورزی و طرح مقالات متعدد، بیانگر آن است که مدیریت جهادی، موجد رویکردهای نهادینه شده جدیدی در حوزه‌های مربوط به عمران و توسعه روستایی و ارائه الگوی مدیریت ارزش‌مدار به عنوان الگوی فرهنگی و مدیریتی، تحت عنوان فرهنگ، روحیه و مدیریت جهادی بوده که در بسیاری از محافل علمی، از آن به عنوان «*الگوی توسعه روستایی ایرانی*» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یاد می‌شود.

#### نظریه خرده فرهنگ دهقانی به مثابه موانع توسعه:

به اعتقاد راجرز، در جریان دگرگونی و توسعه روستاها، شناخت و آگاهی از خصوصیات فرهنگی دهقانان [روستاییان و عشایر] از اهمیت بسزایی برخوردار است. برنامه‌های دگرگونی اجتماعی در روستاها، اگر بر پایه شناخت ارزش‌ها، نظرها و انگیزه‌های دهقانان استوار نباشد، شکست خواهد خورد. روستاها و روستائیان از لحاظ شیوه‌ها و زمینه‌های پذیرش دگرگونی، بسیار متنوع هستند و در نهایت، هرکدام از این اجتماعات نیز منحصر به فرد می‌باشند. مجریان برنامه‌های توسعه روستایی باید مکان و ویژگی‌های فرهنگی و جمعیتی گیرندگان برنامه‌های خود را به دقت در نظر داشته باشند.

عناصر خرده فرهنگ دهقانی از نظر راجرز عبارتند از:

- ۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، ۲- فقدان نوآوری، ۳- تقدیرگرایی، ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، ۵- عدم توانایی چشم پوشی از منافع آتی، ۶- کم اهمیت دادن به عامل زمان، ۷- خانواده گرایی، ۸- وابستگی به قدرت، ۹- محل گرایی، ۱۰- فقدان همدلی<sup>۱</sup>

۱ - ازکیا، مصطفی. جامعه شناسی توسعه و توسعه روستایی ایران. تهران. انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۳.

با اذعان به اینکه نظریه راجرز در دهه ۶۰ میلادی و عمدتاً براساس مطالعات تجربی در مناطق روستایی برخی کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی ارائه شده است، ممکن است برخی از مؤلفه‌های مورد اشاره وی با عناصر ساختاری و رفتاری موجود در روابط و مناسبات و فرهنگ روستاها و مناطق عشایری ایران انطباق کامل نداشته باشد، ولی به عنوان چارچوب نظری برای شناسایی و تبیین بخشی از کارکردهای شرایط زندگی سنتی روستاها از اعتبار لازم برخوردار است. با این حال، شاید دیدگاه آقای تقوی، مؤلف کتاب جامعه‌شناسی روستایی، درباره ویژگی‌ها و ساختارهای جوامع سنتی ایران، بیشتر از نظریه راجرز با شرایط و ویژگی‌های اجتماعات روستایی و عشایری ایران نزدیک باشد. تقوی برای تبیین ویژگی‌های اجتماعات سنتی ایران، مؤلفه‌هایی مانند سنت گرای، محافظه کاری، محدودیت و بسته بودن، ایستایی و رکود، سرنوشت‌گرایی و نقش‌های انتسابی را برشمرده و شاخص رفتارهای سنتی روستاییان را نیز در صبر و بردباری، بدبینی و بی‌اعتمادی، خوش باوری، همیاری، مهمان‌نازی، ارزش جنس و ارزش سن طبقه بندی می‌نماید.<sup>۱</sup>

بدون اینکه قصد بررسی و واکاوی بیشتر نظریات مطروحه را داشته باشیم با شناخت برخی ویژگی‌ها و شاخص‌های جوامع سنتی، باید در نظر داشت که اکثر نظریات و الگوهای توسعه، در مقام آسیب‌شناسی یا توجیه دلایل عدم موفقیت کامل برنامه‌های توسعه در جوامع سنتی روستایی و عشایری، ساز و کارهای مربوط به نحوه عمل «نظام‌های نهادین سنتی و روان‌شناسی اجتماعی» حاکم بر جوامع روستایی و عشایری را بسیار تاثیر گذار می‌دانند.

این بررسی با تشریح ویژگی‌های فرهنگ و مدیریت جهادی در صدد تبیین این دیدگاه است که علیرغم پذیرش برخی کارکردهای محدودیت‌آفرین مناسبات و رفتارهای سنتی در فرآیند توسعه، ولی در همان شرایط سنتی مفروض نیز در صورتی

۱ - تقوی، نعمت‌الله. جامعه‌شناسی روستایی. تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور. ۱۳۸۳.



که کارگزاران امور توسعه روستایی و عشایری، قادر به برقراری ارتباط مناسب با جامعه هدف بوده و واجد ویژگی‌های لازم برای جلب مشارکت جوامع هدف باشند، چه بسا، پاره ای از مؤلفه‌ها و کارکردهای جامعه سنتی می‌توانند به عنوان عامل محرک توسعه نیز مطرح باشند و بر این اساس می‌توان گفت شاید یکی از دلایل عدم موفقیت کامل برنامه‌های عمرانی و توسعه در مناطق عشایری در سال‌های پیش از انقلاب، مربوط به آمیختگی اغراض سیاسی با اهداف برنامه‌های توسعه و ضعف و یا عدم درک صحیح بسیاری از استراتژیست‌ها، سیاستگزاران، برنامه ریزان و مدیران اجرایی امور عشایر از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و جهت‌گیری‌های سیاسی عشایر بود که به تبع این مسئله، عشایر نسبت به خیرخواهانه بودن برنامه‌ها اعتماد نداشتند و به همین دلیل یا در مقابل اجرای بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌ها مقاومت نموده، در جریان اجرای طرح مشارکت نمی‌کردند و نهایتاً به خاطر بی‌توجهی به خواسته‌های آنها در مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و عدم لحاظ نمودن مقتضیات فرهنگی - اجتماعی عشایر در اجرای طرح‌ها، از نتایج طرح‌ها استقبال و حتی استفاده نمی‌کردند.

### **ویژگی‌های فرهنگ و مدیریت جهادی و کارکردهای مشارکت برانگیز آن در**

#### **جامعه عشایری**

جهادسازندگی از جمله نهادهایی است که در فضای فرهنگی و ارزشی و عدالت محوری حاکم بر انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شده و از همان زمان به صورت فزاینده و مؤثر وارد حیطه‌هایی از عرصه‌های امور اداری و اجرایی، فعالیت‌های عمرانی و خدمات رسانی (سازندگی)، محرومیت زدایی از مناطق روستایی و عشایری کشور، اجرای طرح‌های خودکفایی و خوداتکایی اقتصادی (به ویژه در اولویت قرار دادن برنامه ریزی برای افزایش راندمان فعالیت و تولید در برخی محصولات کشاورزی استراتژیک مانند گندم) و نهایتاً ایفای نقش ممتاز در پشتیبانی رزمی و مهندسی جنگ تحمیلی شد و با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های زیاد و

جلب آرای موافق و مخالف متعدد، امروزه هنوز در بسیاری از محافل علمی، برنامه ریزی و اجرایی کشور بحث درباره ابعاد، ارزش‌ها و زوایای فرهنگ و مدیریت جهادی جریان داشته و باید طی سال‌ها و دهه‌های آینده، شاهد ارائه نظرات و دیدگاه‌های موافق و مخالف در این حوزه و محک خوردن بیشتر الگوی مدیریت، فرهنگ و روحیه جهادی در زمینه سازندگی و الگوی توسعه روستایی باشیم.

براساس نتایج به دست آمده از تحقیق درباره بررسی شیوه‌های تصمیم‌گیری، برنامه ریزی و اجرایی جهاد سازندگی، شاخص‌های تأیید شده در تبیین الگوی مدیریت جهادی نشان می‌دهد که از نظر ابعاد مختلف ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای، ویژگی‌های برجسته‌ای در مدیریت جهادی وجود داشته است که بر پایه نظریه‌های نوین مدیریت، وجود این ویژگی‌ها در مدیریت هر سازمانی می‌تواند زمینه ساز موفقیت و اثربخشی باشد.<sup>۱</sup>

برخی ویژگی‌های شاخص فرهنگ، مدیریت و روحیه جهادی به شرح زیر قابل بیان

هستند:

- در نظر داشتن رضای خدا در انجام امور محوله.
- توجه به کار و مسئولیت به عنوان تکلیف و رسالت، نه وظیفه اداری صرف.
- مشارکت‌پذیری بالا و اجرای مدیریت مشارکتی به صورت حضور مدیران و کارشناسان در متن جامعه هدف (روستاها و مناطق عشایری) و مشاهده مستقیم مسائل، نیازها و اخذ راهکارها از خود مردم.
- ریسک‌پذیری بالا در تصمیم و اقدام در موارد مقتضی.
- مدیریت انعطاف‌پذیر و دارای قابلیت‌های اجرایی در امور چند منظوره.
- شورایی و غیر متمرکز بودن ساختار تصمیم‌گیری (به ویژه در دهه اول فعالیت).

۱ - عفتی، محمد. مقایسه ویژگی‌های مدیریت جهادی با ویژگی‌های نهادهای توسعه روستایی در سایر کشورها. ارائه شده در پنجمین همایش فرهنگ و مدیریت جهادی. وزارت جهاد کشاورزی. ۱۳۸۹.

-بکارگیری روش‌ها و فنون تصمیم‌گیری با رویکرد غالب کیفی و استفاده از روش‌های هم‌اندیشی، تبادل افکار و تجارب.

-انعطاف‌پذیری در وظایف و مسئولیت‌ها و تعدیل آنها متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی متحول.

-خدمت بی‌شائبه، صداقت در گفتار و عمل و هماهنگی بین ارزش‌ها و باورهای حاکم بر روستاها با ارزش‌ها و اعتقادات جهادگران.

-خاستگاه روستایی و عشایری بسیاری از جهادگران.

-علائق، سمبل‌ها و الگوهای رفتاری و ارزشی مشترک با روستاییان و عشایر در نحوه لباس پوشیدن، ارتباطات، مناسبات اجتماعی، برگزاری و شرکت در مراسم و ...

-ارتباط مستمر و حضور در متن روستا و انطباق و هم‌راستایی بین نیازهای اولویت‌دار روستائیان و عشایر با تصمیمات مدیران و پذیرش جامعه روستایی و عشایری.

**عوامل مؤثر در رابطه تعاملی مثبت بین جامعه عشایری با فرهنگ و مدیریت**

### جهادی

۱- وجود شواهد زیاد در زمینه‌های قانونگذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور عشایر در دوره قبل از انقلاب حکایت از آن دارد که در دوره پهلوی اول (رضاشاه)، اغلب برنامه‌های دولت در امور عشایر، عمدتاً با جهت‌گیری سیاسی و نظامی مبنی بر حذف فیزیکی عشایر انجام می‌گرفته و این رویه در دوره پهلوی دوم به شکلی نسبتاً تعدیل شده است و با جهت‌گیری سیاسی-عمرانی استمرار داشته است. شواهد نشان می‌دهند سیاست راهبردی دولت پهلوی دوم در خصوص عشایر نیز به سمت حذف تدریجی الگوی زیست عشایری گرایش داشته است که عمدتاً با اجرای طرح‌های عمرانی برای یکجانشین کردن آنها انجام می‌گرفت. با این حال، علیرغم تلاش درخور تحسین تعدادی از محققان حوزه‌های علوم اجتماعی مبنی بر انجام مطالعات بنیادی و کاربردی درباره برخی از مناطق عشایری کشور، پرواضح است که در چارچوب

برنامه‌های بلندپروازانه رژیم گذشته مبنی بر دستیابی به دروازه‌های تمدن بزرگ، حضور پررنگ زندگی عشایری مبتنی بر کوچندگی در اقصی نقاط کشور نمی‌توانست مطلوب و مقبول کارگزاران برنامه‌های توسعه رژیم پهلوی باشد، به همین خاطر سعی می‌شد با اجرای مجموعه برنامه‌هایی در راستای الگوهای نوسازی و تجددگرایی مثل اصلاحات ارضی، فروپاشی ساختار اجتماعی و نظام ایلی، تصرف قلمروهای عشایری برای ایجاد کشت و صنعت‌ها و توسعه صنایع و غیره، در بسیاری از امور از قدرت و نفوذ و توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عشایر کاسته و علقه و وابستگی‌های نسل جوان و فرهیخته ایلی را نسبت به هویت و فرهنگ عشیره ای از بین بردند و به این ترتیب، طی چند دهه، طومار زندگی عشایری برچیده می‌شد. یکی از شواهد این موضوع را می‌توان در پیشدستی برای حذف عنوان عشایر از سازمان متولی ایلات و عشایر و نامگذاری آن به اسم سازمان دامداران متحرک در سال ۱۳۵۳ دانست. لذا خبرگان و نخبگان عشایر با تحلیل و درک مسئله، ضمن اینکه در صدد همراهی و همکاری با برنامه‌های شبه توسعه و آبادانی رژیم نبودند بلکه متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان، به انحای مختلف و اشکالی همچون مبارزه مسلحانه، طرح دعاوی حقوقی، استمرار زندگی کوچندگی، بی‌توجهی، کاهش مشارکت و عدم استقبال و بهره‌برداری از اغلب برنامه‌های اجرا شده، مخالفت خود را با سیاست‌های جهت دار دولت وقت اعلام و اعمال می‌کردند.

۲- اسناد و مدارک مربوط به نوع نگرش و نحوه مدیریت امور عشایر توسط حکومت پهلوی، آکنده از انواع تعارضات، برخوردها و مبارزات بین ایلات و عشایر و آن حکومت است. نتایج حاصل از اعمال سیاست‌های یکجانبه و غرض آلود رژیم پهلوی در اجرای برنامه‌های عمرانی جهت دار و نگرش حذفی نسبت به عشایر، مانند اجرای سیاست اسکان اجباری (تخته قاپو) و تصویب قوانین مختلف در جهت سلب و تضعیف حقوق عرفی و قانونی عشایر، منجر به افزایش نارضایتی‌ها و حتی بروز تنش‌ها و برخوردها بین عشایر و حاکمیت پهلوی شده بود. به همین دلیل، عشایر به اکثر برنامه‌های

عمرانی و توسعه ای دولت، به دیده بی اعتمادی نگریسته و با توجه به اینکه اغلب برنامه‌های دولت، حالت آمرانه و ابلاغی داشت در فرآیند برنامه ریزی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها، یا جایی برای اعلام و اعمال نظر عشایر در نظر گرفته نشده بود و یا ساختار نهادی و مدیریتی دستگاه‌های مجری و وجه نظر و طرز تلقی کارگزاران اجرایی، حالت کاملاً بوروکراتیک و رسمی داشته و اغلب فاقد ظرفیت‌های مشارکت پذیری عشایر نسبت به برنامه‌های حکومتی می‌شد. در حالی که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، با توجه به نگرش عدالت محور نظام اسلامی، دیدگاه بسیار مثبت رهبران عالی نظام به جامعه عشایری و سعی آنها بر برگرداندن (استیفای) حقوق از دست رفته عشایر و حمایت و پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق عشایر از نظام جمهوری اسلامی، شرایطی را مهیا نمود و آحاد جمعیت عشایری نیز با درک جهت گیری خیرخواهانه و اهداف انسانی و اجتماعی حاکم بر برنامه‌های سازندگی و خدمات رسانی جهاد عشایری (سازمان امورعشایر)، با همدلی و همنوایی مضاعف در برنامه‌های دولت مشارکت و همکاری می کردند.

۳- با تشکیل جهادسازندگی در سال ۱۳۵۸ و تمرکز اصلی فعالیت‌های آن در زمینه‌های عمران و آبادانی (سازندگی) روستاها، از همان ابتدای آغاز فعالیت‌های جهاد در اغلب استان‌های دارای جمعیت عشایر کوچنده کشور، واحدی نیز به اسم جهاد عشایری تشکیل و امور خدمات رسانی و سازندگی در مناطق عشایری را انجام می‌دادند. از سال ۱۳۶۳ با ادغام واحدهای جهاد عشایری با سازمان دامداران متحرک و تشکیل سازمان امور عشایر به عنوان سازمان مستقل متولی امور عشایر و وابسته به جهاد سازندگی، امر خدمات رسانی به مناطق عشایری تحت مدیریت، فرهنگ و روحیه جهادی استمرار پیدا کرد؛ به طوری که هنوز هم در برخی از مناطق عشایری، مردم، سازمان امور عشایر را به اسم جهاد عشایری می شناسند و این موضوع نشانگر آن است که اولاً کارکنان این سازمان در فرآیند انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، مجموعه ویژگی‌های مورد اشاره در خصوص مدیریت، فرهنگ و روحیه جهادی را رعایت

نموده و ملاک عمل قرار داده‌اند و مهم تر آنکه طرز تلقی آحاد جمعیت عشایری مبنی بر اطلاق صفت جهادی به دستگاه اجرایی متبوع و کارکنان آن، بیانگر تداوم فرهنگ و روحیه جهادی در بین کارکنان سازمان می باشد.

۴- در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جامعه عشایر کوچنده ایران با داشتن حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد باسوادی<sup>۱</sup>، انجام بیش از ۷۰ درصد کوچ‌ها به صورت سنتی، پایین بودن بسیاری از شاخص‌های توسعه اجتماعی- اقتصادی نسبت به جامعه روستایی و متوسط کشوری، ضعف برخورداری از تسهیلات خدماتی و ارتباطی، محدودیت دسترسی به امکانات زیربنایی به ویژه نداشتن راه دسترسی در بیش از ۸۰ درصد مناطق بیلاقی و ...، واجد بسیاری از شرایط و ویژگی‌های ساختاری جامعه سنتی بود که از آنها به عنوان موانع رشد و توسعه یاد می‌شود. به طور قطع، کارگزاران مدیریت اجرایی و توسعه مناطق روستایی و عشایری (کارکنان جهادسازندگی) دوره بعد از انقلاب نیز با اثرات محدودکننده آن مواجه بودند ولی با اتکا به ویژگی‌های مورد اشاره در خصوص ویژگی‌های فرهنگ و مدیریت جهادی به صورت برقراری ارتباط توأم با همدلی و طرح مسائل به صورت مستقیم با جمعیت مشمول برخورداری از خدمات جهاد سازندگی، توانستند در تعاملات بین خود و عشایر شرایطی را به وجود آورند که در اثر آن، بسیاری از نقاط ضعف و تهدیدهای پیش روی پیشرفت و ترقی مناطق روستایی و عشایری را به فرصت‌هایی برای رشد و توسعه تبدیل نمودند.

۵- کارکنان سازمان امورعشایر با اتکا به مدیریت، فرهنگ و روحیه جهادی توانسته‌اند حجم بسیار زیادی از انواع طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی و زیربنایی، خدمات رسانی و برنامه‌های اجرایی مربوط به برنامه‌های ساماندهی و اسکان عشایر مناطق مختلف کشور را تقریباً بدون کمترین زمینه بروز تنش‌ها و تعارضات اجتماعی و سیاسی به انجام برسانند که از آن میان می‌توان به احداث بیش از ۹۰۰ هزار کیلومتر

۱ - براساس نتایج اولین سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده (سال ۱۳۶۶)، نسبت باسوادی در افراد ۶ساله و بیشتر، ۲۷ درصد بود.

راه دسترسی به مناطق عشایری، فراهم آوردن زمینه اسکان بیش از ۷۱۴۳۷ خانوار عشایری در کانون‌های اسکان هدایتی و خودجوش و ایجاد تعداد ۲۴۵ کانون توسعه (شهرک نوآباد) هدایتی عشایری برای اسکان عشایر اشاره نمود.<sup>۱</sup> این بخش از فعالیت‌ها از آن جهت حایز اهمیت است که با توجه به سابقه ذهنی عشایر و بسیاری از صاحب‌نظران امور عشایر از سیاست اسکان اجباری عشایر در دوره رضاشاه و مخالفت، مقاومت و تقابل آحاد عشایر با اسکان اجباری و برخی طرح‌های عمرانی جهت دار پهلوی دوم، طبعاً انتظار آن بود که در دوره پس از انقلاب نیز شاهد مخالفت‌ها و عکس‌العمل‌های بازدارنده عشایر در برابر برخی طرح‌های اسکان باشیم، ولی واقعیت‌های موجود نشانگر عملکرد بسیار مناسب امور عشایر در زمینه ساماندهی اسکان عشایر است. شاهد این امر را باید در نبود اسناد دعاوی و پرونده‌هایی مبنی بر انعکاس مسائل و مشکلات جدی بین کارگزاران دولتی (جهادی) و آحاد جمعیت و گروه‌های عشایری در خصوص طرح‌های اسکان در ارگان‌های نظارتی مثل سازمان بازرسی کل کشور، نامه‌ها و تذکرات نمایندگان مجلس، دادگاه‌ها و امثالهم دانست.

۶- به طوری که اشاره شد با تشکیل واحد جهاد عشایری در درون سازمان‌های جهاد سازندگی اغلب استان‌های دارای جمعیت عشایر کوچنده، واحدهای جهاد عشایری تا سال ۱۳۶۳، بسیاری از امور سازندگی و خدمات رسانی به مناطق عشایری را انجام می‌دادند. در سال ۱۳۶۳، واحدهای جهاد عشایری و سازمان دامداران متحرک در هم ادغام شدند و سازمان امور عشایر تشکیل و کارکنان جهاد عشایری به سازمان امور عشایر انتقال یافتند. در شرایط کنونی، اغلب پرسنل ستادی و صفی سازمان امور عشایر در سطوح مدیران، کارشناسان و کارکنان، دارای ریشه و وابستگی‌های عشایری و یا روستایی هستند. به همین دلیل نسبت به وضعیت و ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و نیازهای عشایر آگاهی کامل داشته و با توجه به اشتراکات فرهنگی، الگوهای مشترک

۱ - براساس اطلاعات سازمان امور عشایر ایران، تا سال ۱۳۹۰، تعداد ۱۰۴۴ کانون توسعه عشایری در کشور وجود دارد که از آن میان تعداد ۷۹۹ مورد کانون توسعه خودجوش و ۲۴۵ کانون توسعه هدایتی است.

رفتاری و هنجاری و شناخت همدیگر در سطوح شبکه خویشاوندی واقعی و یا ایلی و طایفه‌ایی، سطح روابط و مناسبات بین کارگزاران امور عشایر با جوامع محلی، صمیمانه، توأم با همدلی و درک متقابل، صداقت و هماهنگی بین گفتار و عمل و مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک مشارکت برانگیز بوده و استمرار این رویه و خط مشی تا دوره حاضر، نشان از کارکردهای مثبت تعامل مدیریت و فرهنگ جهادی با اجتماعات عشایری دارد.

### نتیجه گیری:

به استناد بررسی‌های زمینه‌ای مورد بحث در متن مقاله، نتایج بررسی‌های مربوط به ارزیابی برنامه‌های اسکان عشایر در سطوح ملی و برخی کانون‌های توسعه و شرایط عینی حاکم بر روند کنونی خدمات‌رسانی و انجام طرح‌های توسعه و ساماندهی عشایر در اقصی نقاط کشور توسط سازمان امور عشایر ایران، می‌توان اذعان داشت علی‌رغم حساسیت‌های تاریخی درباره اسکان عشایر، ابعاد چند منظوره طرح‌های اسکان و قرار داشتن بسیاری از امور اجرایی مربوط به شکل‌گیری یک برنامه اسکان کامل در حوزه وظایف و اختیارات دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی مختلف، نتایج حاصل از احداث بالغ بر ۲۴۵ کانون توسعه هدایتی و ساماندهی بیش از ۱۰۰۰ آبادی یا کانون توسعه خودجوش و فراهم آوردن زمینه اسکان توأم با واگذاری منابع تولید و اشتغال برای بیش از ۷۱۰۰۰ خانوار عشایری توسط سازمان امور عشایر با کمترین زمینه بروز حساسیت‌ها و تعارض‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بین عشایر مشمول طرح‌های اسکان و سایر گروه‌های عشایری مرتبط و همجوار، نشانگر آن است که امور سیاست‌گذاری، مطالعات، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های ساماندهی و اسکان عشایر و سایر امور خدمات‌رسانی به عشایر کوچنده، طی سه دهه بعد از انقلاب و در شرایط اقلیمی - جغرافیایی و اجتماعی - اقتصادی مختلف، به نحو مناسب و با معدل قابل قبول انجام پذیرفته است. آنچه مسلم است، طی این فرآیند پیچیده، بیش از



هر عامل دیگری شیوه تعامل کارگزاران جهاد عشایری و سازمان امور عشایر با افراد و گروه‌های ذینفع، در خور توجه بوده و نحوه تعامل و برقراری ارتباط مناسب مدیریت جهادی با جامعه هدف، بسیار ممتاز و حتی بی بدیل عمل شده است.

به استناد مباحث مطروحه، در کنار خاستگاه عشایری و روستایی داشتن بسیاری از کارگزاران امور عشایر در برقراری مناسبات سازنده و جلب مشارکت عشایر، بایستی بعد دیگر رمز موفقیت سازمان امور عشایر را در تعهد انقلابی و پایبندی آحاد کارکنان این سازمان در تمسک به فرهنگ، مدیریت و روحیه جهادی دانست که هنوز هم به عنوان فرهنگ کاری در این سازمان کارکردهای زیادی دارد.

با احتساب ظرفیت‌های موجود فرهنگ، مدیریت و روحیه جهادی و اعتماد در خور توجه عشایر به کارکنان سازمان متولی به مثابه سرمایه سازمانی، و محور قراردادن آن به عنوان سیاست کاری راهبردی (استراتژیک) برای پیشبرد اهداف و وظایف خود، بایستی با مستندسازی مکانیزم‌ها و ساز و کارهای تجربه شده، پژوهش و تئوریزه نمودن فرآیندهای کاری مثبت، تقویت جنبه‌های توسعه‌ای به جای عمل‌گرایی برخاسته از روحیه سازندگی صرف و احیاناً فاقد پشتوانه‌های علمی و برنامه ریزی، سعی شود به صورت نظام‌مند، زمینه‌های گسترش، ترویج و استمرار این رویه به عنوان الگوی مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های چند منظوره توسعه مبتنی بر صداقت در گفتار و عمل، کار با مردم بر محور همیاری و مشارکت فراهم گردد و این شیوه مدیریت و راهبری برنامه‌های ساماندهی کوچ و اسکان عشایر به عنوان الگوی ایرانی - اسلامی ساماندهی جمعیت و جوامع عشایری و کوچنده، ارائه و معرفی گردد.

**منابع و مأخذ:**

- ۱- سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور مناطق و مجلس. گروه مطالعات هامون. ۱۳۶۹.
- ۲- تقوی، نعمت‌الله. جامعه شناسی روستایی. تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور. ۱۳۸۳.
- ۳- ازکیا، مصطفی. جامعه شناسی توسعه و توسعه روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۳.
- ۴- عفتی، محمد. مقایسه ویژگی‌های مدیریت جهادی با ویژگی‌های نهادهای توسعه روستایی در سایر کشورها. وزارت جهاد کشاورزی، پنجمین همایش فرهنگ و مدیریت جهادی. سال ۱۳۸۹.
- ۵- سازمان امور عشایر ایران، دفتر مطالعات جامع عشایر. مطالعه ارزیابی ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه. مهندسین مشاور شرق آیند. ۱۳۹۱.
- ۶- نقیب زاده، احمد. دولت رضاشاه و نظام ایلی. تهران. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ۱۳۷۹.



## بررسی و ارزیابی عملکرد مدیران تربیت بدنی بر ورزش‌های بومی و

### محلی جوانان عشایر استان سیستان و بلوچستان

مهندس مریم ثمره طالبی<sup>۱</sup>

چکیده:

تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به این مسئله است که نقش عملکردی مدیران ورزشی تا چه اندازه در توسعه و یا عدم توسعه ورزش‌های بومی و محلی در جامعه عشایری مهم تلقی می‌شود. آیا این نقش تا حدی هست که کم‌توجهی به آن، باعث رکود و فراموشی ورزشهای بومی و محلی در بین جوانان عشایر گردد یا نه؟ پس از انتخاب ۳۸۰ نفر از جوانان و ۳۶ نفر از مدیران و کارکنان مرتبط با مسائل ورزشی از طریق آزمون معنی داری t و تجزیه و تحلیل واریانس و انحراف معیار با نرم افزار SPSS، معلوم شد علت فراموشی این ورزش‌ها، علیرغم انطباق با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه عشایری، مؤلفه‌های اثر گذار مهمی مانند عدم توجه به مسائل فرهنگی - اجتماعی، برنامه‌ریزی، مسائل مالی و اعتباری، مسائل اجرایی و بالاخره آموزش است؛ ضمن اینکه تفاوت معنی داری بین دو دیدگاه مدیران تربیت بدنی و جوانان عشایر در این خصوص مشاهده نشده است و هر دو دسته معتقد بوده‌اند که علت فراموشی و رکود این ورزش‌ها، عدم توجه به مؤلفه‌های ذکر شده می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** عشایر، ورزش‌های بومی و محلی، جوانان، مدیران ورزشی،

ارزیابی عملکرد.

### مقدمه

جامعه عشایر بعد از دو جامعه شهری و روستایی به عنوان جامعه سوم دارای واقعیات و خصوصیات است که آن را از دو جامعه دیگر متمایز می‌نماید. این خصوصیات عبارتند از:

۱- ساخت اجتماعی قبیله‌ای، ۲- اتکای معاش به دامداری و ۳- شیوه زندگی مبنی بر کوچ. با این ویژگی‌ها، بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷، تعداد ۱۸۹۸۴ خانوار در قالب ۲۶۲۰ رده یا هلک و در ۲۲۶ طایفه مستقل در ۱۴ شهرستان استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند که این تعداد بالغ ۱۰۲۱۹۹ نفر می‌باشند. بیشترین میزان جمعیت عشایر در شهرستان زاهدان با ۳۳۷۶ خانوار و کمترین در شهرستان زهک با ۴۷ خانوار است. گروه سنی ۱۵ تا ۳۵ ساله که جامعه آماری این تحقیق هستند، بر اساس جدول شماره (۱) بالغ بر ۳۸۰۰۰ نفر می‌باشند. پراکندگی و زندگی متحرک عشایر باعث شده است که این جامعه، در اولویت کاری پایین‌تر سازمان‌ها و ادارات دولتی از نظر ارائه خدمات قرار بگیرند. بر این اساس، سازمان امور عشایر ایران به تنهایی نمی‌تواند وظایف همه این سازمان را بر دوش بکشد. هر چند وجود آئین نامه ساماندهی، نقطه قوتی جهت پوشش این کاستی‌ها است، اما عدم نظارت کامل بر اجرای مصوبات آئین نامه توسط مسئولین رده بالا، باعث شده است که به صورت سلیقه‌ای اقدام شود. لذا مدیران سازمان‌های مختلف بایستی مجاب شوند سهم جامعه عشایر را لحاظ نمایند. از جمله می‌توان به برنامه ریزی در خصوص ورزش که امروزه یکی از نیازهای جوامع و یکی از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود اشاره نمود. با احیای ورزش‌های بومی و محلی و ایجاد انگیزه در جوانان، خلأ مذکور تا حدودی برطرف می‌شود.

**بیان مسئله:**

محقق در صدد بیان این مسئله است که با وجود کم هزینه بودن ورزش‌های بومی و محلی و عجین بودن آنها با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه عشایری، علت فراموش شدن آنها چیست؟

**اهداف تحقیق:**

۱. در اهداف کلی تحقیق، شناساندن و احیای ورزش‌های بومی و محلی در استان، موردنظر است.
۲. اهداف جزئی: الف: شناخت مهمترین تنگناها و موانع ورزش‌های بومی و محلی و ب: شناخت ورزش‌های بومی و محلی در استان.

**ضرورت تحقیق:**

اهمیت ورزش در سلامتی و تندرستی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه محسوب می‌شود. اما به دلیل نوع زندگی متحرک و پراکندگی عشایر، امکان گسترش ورزش‌های نوین به دلیل مکان و شرایط خاص، کمتر اتفاق می‌افتد. لذا این تحقیق به دنبال چگونگی احیای ورزش‌های بومی و محلی به عنوان جایگزینی مناسب بجای ورزش‌های رایج می‌باشد.

**فرضیه‌های تحقیق:**

- ۱- کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.
- ۲- کمبود اعتبارات، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر به شمار می‌آید.
- ۳- توجه نداشتن مدیران تربیت بدنی به مسائل اعتباری و مالی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر است.

۴- کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر می‌باشد.

۵- کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزش در زمینه‌های ورزش بومی و محلی مانعی جهت توسعه این ورزش محسوب می‌شود.

### روش تحقیق:

روش تحقیق پیمایشی است و جامعه آماری از دو نمونه انتخاب شده است: ۱- جوانان عشایر ۲- مدیران و کارشناسان ورزشی. برای انتخاب نمونه جوانان، از گروه سنی ۱۵ تا ۳۵ سال، که بر اساس جدول مورگان، تعداد ۳۸۰ نفر به صورت تصادفی و با نمونه گیری خوشه‌ای - فضایی انتخاب شد. از بین کارشناسان و مدیران تربیت بدنی هم بر اساس جدول مورگان، ۳۶ نفر به صورت تصادفی انتخاب شد.

### نگاهی به وضعیت عشایر استان:

استان سیستان و بلوچستان با وسعت ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر و جمعیت ۲۴۰۵۷۴۲ نفر در جنوب شرقی کشور قرار دارد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، دارای ۱۴ شهرستان، ۳۷ بخش و ۹۸ دهستان و دارای ۳۲ نقطه شهری است. این استان از شرق، ۱۸۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان و پاکستان و از سمت جنوب، ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان دارد.

از نظر ایل، عشایر این استان در قالب یک ایل و ۲۲۶ طایفه مستقل و ۲۶۲۰ رده شکل گرفته‌اند که سلسله مراتب ایلی عشایر عبارت است از: ایل، طایفه، تیره، رده، هلک و خانوار.

ویژگی مهم عشایر استان، کوچ دورانی اکثر عشایر است و گروهی از عشایر نیز در فصل بهار به استان خراسان جنوبی کوچ می‌کنند. بر اساس آخرین سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، عشایر استان سیستان و

بلوچستان دارای ۱۸۹۸۴ خانوار و ۱۰۲۱۹۹ نفر جمعیت است. بعد خانوار عشایر در این استان ۵/۴ نفر و نسبت جنسی، ۹۸ می‌باشد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

عشایر استان به زبان‌های فارسی، سیستانی و بلوچی (بلوچ زابلی و بلوچ سیستانی) سخن می‌گویند. به جز دو طایفه بامری و عبدالهی در شهرستان دلگان و ایرانشهر و چند طایفه از عشایر زابل از قبیل بزی، کوچال، شیبک، بارانی و تیره ای از طایفه دهمرده و ...، سایر طوایف عشایر که تقریباً ۹۰ درصد عشایر استان را تشکیل می‌دهند، دارای مذهب تسنن از شاخه حنفی هستند.

#### توزیع سنی جمعیت عشایر استان:

بر اساس نتایج سرشماری عشایر در سال ۱۳۸۷، ۴۲/۵ درصد از جمعیت عشایر استان در گروه ۱۴-۰ سال و ۳۹/۴ درصد جمعیت در گروه ۳۴-۱۵ سال قرار دارند و ۱۸/۱ درصد، بالاتر از ۳۵ سال داشته‌اند که ضروری است به قشر جوان این جامعه توجه بیشتری معطوف شود.

جدول شماره (۱): جمعیت عشایر استان بر حسب گروه‌های سنی (سال ۱۳۸۷)

عشایر دوره قشلاق					
نسبت جنسی	درصد	جمعیت			گروه‌های عمده سنی
		جمع	زن	مرد	
۱۰۳	۱۵	۱۵۶۴۲	۷۶۷۹	۷۹۶۳	۰-۴
۱۰۳	۱۳/۶	۱۴۲۱۹	۷۰۰۴	۷۲۱۵	۵-۹
۱۰۶	۱۳/۹	۱۴۷۶۳	۷۱۵۷	۷۶۰۶	۱۰-۱۴
۱۰۰	۱۲/۳	۱۲۵۵۰	۶۲۶۸	۶۲۸۲	۱۵-۱۹
۸۲	۱۱/۶	۱۰۹۳۵	۵۹۸۶	۴۹۴۹	۲۰-۲۴
۸۵	۹/۵	۹۰۳۷	۴۸۸۵	۴۱۵۲	۲۵-۲۹
۹۵	۶	۶۰۸۸	۳۱۲۲	۲۹۶۶	۳۰-۳۴
۹۰	۴/۳	۴۱۶۸	۲۱۹۲	۱۹۷۶	۳۵-۳۹



۷۶	۳/۲	۲۹۵۰	۱۶۷۱	۱۲۷۹	۴۰-۴۴
۹۸	۲/۵	۲۵۹۲	۱۳۱۰	۱۲۸۲	۴۵-۴۹
۱۰۴	۲/۳	۲۴۶۱	۱۲۰۲	۱۲۵۹	۵۰-۵۴
۹۵	۱/۹	۱۹۳۲	۹۹۲	۹۴۰	۵۵-۵۹
۱۱۲	۱/۴	۱۴۹۱	۷۰۴	۷۸۷	۶۰-۶۴
۱۶۶	۲/۵	۳۳۷۱	۱۲۶۷	۲۱۰۴	۶۵ ساله و بیشتر
۹۹	۱۰۰	۱۰۲۱۹۹	۵۱۴۳۹	۵۰۷۶۰	جمع کل

منبع: سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷.

#### - ورزش‌های بومی و محلی در جوامع ابتدایی:

بقا و زنده ماندن، تنها هدف انسانهای اولیه بود و به دنبال تحقق این هدف اصلی در جوامع ابتدایی، به دنبال ایجاد بستری جهت زندگی بهتر بوده است. این هدف، بشر اولیه را ناچار ساخته است تا برای به دست آوردن غذا و لباس و مقابله با دشمن و حیوانات، به تلاش و کوشش بپردازد. برخی از فعالیت‌های آنها عبارت بود از: دویدن برای فرار از حیوانات یا شکار حیوانات، پرتاب سنگ به طرف حیوانات، جنگیدن با چوب به شکل شمشیر یا نیزه، گلاویز شدن با افراد مهاجم قبیله‌های دیگر، عبور از مسیرهای دشوار مثل کوهستان یا رودخانه و بسیاری از فعالیت‌های بدنی دیگر که یادگیری و تمرین را ضروری و جزء برنامه‌های اصلی زندگی آنان به شمار می‌رفت و بخش اصلی زندگی جوانان و کودکان آن زمان محسوب می‌شد. در آن جوامع وحشی، فقط آماده‌ترین و مقاوم‌ترین‌ها می‌توانستند زنده بمانند. بعد از آن، روستاها و عشایر کوچ‌نشین شکل گرفت و نیازهای دفاعی منجر به افزایش میزان توانایی‌های بشر شد.

ون دالن و بنت معتقدند که در فرایند آموزش در جوامع ابتدایی به دو حوزه یادگیری توجه می‌شد: مهارت‌های بقاء و مهارت‌های رفتاری. مهارت‌های بقاء شامل توانایی دفاع از حوزه خود و دیگران، توانایی تهیه غذا و لباس و سرپناه و مهارت‌های لازم برای

زندگی در طبیعت بود. مهارت‌های رفتاری نیز برای تضمین بقای گروه طراحی شده بود تا مهارت‌های فرد را در خدمت گروه قرار دهد (اسمعیلی، ۱۳۸۹).

### مدیریت ورزشی:

مدیریت ورزشی یکی از مدیریت‌های جدیدی است که از چند دهه پیش در دانشگاه‌های معتبر جهان به عنوان یکی از گرایش‌ها و تخصص‌های رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی جایگاه ویژه‌ای برای خود یافته است. مدیریت ورزشی بیان سازماندهی، برنامه ریزی، هدایت و کنترل فعالیت‌های ورزشی است و ورزش به عنوان پدیده اجتماعی در ابعاد مختلف تاثیر گذار است.

فلسفه وجودی مدیریت در تربیت بدنی بیانگر این حقیقت است که مقوله تربیت بدنی و ورزش به عنوان یک تشکیلات گسترده و در عین حال پیچیده، نیاز به داشتن مدیران ماهر و کارآمد در سطوح مختلف دارد. بنابراین وجود مدیرانی کارآمد و اثر بخش برای سازمان‌ها و به ویژه سازمان‌های ورزشی، امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است.

### نقش ورزش در زندگی اجتماعی

۱- نقش مشارکت اجتماعی ۲- ورود به فعالیت‌های جمعی و گروهی ۳- تقویت تعهدات جمعی ۴- تقویت هویت ملی ۵- ارتقای حس کمال جویی و کمال طلبی ۶- امید به آینده و چگونگی مقاومت در برابر مشکلات ۷- کنترل اجتماعی ۸- تقویت نشاط و شادابی ۹- تقویت سلامت و بهداشت جسمی و روحی ۱۰- توسعه تجارب اجتماعی و گروهی.

ورزش‌های بومی محلی: آن دسته از ورزش‌ها هستند که ریشه در فرهنگ و تاریخ گذشتگان ما دارد و دارای مزایای زیر می‌باشند: ۱- زنده نگه داشتن تاریخ و آثار زندگی گذشتگان ۲- شناخت از نوع مقابله آنان با مشکلات زندگی ۳- شناخت و آشنایی با

چگونگی پرکردن اوقات فراغت آنان ۴- کم هزینه بودن آنها ۵- امکان جذب توریسم ۶- سلامتی و شادابی.

### دسته بندی بازی های بومی و محلی:

گرچه بازی های محلی را می توان از دیدگاه مختلف در تقسیمات کلی دسته بندی کرد، اما به جهت آشنایی بیشتر می توان از عنوان راجع تر زیر استفاده نمود:

- ۱- بازی های بدون وسایل ۲- بازی های با وسایل ۳- بازی های فردی ۴- بازی های جمعی ۵- بازی های تیمی ۶- بازی های همراه با ساز و دهل ۷- بازی های فصلی ۸- بازی های شبانه ۹- بازی هایی که در روز انجام می شود. ۱۰- بازی های آبی (داخل دریا، استخر، رودخانه) ۱۱- بازی های سواره یا سوار کاری ۱۲- بازی های همراه با گویش، سرود، اشعار ۱۳- بازی های نشسته ۱۴- بازی هایی که دارای ابعاد آموزشی و تربیتی خاصی هستند. ۱۵- بازی های رقابتی ۱۶- بازی های مهارتی و قدرتی ۱۷- بازی های رزمی ۱۸- بازی های استقامتی ۱۹- بازی های هوش و فکری ۲۰- بازی های ویژه خردسالان ۲۱- بازی های ویژه بزرگسالان ۲۲- بازی های ویژه مردان ۲۳- بازی های ویژه زنان ۲۴- بازی های با حرکات سبک و آرام ۲۵- بازی های با حرکات سنگین و سخت

### جایگاه ورزش های بومی و محلی

تثبیت جایگاه حقوقی فدراسیون ورزش های روستایی و عشایری به واسطه ضرورت در چارچوب مطالعات سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش در ۱۳۸۴/۵/۳۱ رسماً با برگزاری اولین مجمع فدراسیون، وجاهت لازم را احراز نموده و به عنوان یکی از موثرترین فدراسیونها با حیطة وظایف گسترده، متولی امر برنامه ریزی، حمایت و پشتیبانی از فرآیندهای توسعه ورزش در مناطق روستایی و عشایری کشور است.

سیاستها و برنامه های این فدراسیون در دو حیطة توسعه ورزش های کلاسیک و احیاء و ترویج ورزش های سنتی و بازی های بومی و محلی طبقه بندی و تعریف شده

است ولی گستردگی و تعدد روستاها در کشور باعث شده که به ورزش‌های بومی و محلی در مناطق عشایری توجه کمتری بشود که خود مستلزم عزم ملی و برنامه ریزی مناسب در این راستا می‌باشد.

### نقش اجتماعی ورزش‌های بومی و محلی در استان سیستان و بلوچستان:

تدابیر ویژه بزرگان قدیم برای دفاع و جلوگیری از هجوم توحش ویرانگر که تمدن بزرگ ایرانی را همیشه به مخاطره می‌انداخته است موجب شده است انواع بازی‌ها طوری طراحی شود که شاد و پرتحرک و پرتکاپو باشد تا ضمن سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت برای بالا بردن آمادگی‌های جسمی و روحی جوانان و آحاد جامعه در مقابله با دشمنان، همواره آمادگی لازم را داشته باشند.

۱- وحدت رویه: یکی از ویژگی‌های بارز این بازیها، بالا بردن حس همدلی و تمرین و ممارست وحدت رویه و یک صدایی در برابر حریف و دشمن بوده است.

۲- تیز هوشی: زرنگی و زندگی و عیاری و شناسایی نقاط ضعف حریف و دشمن از ویژگی‌های دیگر این بازی است.

۳- جامعه پذیری و هویت اجتماعی: بالا بردن فهم و آگاهی برای نگهداری و باثباتی از یک اصل بسیار مهم که تداوم یک اجتماع با همبستگی و پیوستگی همه افراد امکان پذیر خواهد بود و در طی انجام آیین بازی‌ها، این درس بسیار بزرگ به تمامی اقشار جامعه داده می‌شود که با تمام قدرت و توان فردی باید فکر و اندیشه اجتماعی داشت.

۴- نقش و جایگاه برجسته رهبری و سپیدمویان: تعریف جایگاه رهبری و بزرگان، درس دیگر این بازیهاست که بدون استثنا، در هر بازی، یک فرد باتجربه به عنوان رهبر یا سراسرستادک حضور دارد و حرف و گفتار این فرد لازم‌الاطاعه است و شرایط هماهنگی و پیروزی با اوست.

۵- بالا بردن توان‌های نهفته:

الف: استفاده از چشم در تاریکی

ب: استفاده از گوش و دقت نظر از تحرکات و کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین صداها

### ورزش‌های بومی و محلی در استان سیستان و بلوچستان:

بر اساس شرایط اقلیمی و جغرافیایی و قومی و قبیله‌ای در شمال استان (سیستان) و جنوب استان (بلوچستان)، صدها ورزش بومی و بازی بومی محلی وجود دارد که هر کدام با شرایط منطقه انطباق دارند. هرچند که متأسفانه بسیاری از آنها در حال فراموشی است اما وجهه اشتراک اغلب آنها نیاز به بازنگری و بازسازی و به روز رسانی دارد تا با نیازهای امروزی جوانان عشایر، هم از نظر علمی و هم از نظر ورزش‌های نوین انطباق یابد.

بازی‌هایی همچون خوسو، کیچ زور، کیچ دومه (دامن)، چمک بازی، گل گل، توطن سواری، کبدی کبدی، تغار تغار و ... از جمله ورزش‌هایی هستند که هم اکنون علی‌رغم فراموشی بسیاری از ورزش‌ها، در مراسم و جشن‌ها و مناسبت‌ها اجرا می‌شوند. با نگاهی به ورزش‌های بومی و محلی مختلفی که در شمال و جنوب استان وجود دارد اشتراکاتی امکان‌پذیر است که لازمه آن، شناسایی و برگزاری مسابقات محلی، شهرستانی، منطقه‌ای و استانی و سرانجام ملی و حتی انطباق آن با سایر کشورها جهت المپیک است.

#### - تنگناها و مشکلات ورزش‌های بومی و محلی در جامعه عشایر استان:

- ۱- پراکندگی و دوری مناطق عشایر استان به جهت نظارت و برگزاری مسابقات
- ۲- عدم اعتقاد مدیران و برنامه ریز به ورزش‌های بومی و محلی
- ۳- نبود ساختار و نیروی انسانی در تشکیلات دستگاه متولی برای ورزش‌های بومی و

محلی

۴- شناخت کم متولیان از جامعه عشایری

۵- شناخت کم مسئولین از ورزش‌های بومی و محلی

۶- نداشتن مربی آموزش دیده برای این رشته‌ها

۷- وجود مشکلات فرهنگی برای ورزش زنان و دختران عشایر

- ۸- کم سواد و بی سواد جامعه عشایر و تاثیر آن بر ورزش های بومی و محلی  
 ۹- منظور نمودن اعتبار خاص برای ورزش های بومی و محلی در جامعه عشایر  
 ۱۰- عدم برنامه ریزی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برای ورزش های بومی و محلی در جامعه عشایری

۱۱- نبود حداقل امکانات برای برگزاری مسابقات محلی

### اثبات فرضیه ها:

فرضیه ۱: کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، مانعی جهت توسعه ورزش های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می شود.

الف) دیدگاه جوانان عشایر با توجه به جدول (۲)، متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی دارای توزیع نرمال نیست، لذا از آزمون غیر پارامتری علامت یک نمونه ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

M: میانه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه مورد بررسی باشد چون متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می دهد، مقادیر کمتر و یا مساوی ۳ را به عنوان عدم تاثیر و بالاتر از ۳ را به عنوان تاثیر در نظر می گیریم. بایستی

$$\begin{cases} H_0 : M \leq 3 \\ H_1 : M > 3 \end{cases}$$

فرضیه های زیر را آزمون کنیم:

یک قاعده آزمون فرض صفر در مقابل یک به صورت زیر می باشد.

اگر و فقط اگر  $p\text{-value} < 0,05$ ، آنگاه فرض صفر را رد و فرض یک را می پذیریم.

جدول ۲: آزمون علامت برای متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی

سطح معنی	میانہ	تعداد - از میانہ			متغیر
		بیشتر	مساوی	کمتر	
۰/۰۰۰	۳/۶۶۷	۲۳۰	۳۲	۱۱۸	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی

همانطور که در نتایج جدول بالا ملاحظه می‌شود، چون سطح معنی داری از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است، لذا فرض صفر را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه کارکنان و کارشناسان، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

#### ب) دیدگاه کارکنان و کارشناسان حوزه عشایری

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، دارای توزیع نرمال است، لذا از آزمون پارامتری  $t$  یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

$\mu$ ، میانگین واقعی متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، در جامعه مورد بررسی باشد، چون متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد، مقادیر کمتر و یا مساوی ۳ را به عنوان عدم مطلوبیت و بالاتر از ۳ را به عنوان مطلوبیت در نظر می‌گیریم لذا بایستی فرضهای زیر را آزمون کنیم.

$$\begin{cases} H_0 : \mu \leq 3 \\ H_1 : \mu > 3 \end{cases}$$

یک قاعده آزمون فرض صفر در مقابل یک به صورت زیر می‌باشد.

اگر و فقط اگر  $p\text{-value} < 0,05$ ، آنگاه فرض صفر را رد و فرض یک را می‌پذیریم.

جدول ۳: نتایج آزمون  $t$  استودنت برای کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آمار $t$	سطح معنی داری آزمون
متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی	۳/۹۹۵	۰/۵۴۲	۱۱/۰۱	۰/۰۰۰

همانطور که در نتایج جدول بالا ملاحظه می‌شود چون سطح معنی داری معادل  $0.05 = \alpha$  در سطح فرض صفر را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه کارکنان و کارشناسان و مدیران تربیت بدنی و جامعه عشایر، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اجتماعی و فرهنگی مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود. نتیجه اینکه در برنامه ریزی جهت ورزش‌های بومی و محلی بایستی به مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه داشته باشیم که این توجه باعث متمایز دانستن جامعه عشایری از دو جامعه دیگر توجه به مشارکت و مسائل مذهبی (شیعه و سنتی) و دیدگاه‌های قومی قبیل‌های می‌باشد.

**فرضیه ۴:** کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

#### الف) دیدگاه جوانان عشایر

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی، دارای توزیع نرمال نیست، لذا از آزمون غیر پارامتری علامت یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

$M$ : میانه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های

بومی و محلی در جامعه مورد بررسی

همانطور که در نتایج جدول ۴ ملاحظه می‌گردد، چون سطح معنی داری از عدد  $0.05$  کمتر شده است، لذا فرض را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه



جوانان عشایر، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود. جدول ۴: آزمون علامت برای متغیر کم توجهی و مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی

سطح معنی	میان	تعداد - - از میان			متغیر
		بیشتر	مساوی	کمتر	
۰/۰۰۰	۴	۲۹۲	۹	۷۹	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی

### ب) دیدگاه کارکنان و کارشناسان حوزه عشایری

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی، دارای توزیع نرمال است، لذا از آزمون پارامتری t یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد.

جدول ۵ - : نتایج آزمون t استودنت برای کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی

سطح معنی داری آزمون	آمار t	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۰/۰۰۰	۱۱/۹۹	۰/۵۷۲	۴/۱۴۳	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه ورزش‌های بومی و محلی

همانطور که از نتایج جدول بالا ملاحظه می‌گردد چون سطح معنی داری معادل  $\alpha = 0.05$  وجود دارد، فرض صفر را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛

یعنی از دیدگاه کارکنان و کارشناسان، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به برنامه ریزی در زمینه‌های ورزشی بومی و محلی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه واقعیات جامعه عشایری با ویژگی‌های کوچندگی و معیشت دامداری شناخته می‌شود. برنامه‌ریزی ورزشی هم با همین نگاه بایستی تدوین و اجرا شود تا ورزش‌های بومی و محلی نقش ارزنده خود را در این زندگی به نمایش می‌گذارد.

فرضیه ۳: کمبود اعتبارات مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

#### الف) دیدگاه جوانان عشایر

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اعتباری و بودجه‌ای، دارای توزیع نرمال نیست، لذا از آزمون غیر پارامتری علامت یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

M: میانه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اقتصادی و بودجه‌ای، در

جامعه مورد بررسی

جدول ۶: آزمون علامت برای متغیر کم توجهی و مدیران تربیت بدنی به مسائل اعتباری و

#### بودجه‌ای

سطح معنی	میانه	تعداد - از میانه			متغیر
		بیشتر	مساوی	کمتر	
۰/۰۰۰	۳/۵	۲۵۲	۳۸	۹۰	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اعتباری و بودجه‌ای

همانطور که از نتایج جدول بالا ملاحظه می‌شود، چون سطح معنی داری از عدد

۰/۰۵ کمتر شده است، لذا فرض را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه

جوانان عشایر، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اقتصادی و بودجه‌ای مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محل جوانان عشایر محسوب می‌شود.

### ب) دیدگاه کارکنان و کارشناسان حوزه عشایری

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اعتباری و بودجه‌ای، دارای توزیع نرمال است، لذا از آزمون پارامتری  $t$  یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

$\mu$ : میانگین واقعی متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به اقتصادی و بودجه‌ای،

در جامعه مورد بررسی

جدول ۷- نتایج آزمون T

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آمار $t$	سطح معنی داری آزمون
متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل مالی و اعتباری	۳/۸۳	۰/۶۰۵	۸/۲۲	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود چون سطح معنی داری معادل ۰/۰۰۰ در سطح  $\alpha = 0.05$  وجود دارد، فرض صفر را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه کارکنان و کارشناسان، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل اعتباری و بودجه‌ای، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود. نتیجه اینکه توجه به مسائل مالی و اعتباری و تعیین جایگاه ورزش‌های بومی و محلی در اعتبارات استانی به ویژه این ورزش‌ها موثر بوده است.

فرضیه ۴: توجه نداشتن مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و

محلی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

### الف) دیدگاه جوانان عشایر

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی، دارای توزیع نرمال نیست، لذا از آزمون غیر پارامتری علامت یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

M: میانه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی در جامعه مورد بررسی

جدول ۸ آزمون علامت برای متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی

#### ورزش‌های بومی و محلی

سطح معنی	میانه	تعداد - از میانه			متغیر
		بیشتر	مساوی	کمتر	
۰/۰۰۰	۳/۱۶۷	۲۹۰	۰	۹۰	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی

همانطور که در جدول بالا دیده می‌شود، چون سطح معنی داری از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است، لذا فرض را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه جوانان عشایر، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محل جوانان عشایر محسوب می‌شود.

### ب) دیدگاه کارکنان و کارشناسان حوزه عشایری

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی، دارای توزیع نرمال است، لذا از آزمون پارامتری t یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

$\mu$ : میانگین واقعی متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی

ورزش‌های بومی و محلی، در جامعه مورد بررسی

جدول ۹ نتایج آزمون  $t$  استیودنت برای کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آمار $t$	سطح معنی داری آزمون
متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی	۳/۸	۰/۵۷۵	۸/۳۵	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول بالا دیده می‌شود چون سطح معنی داری معادل ۰/۰۰۰ در سطح  $\alpha = 0.05$  وجود دارد، فرض صفر را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی از دیدگاه کارکنان و کارشناسان، توجه نداشتن مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه پراکندگی و دوری از مناطق عشایر باعث شده که این جامعه در اولویت کار کمتر دستگاهی قرار گیرد، لذا بایستی با ایجاد ساختار تشکیلاتی مشخص برای ورزش‌های بومی و محلی، از فراموشی آن‌ها جلوگیری نمود.

فرضیه ۵: کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی ورزش‌های بومی و محلی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

#### الف) دیدگاه کارکنان و کارشناسان حوزه عشایر

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی ورزش‌های بومی و محلی، دارای توزیع نرمال نیست، لذا از آزمون غیر پارامتری علامت یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

M: میانه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی و ورزش‌های

بومی و محلی در جامعه مورد بررسی

جدول ۱۰: آزمون علامت برای متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی

ورزش‌های بومی و محلی

سطح معنی	میان میان	تعداد - از میانه			متغیر
		بیشتر	مساوی	کمتر	
۰/۰۰۰	۳/۳۳	۲۵۶	۳۹	۸۵	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی

همانطور که از نتایج جدول بالا ملاحظه می‌شود، چون سطح معنی داری از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است، لذا فرض را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛ یعنی کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزش ورزش‌های بومی و محلی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محل جوانان عشایر محسوب می‌شود.

ب) دیدگاه جوانان عشایر

با توجه به آنکه متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مشکلات اجرایی ورزش‌های بومی و محلی، دارای توزیع نرمال است، لذا از آزمون پارامتری  $t$  یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده خواهد شد. حال اگر فرض کنیم که:

$\mu$ : میانگین واقعی متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی

ورزش‌های بومی و محلی در جامعه مورد بررسی

جدول ۱۱- نتایج آزمون  $t$  استیودنت برای کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل

آموزشی ورزش‌های بومی و محلی

سطح معنی داری آزمون	آمار $t$	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۰/۰۰۰	۹/۷۵	۰/۵۱۵	۳/۸۴	متغیر کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی ورزش‌های بومی و محلی

همانطور که از نتایج جدول بالا ملاحظه می‌شود، چون سطح معنی داری معادل ۰/۰۰۰ در سطح  $\alpha = 0.05$  وجود دارد، فرض صفر را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم؛

یعنی از دیدگاه کارکنان و کارشناسان، کم توجهی مدیران تربیت بدنی به مسائل آموزشی ورزش‌های بومی و محلی، مانعی جهت توسعه ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه از شیوه نوین ورزش‌های بومی و محلی از طریق آموزش‌ها به جوانان عشایر و مربیان و دست اندرکاران نقش مهمی در احیای این ورزش‌ها در مناطق عشایری خواهد داشت.

سوال: آیا بین دیدگاه کارشناسان و جوانان عشایر در خصوص کم توجهی به ورزش‌های بومی محلی و جهت توسعه این ورزش‌ها، تفاوت معنی داری وجود دارد؟  
با توجه به آنکه دیدگاه کارشناسان در خصوص کم توجهی به ورزش‌های بومی محلی جهت توسعه این ورزش‌ها نرمال می‌باشد لذا بایستی فرض بالا را با آزمون آماری غیر پارامتری ویتنی آزمون کنیم.

جدول ۱۲- نتایج آزمون مان ویتنی برای مقایسه عوامل کم توجهی به ورزش‌های بومی محلی

جهت توسعه این ورزش‌ها

سطح معنی داری آزمون	آمار Z	آمار U	میانگین رتبه‌ها		متغیرها
			کارشناسان	جوانان عشایر	
۰/۰۰۰	-۴/۲۳۲	۳۹۴۲/۵	۲۰۰/۸۸	۲۸۸/۹۹	کم توجهی به مسائل اجتماعی و فرهنگی
۰/۰۰۱	-۳/۲۸۸	۴۵۹۷	۲۰۲/۶	۲۷۰/۸۱	کم توجهی به برنامه‌ریزی‌ها
۰/۰۰۰	-۴/۲۱	۳۹۶۷/۵	۲۰۰/۹۴	۲۸۸/۲۹	کم توجهی به مسائل اعتباری و بودجه
۰/۰۰۰	-۴/۱۱۳	۴۰۳۸/۵	۲۰۱/۱۳	۲۸۶/۳۲	کم توجهی به مشکلات اجرایی
۳۰۳/۵۶	-۴/۹۸۴	۳۴۱۸	۱۹۹/۴۹	۳۰۳/۵۶	کم توجهی به مسائل آموزشی

همانطور که از جداول بالا ملاحظه می‌شود، کارشناسان و جوانان عشایر هر دو معتقدند که در خصوص ورزش‌های بومی محلی، کم توجهی مدیران باعث رکود و عدم توسعه ورزش‌های بومی و محلی عشایر می‌شود؛ ضمن اینکه مدیران و کارشناسان نسبت به جوانان عشایر اهمیت بیشتری می‌دهند.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۱- جامعه شهری، روستائی و عشایری به صورت مستقل از هم دیده شوند و الویت‌های ورزشی هر کدام منطبق با آن جامعه برنامه ریزی شود تا سهم عشایر در اولویت‌ها فراموش نشود.
- ۲- ورزش‌های بومی و محلی مشترک شهرستانی، استانی و کشوری شناسایی و در طول سال با برگزاری مسابقات، جشن‌ها و جشنواره‌ها، این ورزش‌ها به مردم شناسانده شود.
- ۳- جایگاه قانونی ورزش‌های بومی و محلی در اسناد بالادست و به ویژه در برنامه راهبردی استان گنجانیده شود.
- ۴- در برنامه‌ریزی‌ها، به مسائل مهمی مانند مسائل فرهنگی اجتماعی، آموزشی، مشکلات اجرایی، مالی و اعتباری خاص جامعه عشایر توجه شود.
- ۵- سهم ورزش عشایر بر اساس جمعیت هر شهرستان مشخص و ساختار تشکیلاتی در دستگاه متولی ورزشی برای ورزش‌های بومی و محلی پیش بینی گردد.
- ۶- ورزش‌های بومی و محلی از نظر علمی با ورزش‌های نوین امروزی تطبیق و به روز شوند.
- ۷- با ایجاد جاذبه، رغبت جوانان عشایر را به ورزش‌های بومی و محلی بیشتر کنیم.
- ۸- برای ورزش‌های بومی و محلی، مربیان کار آموزده تربیت، تا استعدادهای جوانان عشایر را شناسایی و شکوفا نمایند.

### فهرست منابع:

۱. ثمره طالبی، مریم (۱۳۹۱). بررسی ارزیابی عملکرد مدیران تربیت بدنی بر ورزش‌های بومی و محلی جوانان عشایر استان سیستان و بلوچستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد گرمسار.
۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). سرشماری اقتصادی اجتماعی عشایر کوچنده کشور (۱۳۸۷). چاپ اول.
۳. سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴). آئین نامه ساماندهی عشایر کشور مصوب هیئت دولت.



۴. اداره کل امور عشایر استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۰). برنامه راهبردی (استراتژیک) در افق ۱۴۰۴.
۵. رئیس‌الذاکری، غلامعلی (۱۳۷۰). کاندو، فرهنگ مردم سیستان. چاپ اول، انتشارات سعید مشهد.
۶. گزارش کارشناس فدراسیون روستایی و عشایری.
۷. اسمعیلی، محمدرضا (۱۳۸۹). تاریخ تربیت بدنی و ورزش. انتشارات آوای ظهور، چاپ دوم.

## معرفی صنایع دستی عشایر استان تهران

### مهندس سیروس نصیری<sup>۱</sup>، مهندس افسانه احسانی<sup>۲</sup>

معرفی و شناسایی صنایع دستی عشایر استان تهران با هدف توانمندسازی بانوان عشایری در جهت تولید کاربردی در جامعه امروز و عرضه آن به علاقمندان صورت می‌گیرد و علاوه بر ایجاد انگیزه و امید در بانوان عشایری، را زنده نگاه می‌دارد. از سوی دیگر، عرضه و بازاریابی این محصولات، شرایطی را فراهم می‌آورد که به رغم مشکلات و مسائل مختلف، عشایر قادر باشند با کمترین تأثیر منفی بر محیط زیست و مراتع، به صورت پایدار به تولید و عرضه صنایع دستی پرداخته و به اقتصاد خانواده کمک کنند. صنایع دستی تولیدی عشایر در مقوله فرهنگی، یکی از ابزارهای مقابله با تهاجم فرهنگی بوده و امکان حفظ آداب و رسوم بومی جوامع محلی را فراهم می‌آورد تا مسیر نفوذ فرهنگ وارداتی را محدود کرده و قوام و استحکام آنان در برابر مشکلات اجتماعی باقی بماند. از این رو، پرداختن به حفظ و احیای صنایع دستی عشایر بسیار مهم است.

جدول (۱): سامان‌های عشایری مورد بررسی

ردیف	شهرستان	سامان‌های عشایری
۱	فیروزکوه	لזור، ارجمند، طرود
۲	ورامین	حصاربالا، حصارقازی، سلمان‌آباد، محمودآباد، غیاث‌آباد
۳	پاکدشت	حاجی‌آباد، قلعه‌نو، حمامک، کریم‌آباد، نیک، کروس‌بالا، فرون‌آباد، سنگاب
۴	دماوند	زره‌در، عباس‌آباد
۵	شهرری	بندبیچین، دیرومره، آرادکوه
۶	تهران	باغکمش، تماشا
۷	اسلام‌شهر	یافت‌آباد، احمدآباد مستوفی
۸	شمیرانات	حوزه‌لار، قوشخانه، کمردشت، سفیدآب، خشکه‌رود، قرقره‌سنگ، چهل‌بره، دهنه‌سنگ، مرغ‌سر، یورد قیدر، استرکلک، قلعه‌نو، پشم‌لشم، گل‌گچ

۱- مدیر امور عشایر استان تهران

۲- کارشناس اکوتوریسم

### مفهوم صنایع دستی:

صنایع دستی از نظر لغوی دارای مفهوم ثابت و واحدی نیست و تاکنون از این واژه، تعریف جامعی که از اتفاق نظر کلیه کارشناسان و دست‌اندرکاران این حوزه به دست آمده باشد، موجود نیست. صنایع دستی در منابع، دارای تعاریف مختلفی است. به عنوان مثال، از آنچه با دست ساخته می‌شود، مانند پارچه، قالی، ساخته‌های فلزی و ... در مقابل صنایع ماشینی (لغت‌نامه دهخدا). صنایع دستی به آن دسته از صنایعی گفته می‌شود که مهارت، ذوق و هنر انسانی در تولید آن نقش اساسی دارد (دایره‌المعارف بریتانیکا).

### انواع صنایع دستی عشایر استان تهران:

جامعه عشایری استان تهران در کنار جوامع شهری و روستایی به عنوان سومین جامعه استان مطرح بوده و عشایر این استان به علت ویژگی‌های اقلیمی موجود، همچنان به شیوه معیشت پدران خود یعنی دامداری از طریق کوچ به مناطق ییلاقی، میانبند و قشلاقی ادامه می‌دهند. این جامعه با جمعیتی بالغ بر ۲۵۵۰ خانوار در زمان قشلاق و ۳۱۵۰ خانوار در هنگام ییلاق و جمعیتی در حدود ۱۳۰۰۰ نفر، بعلاوه ۶۰۰ خانوار مهمان (۳۰۰۰۰ نفر جمعیت)، با در اختیار داشتن قریب به ۵۵۰۰۰۰ واحد دامی همراه ب ۸۵۰۰۰ واحد دامی عشایر مهمان، از بخشی از مراتع استان استفاده نموده و می‌نمایند. عشایر استان تهران متشکل از ۷ ایل به نام‌های هداوند، سنگسری، شاهسون بغدادی، مغانی، قشقایی، کوهی، کلهر و ۶۰ طایفه از جمله عرب باقری، عرب صحنایی، عرب کتی، کلکویی و ... می‌باشند. این طایفه‌ها در قالب ۲ زیست بوم، ۲۳ سامانه و ۱۵۴ سامان عرفی در مناطق عشایری شهرستان‌های استان استقرار دارند.

در طی یک دوره مطالعات میدانی که در سال ۱۳۹۰ توسط مدیریت امور عشایر استان تهران صورت گرفت، ۴۳ نوع صنایع دستی، شناسایی و عکس‌برداری شد. در این میان، جاجیم بیش از همه انواع دستبافته‌ها مشاهده گردید. پس از آن، جوال و

خورجین، دارای بیشترین گستردگی هستند. در مراتب بعدی، با توجه به ویژگی اقلیمی منطقه فیروزکوه، انواع جوراب و دستکش پشمی، تقریباً در همه خانواده‌ها از رونق فراوانی برخوردار هستند. پس از آن، قالی‌های دست‌باف، گلیم و پشته‌ی قرار دارند. در منطقه فیروزکوه به دلیل نزدیکی عشایر به سامان سنگبری استان سمنان به خصوص هنگام بیلاق، تعامل بین بانوان این دو گروه با تأثیرگذاری بر صنایع دستی این دو منطقه موجب شده است که نشانه‌هایی از سوزن دوزی‌های عشایر استان سمنان در منازل عشایر فیروزکوه نیز قابل مشاهده باشد.

شهرستان	تولید کنندگان فعال	تعداد دستبافته‌ها	انواع دستبافته‌ها
فیروزکوه	۱۱	۱۷	جاجیم، گلیم، قالی، کوله پشته‌ی، جوراب کاموایی و پشمی، جوال، پاپیج، خورجین، کلاه پشمی، پلاس (روی کرسی)، نمد چوخوا (لباس چوپان)، کیسه دوغ، دستکش کاموایی، کیسه پول، کیسه توتون، سوزن دوزی، گل دوزی، پارچه بافی
اسلامشهر	۷	۱۲	آبازور، روی کوسنی، گلیم، کشکول، کیف، روی داشبوردی، روی پشته‌ی، (جُل مادیان)، جوال، نمکدان، سفره آرد، قالی، جاجیم، گردنبند (گیاهی)
پاکدشت	۴	۱۲	جاجیم، گلیم، جوال، روی پشته‌ی، قالی، کوله پشته‌ی، نمکدان، خورجین، سیاه چادر، کلاه پشمی، شال گردن پشمی، سفره آرد
ورامین	۳	۷	گلیم، جوال، قالی، تابلو فرش، خورجین، روی پشته‌ی، نمکدان
ری	۵	۵	قالی گلیم، جوال، جاجیم، روی پشته‌ی،
تهران	۵	۳	گلیم، جاجیم خورجین،
دماوند	-	۱۱	جاجیم، خورجین،

جدول (۲): موارد مورد بررسی مدیریت امور عشایر استان تهران



نام اثر: نمکدان  
اندازه: ۰/۳ × ۰/۵ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: ۱۳۸۷  
نام قشلاق: احمد آباد  
مستوفی: شهرستان  
اسلام شهر  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: عرب  
صحنایی و باقری



نام اثر: گلیم  
اندازه: ۰/۷۵ × ۱/۵ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۶۵  
نام قشلاق: کوروس بالا  
حومه شهرستان پاکدشت  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: ایل هداوند،  
طایفه لر خانی



نام اثر: چاجیم  
اندازه: ۲ × ۳ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۷۵  
نام قشلاق: فرون آباد  
شهرستان پاکدشت  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: ایل هداوند  
طایفه سیری



نام اثر: جوراب پشمی  
اندازه: ۰/۳۵ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
و کاموا  
زمان بافت: ۱۳۸۵  
نام بیلاق: لزور - شهرستان



نام اثر: جوراب پشمی  
اندازه: ۰/۳۵ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
و کاموا  
زمان بافت: ۱۳۸۵  
نام بیلاق: لزور - شهرستان

نام اثر: روی پستی  
اندازه: ۰/۷۰ × ۱/۱۰ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: ۱۳۸۲  
نام قشلاق: احمد آباد  
مستوفی - شهرستان  
اسلام شهر  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه:  
عرب صحنایی





نام اثر: جوال  
اندازه: ۱ × ۰/۵ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۴۰  
نام قشلاق: محمودآباد  
شهرستان ورامین  
نام بیلاق: لار  
ایلات و طوایف:  
عرب کتی



نام اثر: قالی  
اندازه: ۳×۲ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: ۱۳۸۰  
نام قشلاق: قلعه‌نو  
شهرستان پاکدشت  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: ایل هداوند،  
طایفه سبری



نام اثر: قالی  
اندازه: ۳×۲ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۷۵  
نام قشلاق: قلعه‌نو  
شهرستان پاکدشت  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: ایل هداوند  
طایفه سبری



نام اثر: کوله پشتی یا  
کوله‌چه  
اندازه: ۰/۴×۰/۴ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۴۰  
نام قشلاق: حاجی آباد  
شهرستان پاکدشت  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: ایل هداوند  
طایفه سیری



نام اثر: کوله‌چه  
اندازه: ۰/۴ × ۰/۴ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۶۰  
نام قشلاق: کوروس بالا  
حومه شهرستان پاکدشت  
نام بیلاق: لار  
ایل و طایفه: ایل هداوند، طایفه  
لرخانی





نام اثر: چیت  
اندازه: ۱×۲ متر  
مواد اولیه: چوب درخت  
گز و نیج  
زمان بافت: ۱۳۹۰  
نام قشلاق: محمودآباد  
شهرستان ورامین  
نام بیلاق: لار  
ایلات و طوایف: عرب کتی



کاربرد چیت در بیلاق



نام اثر: جوال  
اندازه: ۱ × ۰/۵ متر  
مواد اولیه: پشم گوسفند  
زمان بافت: حدود ۱۳۴۰  
نام قشلاق: محمودآباد  
شهرستان ورامین  
نام بیلاق: لار  
ایلات و طوایف:  
عرب کتی

## معرفی کتاب

دکتر احمد رحیمی<sup>۱</sup>

عنوان کتاب: سیاست عشایری دولت پهلوی اول

نویسنده: دکتر نفیسه واعظ (شهرستانی)

انتشارات: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸

چاپ اول - ۶۳۰ صفحه

قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

کتاب فوق که به نظر می‌رسد برگرفته از رساله دکتری نویسنده محترم باشد که در رشته تاریخ به رشته تحریر درآمده و با توجه به محتوا، زحمات زیادی برای نگارش آن صرف شده و کتابی ارزشمند است. لذا برای علاقمندان مباحث عشایری، مطالعه آن مفید است. کتاب شامل قسمت‌های «سخنی با خواننده، مقدمه (طرح تحقیق)، مدخل و هفت فصل اصلی، نتیجه‌گیری، منابع و مآخذ، تصاویر و اسناد و فهرست اعلام» می‌باشد.

در قسمت سخنی با خواننده که به جای پیشگفتار مطرح شده، نویسنده به مشکلات عمومی مطالعه درباره عشایر پرداخته است. از جمله مشکلات مطرح شده، نبود مرزبندی بین واژگان از جمله ایل، قوم، قبیله و عشیره است. کمبود منابع معتبر و مرتبط از دیگر مشکلات ذکر شده می‌باشد.

قسمت مقدمه که مشابهت زیادی به فصل اول پایان نامه‌های فوق لیسانس و رساله دکتری دارد، کلیات تحقیق را دربرمی‌گیرد. نگارنده در این قسمت ابتدا به بیان مسئله، اهداف و ضرورت تحقیق پرداخته است. در این قسمت، مولف اظهار داشته: این پژوهش بر آن است که مبانی نظری و سیاست‌های اساسی راهبردی عملی دولت پهلوی اول در

---

۱- کارشناس خبره دفتر مطالعات سازمان امور عشایر ایران

قبال مسئله ای به نام ایلات و عشایر را مورد بررسی قرار دهد و چگونگی مواجهه جامعه ایلی - عشیره‌ای در قبال برنامه‌های مورد نظر را تشریح نماید و به علاوه نتایج و پیامدهای سیاست عشایری دولت را مورد ارزیابی قرار دهد.

در قسمت ادبیات تحقیق به منابعی از جمله آثار بهمن بیگی، ابرلینگ، امان الهی، بیات، کیانود، نقیب زاده، غفاری، تاپر و ... پرداخته و دیدگاه هریک را به صورت خلاصه مورد اشاره قرار داده است. بالاخره این که اهداف این پژوهش به شرح زیر بیان گردید:

- ۱- تشریح پشتوانه‌های فکری سیاست عشایری دولت پهلوی اول
- ۲- تبیین و تحلیل چگونگی خلع سلاح ایلات و عشایر
- ۳- تبیین تحلیلی نحوه سلب قدرت از سران ایلات و عشایر
- ۴- توصیف تحلیلی نحوه اسکان ایلات و عشایر
- ۵- ...

همچنین مهمترین سئوالات این تحقیق عبارتند از:

- ۱- دولت پهلوی چه نقش و جایگاهی برای جامعه ایلی و عشیره ای در راستای اهداف عمومی خود برای نوسازی جامعه ایرانی قائل بود؟
- ۲- اهداف و سیاست‌های کلان دولت در قبال ایلات و عشایر مبتنی بر چه رویکردی بود؟
- ۳- مهمترین برنامه‌های دولت برای ایلات و عشایر چه بوده است؟
- ۴- ...

در قسمت تعاریف، اصطلاحاتی چون ایلات و عشایر، سیاست و دولت به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته و از دیدگاه نویسنده، دولت در معنی کلیات نظام سیاسی و در معنای مجموعه ای از اعضای هیأت حاکم همانند شاه، وزرا و نهادها مثل وزارتخانه‌ها به کار رفته است.

در این کتاب، منابع متنوعی از جمله مذاکرات و مصوبات مجلس، مذاکرات و مصوبات هیأت وزیران، اسناد و مدارک، خاطرات و یادداشت‌ها از جمله خاطرات افراد سیاسی، نظامی، سران ایلات و ... گزارش‌ها و مکتوبات سیاسی، نشریات داخلی و

خارجی، کتاب‌های تاریخی و رساله‌ها مورد استناد قرار گرفته و منبع تمام آنها به صورت زیر نویس در پایین هر صفحه ذکر شده است.

قبل از شروع فصول اصلی، قسمت دیگری تحت عنوان نگرش عمومی به دولت در عصر پهلوی اول آورده شده و در آن، سرشت دولت پهلوی اول مطرح شده و نویسنده از قول جیمز اسکات، دولت پهلوی اول را "دولت مدرن/اقتدارگرا" نامیده است همچنین سیاست‌های عمومی دولت پهلوی اول را در حوزه‌های مختلف مورد بحث قرار داده است. در فصل اول این کتاب که از صفحه ۱۰۹ آغاز می‌شود، مؤلفه‌های عمومی جامعه ایلاتی ایران در آستانه سلطنت پهلوی اول نامگذاری شده است. نگارنده برای معرفی وضعیت ایلات و عشایر، ابتدا دو جامعه روستایی و شهری را مرور نموده و بعد جامعه عشایری را به عنوان جامعه سوم مورد کنکاش قرار داده است. بررسی وضعیت جمعیت عشایر، پراکندگی عشایر مختلف در کشور و اوضاع اقتصادی عشایر در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم کتاب به بنیادهای فکری سیاست عشایری دولت پهلوی اول اختصاص یافته است. از دیدگاه نویسنده کتاب، سه پایه فکری سیاستگذاری برای ایلات و عشایر کشور عبارت بود از دولت‌سازی، ملت‌سازی و مدرن‌سازی؛ به این معنی که دولت پهلوی به پشتوانه این فکر که باید دولت متمرکز قوی پدید آورد خود را در تعارض با خواست ایلات و عشایر مرکز‌گیزی می‌دید که حاضر به تسلیم در برابر خواست‌های دولت متمرکز که از پشتیبانی روشنفکران به خصوص ملیون برخوردار بود نمی‌شدند. از سوی دیگر یکی دیگر از ارکان فکری سیاستگذاری دولت پهلوی به طور عام و درباره ایلات و عشایر به طور خاص این بود که با اعمال سیاست یکسان‌سازی، ملتی همگون بوجود آورد که باز هم ایلات و عشایر از روزه نگاه دولت متمرکز در راه ایجاد برنامه ملت‌سازی بازدارندگی می‌کردند که به این پشتوانه فکری و چرایی و چگونگی آن بر سیاست‌های دولت درباره ایلات و عشایر پرداخته شده است. سرانجام اینکه فکر مدرن‌سازی نیز یکی از شالوده‌های اساسی برنامه‌های دولت برای ایلات و عشایر را رقم می‌زد.

از جمله ضرورت‌های دولت پهلوی در مواجهه با عشایر، مسئله نظم و آرامش عمومی بود که چون در اواخر دوران قاجار، ناامنی و بی‌نظمی شدیدی توسط برخی گروه‌های عشایری ایجاد شده بود، دولت رضاخان برای این کار، آن گروه از عشایری را که امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه را به هم می‌زده سرکوب نماید.

فصل سوم کتاب به برنامه‌های دولت در قبال ایلات و عشایر اختصاص یافته است. از دیدگاه نگارنده کتاب، دولت پهلوی چهار محور اساسی برای برنامه ایلات و عشایر داشت که عبارت بودند از: خلع سلاح و آرام ساختن ایلات و عشایر، سلب قدرت از سران ایلات و عشایر، سیاست اسکان و بالاخره فرهنگ سازی و فرهنگ زدایی. در این فصل نمونه‌های مختلفی از برخورد حکومت با عشایر در مورد خلع سلاح عشایر نقل شده که به دلیل خودداری از طولانی شدن بحث، از تشریح آن خودداری می‌شود. برنامه دیگر دولت، سلب قدرت سیاسی از سرداران ایلات و عشایر بود که با روش‌های مختلف از جمله روش‌های سیاسی مستقیم و غیرمستقیم، منع سران ایل از برقراری رابطه با خارجی‌ها، سلب مسئولیت اداری از سران ایلات و عشایر، مداخله در انتخاب رؤسای ایلات و عشایر، تفکیک اداری مناطق ایلی و عشیره‌ای، روش‌های اقتصادی از جمله مصادره اموال، معاوضه املاک رؤسای ایلات و عشایر و عدم پرداخت سهم نفت خوانین بختیاری به دولت را می‌توان نام برد. سپس در این فصل به برنامه اسکان عشایر پرداخته شده و اهداف دولت، روش‌های اجرایی دولت برای اسکان و اعتبارات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

منابع و رویه‌های سیاستگذاری دولت در حوزه ایلات و عشایر در فصل چهارم بررسی شده است. در این بخش مواردی از جمله دیدگاه رضاشاه درباره ایلات و عشایر، برخی فرامین رضاشاه درباره عشایر، مجلس شورای ملی و هیأت وزیران و مصوبات آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل پنجم کتاب، سازماندهی اجرایی برنامه‌های دولت در قبال ایلات و عشایر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ از جمله نقش وزارت دربار، وزارت مالیه، وزارت

داخله، وزارت جنگ، وزارت معارف، وزارت فواید عامه و سایر وزارتخانه‌ها و بالاخره کمیسیون اسکان مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقابله جویی‌های ایلات و عشایر با برنامه‌های دولت، موضوع فصل ششم کتاب است. با توجه به سیاست‌های عشایری دولت پهلوی اول، مخالفت‌ها و مقابله جویی‌هایی از طرف برخی از عشایر انجام گرفت. مهمترین علل و عوامل سیاسی شورش‌ها را می‌توان مخالفت با اجرای قانون نظام وظیفه (سربازگیری) و سیاست خلع سلاح، حوزه مجریان سیاست عشایری و به خصوص نظامی‌ها و بالاخره مخالفت ایلات و عشایر با اصلاحات و تجدد خواهی دولت و همچنین مخالفت ایلات با سیاست تمرکزگرایی شدید دولت و دفاع از دست رفته بیان نمود.

در فصل هفتم پیامدهای سیاست عشایری دولت مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله پیامدهای عنوان شده در این کتاب می‌توان به تأمین امنیت و ختم ستیزه‌های ایلی و برجیده شدن بساط قدرت‌های محلی اشاره کرد. البته پس از خروج رضاشاه از ایران، گروهی از عشایر مجدداً به زندگی ایلی خود بازگشتند. از پیامدهای اقتصادی نیز تغییر شیوه تولید از دامی به کشاورزی، کاهش جمعیت عشایری، لغو مالیات احشام و ... را می‌توان نام برد.

در انتهای کتاب نویسنده به نتیجه‌گیری پرداخته و بزرگترین خطای دولت پهلوی را در قبال ایلات و عشایر، حمله مستقیم به این جامعه می‌داند. در انتهای کتاب نیز منابع و مآخذ ذکر شده و تصویر برخی اسناد نیز آورده شده است.

درمجموع این کتاب برای کارشناسان، مدیران عشایری، محققان و دانشجویان مرتبط با این رشته بسیار مفید است و مطالعه آن به این گروه از افراد توصیه می‌شود.



## راهنمای تهیه و تدوین مقالات فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب

- ۱- محتوای مقالات با اهداف نشریه متناسب بوده و حاصل مطالعات، تجربه ها و پژوهش های نویسنده و دارای ایده های تازه و کاربردی باشد.
- ۲- مقاله در هیچ همایشی ارائه نشده و در هیچ نشریه ای قبلاً چاپ و یا همزمان برای نشریه های دیگر فرستاده نشده باشد.
- ۳- مقاله برای یک شماره آماده شود و دنباله دار نباشند.
- ۴- فصلنامه در انتخاب، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله های دریافتی آزاد است. مقالات دریافتی عودت داده نمی شود.
- ۵- مسئولیت آرا و نظرات ارائه شده در مقاله ها بر عهده نویسندگان است و چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن نیست.
- ۶- مقاله در ۳ نسخه در صفحات کاغذ A4 یک رو در نرم افزار word ۲۰۰۳ یا بالاتر با حفظ ۲ سانتی متر حاشیه از هر طرف و فاصله بین خطوط ۱/۵ سانتیمتر، حداکثر در ۲۵ صفحه و با فونت فارسی ۱۲ BNazanin (لاتین با قلم ۱۱ Times New Roman) به دفتر مجله ارسال شود.
- ۷- به منظور تسریع در روند بررسی مقاله می توانید مقاله را با فرمت word و نیز PDF از طریق پست الکترونیک نشریه ارسال فرمایید. مقاله ارسالی باید بدون اشتباه گرامری و املائی و یا چاپی باشد.
- ۸- صفحه اول مقاله در برگزیده عنوان مقاله (فارسی و انگلیسی)، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی، محل اشتغال، نشانی کامل به همراه شماره تلفن و دورنگار و پست الکترونیک باشد (نام نویسنده یا مسئول مکاتبات با ستاره مشخص شود).
- ۹- ارجاعات در متن مقاله بین پرانتز به صورت نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه یا شماره جلد / صفحه ( نوشته شود).
- ۱۰- در صورت ترجمه، مقاله حاوی موضوعات جدید باشد و اصل مقاله ترجمه شده با نسخه ای از متن اصلی همراه شود.
- ۱۱- در متن مقاله حتی الامکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و توضیحات، معادل لاتین اصطلاحات و اسامی مؤلفان که ذکر نامشان در منابع ضرورت ندارد، پایین هر صفحه با شماره های مجزا برای هر صفحه (پی نوشت) آورده شود.
- ۱۲- چارچوب مقاله شامل موارد زیر باشد.

۱- عنوان: مختصر و متناسب با محتوای مقاله



- ۲- **چکیده فارسی:** حداکثر ۲۵۰ کلمه در یک پاراگراف شامل مقدمه، هدف، روش (نمونه و ابزار)، یافته ها، بحث و نتیجه گیری و واژه های کلیدی (۳ تا ۵ واژه)
- ۳- **چکیده انگلیسی:** معادل و مطابق چکیده فارسی
- ۴- **مقدمه:** بیان مسأله، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، هدفها، پرسش (ها) و یا فرضیه (های) پژوهش.
- ۵- **روش:** جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش (شامل نوع طرح پژوهش و روش های تحلیلی آماری داده ها)
- ۶- **یافته ها:** نتایج پژوهش همراه با جداول و نمودارهای ضروری مطابق ضوابط و الگوهای APA
- ۷- **بحث و نتیجه گیری:** بررسی نتایج پژوهش و تبیین یافته ها، شرح پیامدهای عملی و نظری، بیان محدودیت ها و پیشنهادها.
- ۸- **فهرست منابع مورد استفاده (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع خارجی)** در صفحه ای مستقل با توجه به الگوی زیر درج شود:
- کتاب: نام خانوادگی و نام اولین نویسنده، نام و نام خانوادگی سایر نویسندگان، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم (در صورتی که ترجمه باشد)، نوبت چاپ، نام ناشر و محل انتشار.
- نشریه: نام خانوادگی و نام اولین نویسنده، نام و نام خانوادگی اولین نویسندگان، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مترجم (در صورتی که ترجمه باشد)، نام نشریه (با حروف خمیده)، جلد/سال، شماره و دامنه صفحات.
- پایان نامه: نام خانوادگی و نام نویسنده، سال انتشار، عنوان پایان نامه، رشته و مقطع تحصیلی، نام دانشکده و دانشگاه.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام، عنوان مقاله به طور کامل، تاریخ کامل انتشار مقاله، نشانی URL و تاریخ کامل دسترسی به مقاله.

\*\*\*\*\*

### تماس با فصلنامه:

نشانی: تهران - میدان فلسطین - خیابان برادران مظفر شمالی - پلاک ۱۰۲ - طبقه سوم - دفتر مطالعات جامع عشایر کشور

۰۲۱ - ۸۸۸۹۷۹۵۳ - ۶

تلفن تماس:

[ezakhayer@gmail.com](mailto:ezakhayer@gmail.com)

پست الکترونیکی:

Evaluation of nomads habitation planning in development settlements

By: Office for Passturalism Community's Integrated Studies  
supervised By: Drpejman rezaee- office of master studies

Policy of nomads habitation is one of the most important attitudes of planners and policy makers in recent decades and plenty of credits and plans allocated to this policy.

For understand the consequence of this policy we select 60 new settlements from 22 province and fill more than 1000 questionnaires. The consequence of studies show in society level, nomads habitation has very suitable impacts and most of the families have positive attitude, in physical level the impacts are positive too and this process create a good condition in roads, water, electricity and ....

In economic level most of the families attend to agriculture more than ranching and this is a great change in their life.

In environmental level the impact of this policy is negative and most of the settlements have problem. In this process droughts has negative impacts on water resources, plants, animals and ...

The survey show in most of the settlements tradition irrigation is one of the most important problems and planning for optimum use of these resources is very essential.

In management level, habitation change structure of traditional manages and people participation in management is one of the consequence of this policy.

Planning for this settlements needs to know weakness, strengths, opportunities and threats, After that ranking of policies and finally having practical plans. We do this process in some workshops and the outcomes shows SO policy is most important policy in economic, social, management, physical and environment level.

Key words : nomads, spontaneous settlements, planned settlements, nomads habitation planning, sustainable development

---

Evaluation of nomads habitation planning in development settlements

By: Dr hamid koharm – the member of suntifik board of livestock scinece-group-tehran university.

Abstract

The objective of the present study was to investigate the effects of a long-acting, trace mineral, reticulorumen bolus on lambing rate of synchronized Lori ewes during breeding season. Seven hundred seventy nine Lori cycling ewes in 7 herds were used in the trial. In each herd, 6 treatments were administered. Treatments include: 1) control; 2) one mineral bolus was given a month before mating; 3) two mineral bolus was given a month before mating; 4) the ewes were synchronized using CIDR and 500 IU eCG before mating; 5) combination of the treatments 2 and 4; 6) combination of the treatments 3 and 4. Data were analyzed using factorial model by SAS version 9.1 (SAS, 2004). The high lambing rate, reproductive rate and litter size was seen in treatment 6 ( $p < 0.05$ ). The lambs born in treatment 4 had the highest average birth weight ( $p < 0.05$ ). The boluses had effect on lambing rate ( $p < 0.07$ ) and litter size ( $p < 0.002$ ). The synchronized program had effect on lambing rate ( $p < 0.05$ ), lambing weight ( $p < 0.02$ ) and litter size ( $p < 0.02$ ).

---

The Role of Culture and "Jihadi" Management in realizing of "Jihad-e eghtesadi" for Socioeconomic development of pasturalism community

By: Dr. Mohammad Taghi Amanpour

**Abstract:**

Pastoralism community has been known as " Revolution's reserves" so far. With the consideration of the importance of this community in the country, "Jihad-e eghtesadi" should be considered, too. Pastoralism community with 212,000 households and 1.2 million population, has 32 million hectare of pastures and 28% of the country's livestock population. They produce about 35% of country's handcraft productions and about 20% of country's protein needs. There is a major part of Iranian traditions and microcultures in this community, therefore it should be paid more attention to this community.

The goal of this essay is to clarify the role of "Jihadi" culture and the practical ways to sociocultural development of pasturalism. The research has been made based on descriptive - analytical method .

The results show that with the consideration of historical, social and economical role of pasturalism community in the country and with the usage of domestic knowledge and the renewal of culture and rich values of this community, it should provide a more joyfull and more efficient life for them. For the achievement to this goal, the developmental models specially those submodels including the subject of livestock, pastures and yielding water should be used.

**Keywords:** Jihad-e Eghtesadi, pasturalism community, sustainable development, livestock, pasture

---

The Role And Place Of "Jihadi" Management In Providing The Possibilities And Infrastructure Services In Pastoralism Regions

By: Mirwali Safarzadeh (Vice President of Iran's Pastoralism Community Organization)

Abstract:

After the victory of Islamic revolution, the ruling and usage of "Jihadi" management and culture which derived from religious teachings, was one of the expectations of Iran's revolutionary people. With the consideration of this great expectation, Imam Khomeini (PUH) issued the command for founding of "Jihad-e-Sazandegi" in June, 1979.

In this article and with the usage of existed data source in Pastoralism's Affair Organization and analysis of such datae, the specifications of "Jihadi" management and its remarkable and positive effects on doing works with people's participation has been described. Moreover, the most important problems of pastoralism community and their solutions has been noted.

Pastoralism community as a productive community and as the inheritor of country's past sociocultural situation, deprived from the minimum of facilities and services. The community's dispersion and its deprivation and impracticable of pastoralism region makes doing work for them hard and difficult. However, doing works with divine motives that exist in Jihad for God, makes every difficulty easy.

Before the Islamic revolution there was no any considerable attentions to pastoralism community, so at the bigining of victory of the revolution the pastoralism community was in absolute deprivation. Based on surveys done in this regard, among the human, welfare and development indices except of literacy index which had been 12% for 6 years old's population, the rest of other indices were between 0-10%. After the Islamic revolution and with the inspiration of Islamic culture, State's justice-oriented and deprivation-removing policies which has executed by jihadi management many efforts has been executed for this community. By approving of Act for Organizing of Pastoralism Community during the execution of 4<sup>th</sup> Country's Plan, such services run faster. Therefore the indices of pastoralism community's development grew up and the mean of indices from 26 at the end of 3<sup>rd</sup> Country's Plan grew to 46 at the end of 4<sup>th</sup> Country's Plan. Although many works has been done for

---

this community, however the pasturalism community is a deprived community already and needs to pay a special attention.

Keywords: Pasturalism, Place of Jihadi management, Pasturalism regions, Pasturalism Community's Affair Organization

---

Assessment of Factors Effective on the Interaction Between Culture of "Jihadi" Management and Pastoralism Community

By: Mehdi Mizban (Senior of social studies and assistant manager of the office for integrated studies of pastoralism community)

Abstract:

Concurrent with coming Pahlavi regime into force, Rezashah with the aim of centralization of power and doing his modernity policies did his suppression and sedentarization plan against pastoralism community cruelly. With the extension of such policies and till the crashdown of Pahlavi regime in February, 1978, tribes and pastoralism community found out the political intention of the government to make them weaken, so they do the same forceful actions. Hence, based on the circumstances they got crashes with regime to show their protests against the government actions. During that time many state authorities and planners named these unwilling of pastoralism community against the state projects and construction plans as traditionality and anarchism of tribe's population.

With proposing of some viewpoints about total traditional community's specification and its limitizing effects on weak local person's partnership in growth and development plans, this essay wants to prove this hypothesis that: "Many of cultural structure's specifications will change from a barrier against the development and renewal plans to a promoting and attracting factor for people's partnership if the interaction between the development authorities and domestic, local and traditional groups is adapted."

---

Assessment of Sport Managers' Performance on Domestic and Local Sports of Pastoralism Community's Youths in Sistan & Balouchestan Province

By: Maryam Samareh Talebi

Abstract:

This research wants to answer this question: How important is the performance of sport's managers in the development of domestic and local sports of pastoralism community? Is the answer is such significant that the youths in pastoralism community give them up ?

A group of 350 of youths and 36 of sport's managers and staffs were chosen. The collected datae analyzed through "t-significant" , Variance and standard deviation tests. The results revealed some significant indices like :inattention to the sociocultural issues, planning, fiscal and credit problems and trainings have major affects on giving up such sports despite their compatibility with pastoralism community's culture and traditions.

There was no significant difference between two viewpoints of sport's managers and community's youths and both groups believed the main cause for giving up such sports is the inattention of the said indices.

Keywords: Pastoralism, Pastoralism youth's domestic and local sports, sport's managers, performance assessment